

بنام خداوند جان و خرد

نگارش و روش تحقیق

(یادگیری نگارش، طرح تحقیق، روش تحقیق،
نوشتن مقاله و پایان نامه)

یعقوب یسنا

مؤسسه انتشارات مقصودی

کابل، ۱۴۰۰

سرشناسه:
عنوان و نام پدیدآور:
مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری:
فروست:
شابک:
موضوع:
رده‌بندی کنگره:
رده‌بندی دیوی:

یسنا، یعقوب، ۱۳۵۷-
نگارش و روش تحقیق / یعقوب یسنا
دوم، کابل، مؤسسه انتشارات مقصودی، ۱۴۰۰
قطع رقعی، ۲۰۶ ص.
روش تحقیق - روش شناسی
۹۷۸-۹۹۳۶-۶۲۴-۱۱-۵
نگارش و روش تحقیق
LB ۲۳۶۸/ ح ۹ ن ۳
۸۰۸/۰۲

ISBN: 978-9936-624-11-5
Writing and Research Method
Yaqub Yasna



مؤسسه انتشارات مقصودی

نگارش و روش تحقیق

نویسنده: یعقوب یسنا

ناشر: مؤسسه انتشارات مقصودی، کابل

صفحه‌آرا: زهرا احمدی

طراح جلد: وحید عباسی

شابک: ۹۷۸-۹۹۳۶-۶۲۴-۱۱-۵

نوبت و تاریخ چاپ: دوم، بهار ۱۴۰۰

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۸۰ افغانی

چاپ: خدمات چاپ مقصودی

پست الکترونیکی: n_maqsoodi@yahoo.com

مرکز پخش ۱: کابل، کارته سه، پل سرخ، مارکیت تجارته ملی، منزل هم‌کف

مجتمع کتابستان، مؤسسه انتشارات مقصودی

شماره تماس: +۹۳(۰)۷۹۹۰۲۲۹۶۴

مرکز پخش ۲: مزار شریف، نمایشگاه دایمی بین‌المللی سرور سعادت، جاده بیهقی

روبه‌روی غضنفریانک

شماره تماس: +۹۳(۰)۷۷۲۰۱۸۰۳۵

حق چاپ و نشر برای ناشر و نویسنده محفوظ است.

یادداشت آمریت دیپارتمنت

نگارش و روش تحقیق در واقع دو امر نسبتاً مستقل اما مرتبط به هم اند. چگونگی رعایت این دو موضوع مانند چگونگی کاربرد زبان، بازتاب دهنده سطح هویت علمی و فرهنگی هر ملت است. آشفتگی و بی‌سروسامانی در قلمروی نگارش و روش تحقیق را هیچ نویسنده و محققى نمی‌پذیرد. البته تحول و دگرگونی و همگامی با شرایط تاریخی و فرهنگی هر عصر، لازمه بقای نگارش و روش تحقیق است که هرگز نمی‌توان از این دو امر مهم سرباز زد و بر تکامل و یا تعامل آن با تحولات نوین راه را بست؛ بنابراین لزوماً برخی تغییرات و همگامی‌ها را باید پذیرفت. به همین دلیل، بنابه مشوره اعضای دیپارتمنت، تهیه درس‌نامه نگارش و روش تحقیق که سالیان متمادی استاد محمد یعقوب یسنا متصدی تدریسش بود، به استاد موصوف سپرده شد. آن‌چه که در تهیه این درس‌نامه اهمیت دارد، شیوه‌ارایه و تدوین آن است؛ زیرا در نگارش این کتاب تلاش صورت گرفته است تا جنبه کاربردی روش نگارش و روش تحقیق در نظر گرفته شود. از همین رو، جنبه آموزشی و کاربردی این درس‌نامه به دانشجویان و خوانندگان مفید تمام شده است.

این درس‌نامه شامل سه بخش است که بخش نخست در باره روش نگارش، بخش دوم در باره روش تهیه و پژوهش پایان‌نامه و بخش سوم در باره روش تهیه

مقاله است. هر بخش در فصل‌های مشخص دسته‌بندی و تدوین شده است. هدف، ضرورت و کاربرد هر فصل در آغاز فصل‌ها بیان شده است. مشخص شدن هدف کلی و هدف عملی هر فصل به درس‌نامه کمک کرده تا جنبه آموزشی و کاربردی درس‌نامه بیش‌تر شود. مهم‌تر از همه، این فصل‌ها بنابه ضرورت دانشجویان برای نگارش مقاله در جریان تحصیل و نوشتن پایان‌نامه ارایه شده است.

آمریت دیپارتمنت پارسی دری، استادان این دیپارتمنت را برای تهیه درس‌نامه‌های کاربردی، مفید و مؤثر تشویق و حمایت می‌کند. درس‌نامه روش نگارش و تحقیق که توسط محترم یعقوب یسنا تدوین و ارایه شده است، در دیپارتمنت پارسی دری دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه البیرونی و در دانشگاه‌های دیگر نیز تدریس شده است. از چاپ نخست این درس‌نامه به خوبی استقبال صورت گرفت. این استقبال بیان‌گر مؤثریت آن است. نویسنده ویرایش تازه‌ای در چاپ دوم ارایه نموده است. طبعاً ویرایش تازه، مؤثریت درس‌نامه را بیش‌تر کرده است. این اثر ضمن آن که ساده و روان نوشته شده است، به لحاظ محتوایی از غنای قابل وصف برخوردار می‌باشد. استادان و دانشجویان با مطالعه این کتاب، نکات ارزشمندی را در رابطه با نگارش، روش تحقیق و مقاله نویسی فراخواهند گرفت.

در فرجام برای استاد محمد یعقوب یسنا از بازگه ایزد متعال موفقیت‌های مزیدی را در امر نوشتن این گونه کتاب درسی استدعا دارم.

دکتر سید تسلیم کاویان
آمر دیپارتمنت پارسی دری

یادداشت نویسنده بر چاپ دوم

مطالب کتاب نگارش و روش تحقیق نخست برای درس مضمون نگارش و مضمون روش تحقیق در دانش‌گاه البیرونی و دانش‌گاه خورشیدگردآوری و تدوین شد. من چند سمستر این دو مضمون را در این دو دانش‌گاه تدریس می‌کردم. در جریان تدریس این دو مضمون فرصت پیدا کردم که مطالب گردآوری شده و شیوه‌ی تدوین مطالب را طبق نیازسنجی دانش‌جویان به نگارش و روش تحقیق بازبینی و بررسی کنم. پس از بازبینی و بررسی‌ای که در چند سمستر صورت گرفت، این مطالب بنام «نگارش و روش تحقیق» چاپ شد. کتاب پس از چاپ مورد استقبال دانش‌جویان و استادانی که مضمون نگارش و مضمون روش تحقیق را در دانش‌گاه‌ها تدریس می‌کردند، قرار گرفت. چاپ نخست کتاب تمام شد.

خوش‌بختانه توانستم با تعدادی از دانش‌جویانی که کتاب را خوانده بودند و تعدادی از استادانی که کتاب را در دانش‌گاه‌ها تدریس می‌کردند، ارتباط برقرار کنم و نظر آنها را جویا شوم که مطالب کتاب و شیوه‌ی تدوین کتاب چه کم و کاستی‌هایی دارد تا در چاپ دوم رفع و ویرایش شود. نظر دانش‌جویان و استادان را دریافت کردم و ویرایش جدیدی از کتاب در چاپ دوم ارایه کردم. با استفاده از روش خطا و آزمون برخی از مطالب کتاب را طبق یافته‌های تازه‌ی نگارشی و

تحقیقی اصلاح و ویرایش کردم و مطالبی را بنابه نیازسنجی دانش جویان زیاد کردم.

آنچه که به این کتاب (نگارش و روش تحقیق) اهمیت می دهد جنبه‌ی آموزشی مطالب کتاب و شیوه‌ی نسبتا کاربردی عرضه و تدوین کتاب است. کتاب، علمی-پژوهشی نیست، کتاب علمی-آموزشی است. مطالب کتاب از کتاب‌های معتبر نگارش و روش تحقیق گردآوری شده و در تدوین جدیدی (که شیوه‌ی تدوین و دسته‌بندی مطالب و فصل‌بندی مطالب کتاب کار خودم است) ارایه شده است. در ضمن گردآوری مطالب کتاب از یافته‌های مشخص علمی، از تجارب نویسندگی خود که در این چند سال به دست آورده‌ام، نیز در ارایه‌ی مطالب و شیوه‌ی بیان مطالب استفاده کرده‌ام. بنابراین آنچه که این کتاب را با کتاب‌های دیگر در باره‌ی نگارش و روش تحقیق در افغان‌ستان متفاوت می‌سازد، شیوه‌ی تدوین مطالب و افزودن تجارب شخصی خودم بر اطلاعات مطالب و شیوه‌ی نگارش مطالب کتاب است.

شاید تعدادی بگویند که نگارش و روش تحقیق دو موضوع جدا است، چرا در این کتاب کنار هم آمده‌اند و با هم چاپ شده‌اند. اما برداشت من این است که نگارش، روش تحقیق و چپستی تحقیق باهم ارتباط دارند. زیرا تحقیق باید به نگارش دربیاید. کسانی که با شیوه‌ی نگارش آشنا نباشند، در نگارش تحقیق دچار مشکل می‌شوند. این مشکل موجب کاستی ارایه و فهم درک نگارش تحقیق می‌شود.

ممکن کسی ماهیت تحقیق را بداند، اما نگارش و روش تحقیق را نداند؛ نمی‌تواند اطلاعات تحقیق را به صورت روش مند گردآوری، تجزیه و تحلیل کند و بنویسد. تعدادی روش تحقیق را نسبتا می‌دانند اما درک دقیق و علمی‌ای از ماهیت و چپستی علمی تحقیق ندارند؛ در این صورت دانستن روش تحقیق و نگارش چندان کارساز نیست، زیرا تحقیق از نظر چپستی علمی دچار فقدان ماهیت و چشم‌انداز علمی است. این که پژوهش‌گر باید بداند علم چیست، در

ضمن نیاز دارد روش تحقیق و روش نگارش علمی را نیز بداند تا بتواند از نظر علمی پژوهش‌های نسبتاً دقیق و بدون عیب، ارایه کند. بنابه این برداشت که درک ماهیت علم، یادگیری نگارش و روش تحقیق باهم ارتباط دارند، نگارش و روش تحقیق در کنار هم تدوین و چاپ شده است. نخست به یادگیری اصول نگارش، بعد به تعریف و توضیح چستی علم و تحقیق و سرانجام به یادگیری روش تحقیق پرداخته شده است.

یادداشت نویسنده بر چاپ نخست

هنگامی که روش نگارش و روش تحقیق را در دانش‌گاه البیرونی و دانش‌گاه خورشید تدریس می‌کردم، متوجه شدم که درک ما از نگارش به‌ویژه از نگارش علمی، از تحقیق و روش تحقیق چندان به‌روز و مدرن نیست؛ تفکیک درستی از نگارش و روش نگارش علمی نداریم؛ چگونگی استفاده از زبان را در مقاله‌ی علمی و تحقیق نمی‌دانیم؛ در شیوه‌ی ماخذدهی و منبع‌نویسی مشکل داریم؛ به روش‌های تحقیق در علوم‌آشنایی نداریم؛ و...

واقعیت این بود که در جریان تدریس به این کاستی‌ها در خود متوجه شدم، بعد این کاستی‌ها را از خود به جامعه‌ی دانش‌گاهی تعمیم دادم. دلیل تعمیم این بود که من از جمله‌ی این افراد بودم؛ به‌نوعی همه کم و بیش در چنین وضعیتی قرار داشتیم. بنابه این درک، به‌صورت جدی به منابعی که در باره‌ی نگارش، تحقیق و روش تحقیق وجود داشت و در دست‌رس بود سرزدم، تا اندازه‌ای این منابع را مطالعه کردم.

پس از مطالعه‌ی کتاب‌های نگارش و روش تحقیق به بررسی وضعیت نگارش علمی و روش تحقیق در مجله‌های گویا علمی دانش‌گاه‌ها و موسسه‌های (پژوهشی؟) مانند آکادمی علوم و درکل به فرایندی که در کشور به آن تحقیق گفته می‌شود، پرداختم. بنابه گذرانگاهی که داشتم پی بردم چنان‌که هرامری در

کشور دست خوش فساد است؛ تحقیق نیز دچار فساد است. از تحقیق، ماهیت تحقیق، نقش و اهمیت تحقیق خیلی دور ایم. اصولاً تحقیق و رویکرد تحقیقی در دانش‌گاه‌ها و در موسسه‌های تحقیقی کشور مغفول واقع شده است.

بنابراین بررسی دو یادداشت انتقادی در باره‌ی آفت و فساد در تحقیق در دانش‌گاه‌ها و موسسه‌های تحقیقی افغان‌ستان نوشتم که در روزنامه‌ی هشت صبح نشر شد. اکادمی علوم پس از نشر این دو یادداشت واکنش نشان نداد، وزارت تحصیلات عالی به یادداشت‌های من پاسخ نوشت، در روزنامه‌ی هشت صبح نشر شد. وزارت تحصیلات فساد در تحقیق را تایید کرده بود، گفته بود وضعیت تحقیق را در دانشگاه‌های کشور بررسی می‌کند.

به این نظر استم تنها وزارت تحصیلات عالی نمی‌تواند فرایند تحقیق را طوری که لازم است از نظر ماهیت علمی به‌روز، مدرن و روش‌مند بسازد. درکل رویکرد نظام فرهنگی، آموزشی و علمی باید به تحقیق، علمی و روش‌مند شود که تحقیق از فساد و آفت نجات یابد.

اگر بخواهیم تحقیق و روش تحقیق را از اساس جدی بگیریم باید روش تفکر، تحقیق و علم در نصاب وزارت معارف رعایت شود؛ روش تحقیق علمی در مقاله‌ی مجله‌های علمی به‌صورت جدی اجرا شود؛ نهادهای آموزشی و تحقیقی ماهیت علم، تحقیق و روش تحقیق را طبق دریافت‌ها و روش‌های علمی مدرن معرفی کنند؛ وزارت تحصیلات عالی تدریس مضمون‌های نگارش علمی، روش تحقیق و فلسفه‌ی علم را در رشته‌های تحصیلی الزامی کند؛ پایان‌نامه‌نویسی دوره‌ی لیسانس مورد بررسی و تجدیدنظر قرار بگیرد (ضرورت نوشتن پایان‌نامه‌نویسی بررسی شود)؛ و در پایان‌نامه‌نویسی ماستری، دکتری و در رساله‌نویسی ترفیع علمی استادان، روش تحقیق و ماهیت علمی تحقیق جدی گرفته شود. با این هماهنگی کلی شاید بتوان وضعیت آفت‌بار تحقیق را تغییر داد و بهتر کرد؛ در غیر این، تحقیق اهمیت علمی، روش‌مند و مدرن پیدا نخواهد کرد.

مساله و مشکل اساسی ما در تحقیق این است که چندان درک درست و

علمی‌ای از ماهیت و چیستی علم نداریم؛ زیرا هنوز بین بی‌طرفی نگاه علمی و سلیقه و عاطفه‌های مذهبی و قومی تفکیک قایل نیستیم. به رویدادها و موضوع‌ها نگاه برونی که نگاه علمی است، نداریم. کوشش و تلاش ما این است که در بیان موضوع‌ها و رویدادها روش علمی را نه بلکه سلیقه و عاطفه‌ی خود را اعمال کنیم. این رویکرد و طرز دید به علم و تحقیق مانع تحقق روش علمی و تحقیقی در شناخت موضوع‌ها و رویدادها می‌شود. بنابراین آنچه را که بنام تحقیق و علم ارایه می‌کنیم در واقع خلاف ماهیت و چیستی علم، تحقیق و روش علمی تحقیق است. بحث علم، محدود و مشخص است: بررسی روش‌مند موضوع‌محور، فرضیه‌محور و مساله‌محور داده‌ها، بررسی سند، استدلال و استقرا، ارایه‌ی ارقام و آمار، تجربه‌پذیری و آزمایش به‌اساس آزمون و خطا (ابطال‌پذیری).

هرآنچه که روش‌مند، موضوع‌محور، فرضیه‌محور و مساله‌محور نیست، ارایه‌ی ارقام و آمار ندارد، تجربه‌پذیر و قابل آزمون نیست و فاقد استدلال و استقرا است، درستی و نادرستی و معناداری آن نمی‌تواند مشخص شود. بنابراین از عرصه‌ی تجربی علم، روش تحقیق و معناداری تحقیق بیرون است. تجربه‌پذیری و معناداری در علم و تحقیق نیازمند روش است؛ فرق نمی‌کند به روش کمی، کیفی یا تلفیقی ارایه شده باشد. در هر صورت روش علمی در تحقیق باید مشخص باشد تا با استفاده از آن روش بتوان نتیجه و معناداری تحقیق را سنجید و درک کرد.

موقع مطالعه درباره‌ی چیستی علم و تحقیق متوجه شدم ماهیت علم و تحقیق وابسته به روش یا چند روش مشخص و محدود است که با استفاده از این روش‌ها می‌توان از موضوع و رویدادها شناخت علمی، تحقیقی و معنادار ارایه کرد؛ در صورتی که روش‌های علمی در تحقیق رعایت نشوند، ممکن نیست که از موضوع و رویدادی بتوان شناخت علمی، تحقیقی و معنادار ارایه کرد.

منظور از روش یا روش‌های مشخص در تحقیق این است که در علوم ساینسی و اجتماعی، روش‌هایی نسبتاً متفاوت پژوهشی برای تحقیق استفاده می‌شود. امروز علوم بنابه تفاوت روش‌های تحقیقی و علمی دسته‌بندی و از هم تفکیک

می‌شوند. پژوهش و بررسی کیمیا روشی نسبتاً ویژه به خود و ریاضی ویژه به خود را دارد. همین‌طور در علوم اجتماعی، پژوهش و بررسی جامعه‌شناسی روشی نسبتاً ویژه به خود، تاریخ و ادبیات روشی نسبتاً ویژه به خود را دارد.

در روش‌های علمی تحقیق نمی‌توان ادعا کرد که روش جدید علمی‌ای را ابداع و ارائه کرده‌ام. ابداع و ارائه‌ی روشی جدید علمی در تحقیق به‌سادگی صورت نمی‌گیرد. از زمان ارسطو (ارگنون و پویتکه) تا زمان توماس کوهن (ساختار انقلاب‌های علمی) چند روش مشخص و محدود علمی ابداع، طراحی و ارائه شده است. بنابراین باید این روش‌های علمی تحقیق را شناخت و به‌اساس این روش‌ها به پژوهش در علوم پرداخت.

طوری‌که اشاره شد در افغانستان شناخت ماهیت تحقیق و روش تحقیق مساله است؛ یعنی این‌که تحقیق و روش تحقیق به‌صورت دقیق و علمی شناخته شده نیست. در چنین وضعیتی نمی‌توان از تحقیق سخن گفت؛ بهتر این است از چرایی ناشناخته ماندن و رفع ناشناختگی تحقیق و روش تحقیق در دانش‌گاه‌ها و نهادهایی بنام تحقیقی سخن گفته شود.

در این چند سال در کنار دانش‌گاه‌های دولتی، دانش‌گاه‌های خصوصی نیز آغاز به فعالیت کرده‌اند. نهادهایی که فقط کار آنها پژوهش و تحقیق است نیز داریم. اکادمی علوم از جمله‌ی این نهادها است. دانش‌گاه کابل به‌عنوان یک نهاد علمی، پژوهشی و تحصیلی سال ۱۳۱۱ خورشیدی و اکادمی علوم افغانستان به‌عنوان یک نهاد پژوهشی سال ۱۳۴۹ خورشیدی تاسیس شده است. اگر جای‌گاه پژوهشی این دو نهاد را در دو دهه‌ی پسین بررسی کنیم، متأسفانه به این نتیجه می‌رسیم که در این دو نهاد شناخت تحقیق، روش تحقیق و ماهیت علم مساله است و این دو نهاد استقلال علمی ندارند. در صورتی‌که یک نهاد استقلال علمی نداشته باشد، کار علمی و پژوهشی انجام ندهد، طبعا نمی‌تواند اعتبار علمی پیدا کند.

حمایت از پایان‌نامه‌نویسی در دوره‌ی لیسانس در دانش‌گاه‌ها بیش‌تر برای

فساد صورت می‌گیرد. زیرا پایان‌نامه‌نوشتن یک دانش‌جوی لیسانس از نظر علمی چندان اهمیت علمی نمی‌تواند داشته باشد. اگر هدف از پایان‌نامه‌نوشتن ارزیابی دریافت علمی و توسعه‌ی دریافت علمی باشد؛ دانش‌جوی لیسانس دانش لازم علمی و پژوهشی‌ای ندارد که با چنین هدفی پایان‌نامه بنویسد. چرا وقت دانش‌جو و استادان برای پایان‌نامه‌نوشتن دوره‌ی لیسانس هدر و ضایع شود؟ حتا در تریبه‌های معلم دو ساله نیز پایان‌نامه‌نوشتن در پایان تحصیل الزامی است. دانش‌جویان برای پایان‌نامه‌نوشتن به استادان پول می‌دهند، استادان مطالبی را کاپی و پیست می‌کنند یا این‌که مطالب تکراری در کمپیوتر استادان هست که با تغییر عنوان بنام پایان‌نامه‌ی دانش‌جو پذیرش می‌شود. اگر چنین معامله‌ای صورت نگیرد، دانش‌جو به کتاب‌خانه‌ها و... می‌رود، پایان‌نامه می‌خرد. استاد رهنما با خرده‌گیری‌هایی که به تحقیق و روش تحقیق ربط ندارد، دانش‌جو را سرگردان می‌کند تا زمینه‌ی فساد، شیرینی و سوء استفاده فراهم شود. یک دانش‌جوی دختر در دانشگاه کابل برای پایانه‌نویسی مورد آزار و... استاد رهنمای خود قرار گرفت، خودکشی کرد.

بدتر از همه این‌که در سطح کشور زیرنام تحقیق انواع فساد بنابه مصلحت‌ها و سهمیه‌بندی‌های قومی و سرقت‌های علمی جریان دارد. استادان دانش‌گاه‌ها و پژوهش‌گران اکادمی علوم بنابه لایحه و قانون رتبه‌های علمی باید برای گرفتن هر رتبه‌ی علمی تحقیقی انجام بدهند. در افغانستان اکادمیسین، پروفیسور و... بسیار داریم اما معلوم نیست که این «دانش‌مندان؟» چه تحقیق و کار علمی‌ای ارائه کرده‌اند. اگر دقیق بررسی کنیم اکادمیسین و پروفیسور شدن نیز در این کشور به سهمیه‌بندی قومی ارتباط دارد.

تا جایی‌که در جریان پروژه‌هایی بنام تحقیق در دانش‌گاه‌ها و اکادمی علوم استم، استادان و محققان کتاب‌های پژوهش‌گران خارجی را به تعبیر عام «زنده کاپی کرده بنام خود ارائه می‌کنند» یا کمی عنوان‌های داخل کتاب را تغییر می‌دهند و مطالب را پس و پیش، پیست و کاپی می‌کنند، رتبه‌ی علمی می‌گیرند

و اکادمیسین و پروفیسور می‌شوند. اگر این همه بوهاند، پروفیسور و اکادمیسین تحقیق کرده‌اند، تحقیق شان کجا است؟ چرا از نتایج تحقیقات شان استفاده نمی‌شود؟ چرا آثار شان چاپ نمی‌شود که مورد استفاده‌ی جامعه‌ی علمی در منطقه و جهان قرار بگیرد؟ جالب از همه این است که این روزها در افغانستان بازار ترجمه برای گرفتن رتبه‌ی علمی گرم است. استادان و پژوهش‌گران ما آثار استادان و پژوهش‌گران ایرانی را از فارسی به دری ترجمه می‌کنند.

من شاهد ارایه‌ی (تحقیق؟) و تیز ماستری‌ای بوده‌ام که (محقق؟) و «ماسترا!» ما در کم‌تر از یک هفته تحقیق و تیزش را نوشته است. تحقیق یک پروسه‌ی زمان‌بندی شده و مرحله به مرحله است. محقق در مرحله‌ی نخست، مساله‌ی تحقیق را مشخص می‌کند، هیات علمی می‌بیند که محقق آن چه را به عنوان مساله ارایه کرده، مساله است یا نیست. در صورتی که هیات علمی مساله بودن تحقیق را تایید کرد، محقق به تحقیق آغاز می‌کند.

متأسفانه در کشور هر امری بنابه انواع مصلحت‌ها و سلیقه‌ها (که این مصلحت‌ها و سلیقه‌ها اساس فساد استند) مورد قبول و تایید قرار می‌گیرد. فساد در تحقیق نیز بنابه مصلحت‌ها و سلیقه‌ها صورت می‌گیرد. از افتضاح «تحقیق؟» اکادمی علوم همه خبر داریم. «اطلس اتنوگرافی اقوام غیرپشتون افغان ستان» توسط پژوهش‌گران اکادمی علوم تحقیق و تدوین شد. این تحقیق یک لک دالرهزینه داشت. این هزینه را چند نفر به اساس سهمیه‌بندی فیصدی قومی خود تقسیم کردند. بعد از تقسیم هزینه یک توهین‌نامه بنام اطلس اتنوگرافی اقوام غیرپشتون افغان ستان ارایه دادند که مهم‌ترین یافته‌ی تحقیقی محققان در آن تحقیق این بود: بند بینی مردم هزاره آن قدر خم و پخش است که توسط یک چشم، چشم دیگر قابل دید است. این کتاب نه مبنای نظری و علمی و نه مبنای روش پژوهشی داشت. «محقق!» اکادمی علوم طبق سلیقه و... خود قوم هزاره را دشنام داده بود.

پیشنهاد‌های نسبتاً مشخصی برای جلوگیری از فساد در تحقیق این موارد

می‌توانند باشند: وزارت تحصیلات عالی درباره‌ی پایان‌نامه‌های دوره‌ی لیسانس تجدیدنظر کرده، بررسی کند که پایان‌نامه‌ی دوره‌ی لیسانس چه اهمیت علمی‌ای دارد و فایده‌ی علمی آن به دانش‌جو، دانش‌گاه و کشور چیست؟ به جای این‌که استادان درگیر پایان‌نامه‌نویسی دانش‌جویان در دوره‌ی لیسانس شوند، بهتر است استادان تحقیق و روش تحقیق در دوره‌ی ماستری و دکتری و در رتبه‌های علمی را جدی بگیرند. آثاری که در این دوره‌ها ارایه می‌شوند، تحقیقی و علمی باشند. کارنامه‌ی تحقیقی محققان اکادمی علوم بررسی شود، دیده شود که در این نهاد تحقیقی ملی تحقیق، روش تحقیق و ماهیت علم چقدر شناخته شده است و چقدر تحقیق و علم استقلال دارد. مهم‌تر از همه در این نهاد تحقیقی چه تحقیق‌هایی ارایه شده است که در عرصه‌ی ملی و منطقه‌ای رفع حل مساله و مشکل کرده است.

بنابراین بهتر است ماهیت علم، روش تحقیق و تحقیق جدی گرفته شود. به استقلال دانشگاه‌ها و نهادهای پژوهشی از نظر علمی احترام گذاشته شود. بنابه مصلحت‌های قومی و سلیقه‌های مذهبی استقلال علم و تحقیق دچار چالش و فساد نشود. به تحقیق باید دید علمی وجود داشته باشد؛ این‌که تحقیق باید مساله و مشکلی را در یک رشته‌ی علمی حل کند، سبب نوآوری و ترویج علم در یک رشته‌ی علمی شود و از نتایج تحقیق در حل معضلات مناسبات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... استفاده صورت بگیرد.

در نوشتن کتاب‌های نگارش و روش تحقیق آن‌چه که مهم است، تدوین و ارایه‌ی روش نگارش و روش تحقیق برای یادگیری و کاربرد است که خواننده‌ها بتوانند روش کاربرد و استفاده‌ی نگارش و تحقیق را بیاموزند و یاد بگیرند. بنابه این برداشت کتاب‌های نگارش و روش تحقیق را می‌توان گونه‌ای از نوشته‌های علمی-ترویجی دانست. یعنی آمیزه‌ای از گردآوری و ترجمه هستند که به مساله‌ای پاسخ نمی‌دهند، بلکه این گونه نوشته‌ها هدف آموزشی برای نهادینه‌سازی روش نگارش و روش تحقیق دارد. در این صورت نوآوری اگر در

نوشتن کتاب‌های روش نگارش و روش تحقیق وجود دارد، در چگونگی تدوین، ارایه و بیان موضوع با این هدف است که نویسنده چقدر توانسته موضوع را کاربردی و آموزشی مطرح کند تا موجب یادگیری آسان‌تر خواننده‌ها شود.

این کتاب گردآوری، اقتباس و تلفیق است. کوششی اگر برای نوآوری صورت گرفته در دسته‌بندی فهرست مطالب، چارچوب موضوعی و منطقی، ارایه و شیوه‌ی بیان موضوع و متن است. مطالب این کتاب بنابه تجربه‌ای که خودم از روش نگارش و روش تحقیق داشته‌ام با استفاده از ۳۰ کتاب درباره‌ی روش نگارش و روش تحقیق بنابه درک سطح آگاهی دانش‌جویان دانشگاه‌های افغان‌ستان تدوین، تلفیق و چارچوب‌بندی موضوعی شده است. از مفاهیم و موضوع‌ها بنابه درک خواننده‌ها تعریف با نمونه‌های کاربردی ارایه شده است. در تعریف، ارایه‌ی نمونه برای کاربرد و بیان موضوع کوشش براین بوده است که از نظر زبان و تفهیم قابل درک آسان برای خواننده‌های افغان‌ستان باشد.

کتاب‌های آموزشی و علمی-ترویجی باید زبان آسان و علمی داشته باشند تا همه بتوانند از آن کتاب‌ها استفاده کنند. این کتاب جنبه‌ی عمومی و اختصاصی دارد. جنبه‌ی عمومی کتاب طوری تدوین شده است که همه بتوانند با اساسات روش نگارش و روش تحقیق آشنا شوند. جنبه‌ی اختصاصی کتاب در این است که زمینه‌ی ورود خواننده‌ها را به مرحله‌های اختصاصی‌تر نگارش و روش تحقیق فراهم می‌کند. اگرچه طرح ارایه‌ی کتاب برای نگارش و تحقیق علوم اجتماعی گذاشته شده است، اما مشخصاً برای معرفی روش نگارش و تحقیق علم خاصی نیست. بنابراین کتاب استفاده‌ی مقدماتی و عام در عرصه‌ی نگارش و تحقیق دارد.

کتاب‌نامه‌ای در پایان ارایه شده است که هدف از ارایه‌ی کتاب‌نامه برای آشنایی بیشتر و اختصاصی‌تر خواننده‌ها با نگارش و روش تحقیق است. در ضمن، مطالب این کتاب از کتاب‌های گردآوری، اقتباس، تلفیق و تدوین شده است که در کتاب‌نامه معرفی شده‌اند.

فهرست مطالب

مقدمه ۲۷

بخش نخست: (شیوه‌ی نگارش) فصل نخست (آشنایی با انواع نگارش)

مقدمه ۳۳

در جهان معاصر همه به نوشتن نیاز داریم ۳۴

چرا گفتن آسان و نوشتن دشوار است؟ ۳۷

انواع نگارش ۳۹

۱- نگارش عمومی ۴۰

خاطره ۴۰

نامه ۴۲

نامه (نامه‌ی رسمی) ۴۲

نامه‌ی خصوصی و دوستانه ۴۲

سفرنامه ۴۴

۴۴	زندگی نامه
۴۵	خلص سوانح (سی فی)
۴۵	زندگی نامه‌ی علمی
۴۶	زندگی نامه (بیوگرافی)
۴۶	خودزندگی نامه نوشت (اتوبیوگرافی)
۴۶	۲- نگارش مطبوعاتی
۴۶	خبیر
۴۸	تحلیل خبری
۴۸	توصیف خبری
۴۹	۳- نگارش ادبی
۵۰	پارچه‌ی ادبی (انشا)
۵۰	توصیف ادبی
۵۱	داستان
۵۲	۴- مقاله

فصل دوم (نگارش محصول تجربه، ذوق، مطالعه، معلومات و تحقیق)

۵۳	مقدمه
۵۴	۱- ذوق و نگارش
۵۵	۲- مطالعه و نگارش
۵۷	فن مطالعه
۶۰	خواندن، شنیدن و نوشتن فعال
۶۱	۳- معلومات و نگارش
۶۱	۴- مرجع‌شناسی و نگارش
۶۲	چگونگی دسته‌بندی، تنظیم و آرایه‌ی نگارش
۶۴	نگارش و نویسندگی معماری، آبادکردن و آفریدن است

فصل سوم (رابطه‌ی زبان و نگارش)

۶۷ مقدمه
۶۸ انواع کاربرد زبان
۶۹ زبان چیست؟
۷۲ زبان معیار
۷۳ زبان نوشتار و گفتار
۷۴ گونه‌ی ادبی زبان نوشتار
۷۵ گونه‌ی علمی زبان نوشتار

فصل چهارم (رابطه‌ی نگارش و دستور زبان)

۷۵ مقدمه
۷۸ دستور زبان و نگارش
۷۹ جایگاه عبارت (گروه) در نگارش
۸۱ جایگاه جمله در نگارش
۸۲ قاعده‌ی جمله در زبان پارسی
۸۳ اجزای جمله (اجزای سخن)
۸۳ نهاد و گزاره
۸۴ جمله‌ی ساده
۸۵ جمله‌ی مرکب
۸۵ جایگاه بندنوشت (پاراگراف) در نگارش
۸۸ جمله‌ی اصلی (ایده) بندنوشت
۸۸ جمله‌های توضیحی بندنوشت

فصل پنجم (رابطه‌ی دستور خط و نشانه‌گذاری با نگارش)

۸۹ مقدمه
۹۰ ۱- دستور خط پارسی دری

- نگهداری چهره‌ی خط و الفبا ۹۱
- وضع سه قاعده برای جدانویسی، پیوسته‌نویسی و نیم‌فاصله‌نویسی ۹۱
- ۲- نشانه‌های نگارش ۹۶

بخش دوم (روش تهیه و تحقیق پایان‌نامه)
فصل نخست (آن‌چه‌که پیش از تحقیق بدانیم)

- مقدمه ۱۰۹
- تحقیق چیست؟ ۱۱۰
- تحقیق (مسأله‌سازی مشکل) ۱۱۵
- تحقیق (حل مسأله) ۱۱۶
- اهمیت یادگیری روش تحقیق ۱۱۷
- نوع تحقیق از نظر چگونگی روش گردآوری اطلاعات ۱۲۰
- انواع پژوهش به اساس هدف ۱۲۴

فصل دوم (آشنایی با اصطلاحات تحقیق)

- مقدمه ۱۲۷
- اهمیت آشنایی با اصطلاحات تحقیق ۱۲۸
- نظریه ۱۳۰
- فرضیه ۱۳۱
- تعریف ۱۳۲
- مفهوم ۱۳۳
- مسأله ۱۳۳
- تحلیل ۱۳۴
- تجزیه ۱۳۴
- بحث ۱۳۴
- ابطال ۱۳۴

۱۳۵	توصیف
۱۳۵	توضیح
۱۳۵	استدلال
۱۳۵	مقایسه
۱۳۵	ارزیابی
۱۳۶	متغیر
۱۳۶	اطلاعات
۱۳۶	نوع تحقیق از نظر چگونگی روش تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق
۱۳۶	نوع کمی
۱۳۶	نوع کیفی
۱۳۷	نوع ترکیبی

فصل سوم (معرفی چستی پایان نامه)

۱۳۹	مقدمه
۱۴۰	پایان نامه یا رساله چیست؟
۱۴۱	هدف از پایان نامه نویسی
۱۴۲	پایان نامه، آرایه‌ی دریافت‌های علمی و توسعه‌ی دریافت‌های علمی
۱۴۳	فساد در پژوهش و پایان نامه نویسی

فصل چهارم (صفحه‌های ابتدایی پایان نامه)

۱۵۱	مقدمه
۱۵۲	معرفی صفحه‌های ابتدایی پایان نامه
۱۵۲	صفحه‌ی روی جلد
۱۵۳	صفحه‌ی یاد نام خداوند
۱۵۳	صفحه‌ی چکیده و خلاصه‌ی تحقیق
۱۵۴	صفحه‌ی تشکر و سپاس‌گزاری

۱۵۴.....	صفحه‌ی پیش‌کش و اهدا
۱۵۵.....	فهرست مطالب و چگونگی تهیه‌ی آن

فصل پنجم (طرح تحقیق و کلیات)

۱۵۷.....	مقدمه
۱۵۸.....	طرح تحقیق
۱۵۹.....	مقدمه
۱۶۰.....	مساله‌ی تحقیق
۱۶۰.....	نظریه‌ی تحقیق
۱۶۱.....	فرضیه‌ی تحقیق
۱۶۲.....	هدف تحقیق
۱۶۲.....	اهمیت تحقیق
۱۶۳.....	پیشینه‌ی تحقیق
۱۶۴.....	روش تحقیق

فصل ششم (بدنه‌ی اصلی تحقیق)

۱۶۵.....	مقدمه
۱۶۶.....	بدنه‌ی اصلی تحقیق (بحث و تحلیل)
۱۶۷.....	چگونگی موضوع‌بندی (دسته‌بندی بدنه‌ی تحقیق)
۱۶۸.....	چگونگی شناسایی و ارزیابی منابع
۱۶۹.....	چگونگی استفاده از منابع (شناخت درست اطلاعات)
۱۷۰.....	چگونگی تحلیل، بررسی و ارزیابی اطلاعات و اسناد برای حل مساله‌ی تحقیق ...

فصل هفتم (ارایه‌ی نتیجه و نتیجه‌گیری)

۱۷۳.....	مقدمه
۱۷۴.....	ارایه‌ی نتیجه‌ی تحقیق

۱۷۵.....	نتیجه‌ی (یافته‌هایی) تحقیق
۱۷۶.....	پیشنهادهای تحقیق

فصل هشتم (چگونگی منبع‌نویسی و ماخذدهی)

۱۷۷.....	مقدمه
۱۷۸.....	معرفی منبع و ماخذ
۱۷۹.....	شیوه‌ی ماخذدهی درون‌متن
۱۷۹.....	شیوه‌ی ماخذدهی برون‌متن
۱۸۰.....	شیوه‌ی منبع‌نویسی
۱۸۱.....	نمونه‌ی منبع‌نویسی کتاب
۱۸۱.....	نمونه‌ی منبع‌نویسی مقاله
۱۸۱.....	نمونه‌ی منبع‌نویسی از سایت‌های اینترنتی

بخش سوم (معرفی مقاله)

فصل نخست (نیاز و ضرورت به مقاله‌نویسی)

۱۸۵.....	مقدمه
۱۸۶.....	مقاله و بررسی وضعیت مقاله‌نویسی در افغانستان
۱۸۶.....	مقاله
۱۸۷.....	نیاز به مقاله
۱۸۸.....	پیشینه و وضعیت مقاله‌نویسی
۱۸۹.....	آفت و فساد مقاله‌نویسی

فصل دوم (معرفی انواع مقاله)

۱۹۳.....	مقدمه
۱۹۴.....	انواع مقاله
۱۹۴.....	۱- مقاله‌های مطبوعاتی

مقاله‌های خبری	۱۹۴
مقاله‌های علمی-آموزشی	۱۹۵
۲- مقاله‌های دانشگاهی	۱۹۵
مقاله‌های علمی-پژوهشی	۱۹۶
مقاله‌های علمی-مروری	۱۹۶
مقاله‌های علمی-ترویجی	۱۹۶
مقاله‌های دانشنامه‌ای	۱۹۷
مقاله‌های آموزشی	۱۹۷
مقاله‌های نقد کتاب	۱۹۷

فصل سوم (ساختار مقاله‌ی علمی-پژوهشی و رهنمودهای برای به‌ترسازي آن)

مقدمه	۱۹۹
ساختار مقاله‌های علمی-پژوهشی	۲۰۰
رهنمودهای لازم برای به‌ترسازي مقاله	۲۰۰
کتاب‌نامه	۲۰۳

مقدمه

روش و روش تحقیق دو امر نسبتاً مستقل اما مرتبط با هم هستند. مستقل به این معنا که روش نگارش به شیوه و چگونگی نوشتن می‌پردازد، تحقیق به شیوه و روش چگونگی تحقیق در مسایل علوم و اجتماع می‌پردازد. با آموختن روش نگارش شیوه و چگونگی درست نوشتن را می‌آموزیم و با آموختن روش تحقیق شیوه و چگونگی تحقیق در مساله و مشکلی را یاد می‌گیریم. یعنی آموختن روش تحقیق به ما کمک می‌کند که برای حل مساله و مشکلی بتوانیم راه‌حلی یا راه‌حل‌های روش‌مند و مناسب ارایه کنیم.

روش نگارش و روش تحقیق از این نگاه مرتبط با هم هستند که بی‌توانایی، مهارت و یادگیری اصول و قواعد نگارش نمی‌توانیم در باره‌ی آن چه تحقیق کنیم، تحقیق خویش را به صورت درست و منظم بنویسیم یا از تحقیق خویش گزارش علمی به عنوان مقاله یا رساله‌ی علمی ارایه کنیم. بنابراین ارایه‌ی مقاله‌ی علمی، رساله‌ی علمی یا پایان‌نامه (منوگراف) نیاز به یادگیری اصول و قواعد نگارش و بلند بردن مهارت‌های ذوق استفاده از نگارش را دارد. تا به روش نگارش در یک زبان آشنا نشویم، نمی‌توانیم از زبان نوشتاری آن زبان، چه در نوشته‌های عادی و چه در نوشته‌های تحقیقی، درست و مناسب استفاده کنیم.

جزوه‌ی نگارش و روش تحقیق به شما کمک می‌کند تا با روش نگارش در

زبان نوشتاری پارسی دری آشنا شوید و بتوانید از این روش در نوشتار روزمره و در نوشتارهای علمی (مقاله و پایان نامه) به صورت درست استفاده کنید. در بخش نخست، هدف و ضرورت از نگارش در جهان معاصر بیان شده و به اهمیت نگارش در زندگی انسان معاصر اشاره شده است: این که انسان معاصر ناگزیر به نوشتن است.

در این بخش کوشش شده تا انواع نگارش، چه مواردی بر نگارش تاثیرگذار است، زبان و نگارش باهم چه رابطه‌ای دارند، از زبان در نگارش چگونه می‌توانیم استفاده کنیم، چگونه می‌توانیم معانی را در ذهن خود پیروانیم و آن را به نگارش تبدیل کنیم و دستور خط یک زبان و نشانه‌گذاری با نگارش چه ارتباط دارند، معرفی شود.

سپس به روش تحقیق پرداخته شده است. منظور از درس این مضمون بیش‌تر، یادگیری و آشنایی با روش تحقیق است، اما پیش از آن که به روش تحقیق پرداخته شود، آشنایی با روش نگارش به عنوان بحث مقدماتی برای یادگیری به‌تر روش تحقیق لازم دانسته شده است.

بنابه مشکلاتی که افغانستان درگیر آن بوده، چندان نتوانسته‌ایم با روش‌های معاصر علمی در نگارش و روش تحقیق آشنا شویم. این عدم آشنایی سبب شده که روش نگارش علمی و تحقیق روش مند در مقاله‌نویسی و کتاب‌نویسی رعایت نشود. بنابراین نهادینه شدن روش نگارش و روش تحقیق نیاز به پشت‌کار و توجه دارد. تا با روش نگارش علمی و روش تحقیق علمی آشنا نشویم، نمی‌توانیم آثار نسبتاً یک‌دست و هماهنگ از نظر نگارشی و روش تحقیق ارایه کنیم.

بنابه این دریافت کوشش شده تا به اهمیت یادگیری روش تحقیق پرداخته شود؛ بعد آشنایی با اصطلاحات تحقیق ارایه شده؛ پس از این آشنایی، روش و شیوه‌ی تحقیق در تهیه‌ی پایان‌نامه (منوگراف) معرفی شده است؛ و در ضمن به چگونگی وضعیت پایان‌نامه‌نویسی و ضرورت پایان‌نامه‌نویسی در افغانستان نیز اشاره شده است. در ادامه‌ی این بحث، روش ماخذدهی (ارجاع‌دهی) درون‌متن

و روش منبع‌نویسی از کتاب، مقاله در مجله و مقاله‌های اینترنتی نیز معرفی شده است. سپس به شیوه‌ی مقاله‌نویسی، انواع مقاله و ضرورت مقاله‌نویسی در توسعه و ترویج علوم پرداخته شده است.

این جزوه‌ی درسی مقدمه‌ی رهنمودی‌ای برای آشنایی دانش‌جویان و علاقه‌مندان به شیوه‌ی نگارش زبان پارسی دری و روش تحقیق و به‌کارگیری آنها در تهیه‌ی مقاله و پایان‌نامه (منوگراف) است. طبعاً یادگیری و استفاده‌ی این روش‌ها به علاقه‌مندی هر دانش‌جو و مطالعه‌ی بیش‌تر دانش‌جو در باره‌ی موضوع، ارتباط دارد. نقش استاد در یادگیری علوم نقش رهنمودی است که دانش‌جو را با علوم آشنا می‌سازد و تلاش می‌کند مشوق دانش‌جو برای مطالعه‌ی بیش‌تر در یادگیری علوم باشد.

بخش نخست

(شیوه‌ی نگارش)

فصل نخست (آشنایی با انواع نگارش)

مقدمه

در این فصل به ضرورت نوشتن در جهان معاصر پرداخته می‌شود. این که چرا انسان معاصر به نوشتن نیاز دارد و بین نوشتن و گفتن چه تفاوت‌هایی وجود دارد که انسان‌ها همه می‌توانند سخن بگویند اما همه نمی‌نویسند یا نوشتن را امر دشواری می‌دانند. در ضمن انواع نگارش نیز معرفی شده است.

اهداف کلی

هدف از آرایه‌ی این فصل:

- ۱- دانش‌جویان به توانایی انسان در نگارش پی می‌برند. این که هر انسانی توانایی نگارش را دارد، باید این توانایی را به عنوان ذوق در ذهن خویش پرورش بدهد.
- ۲- به محدودیت‌های نگارش و تفاوت آن با گفتار پرداخته شده است.
- ۳- اهمیت و ضرورت نگارش در جهان معاصر بیان شده است.
- ۴- انواع نگارش معرفی شده است.

اهداف رفتاری (عملی)

از دانش‌جویان گرامی انتظار می‌رود پس از مطالعه‌ی فصل این موارد را بدانند:

- ۱- چرا در جهان معاصر به نوشتن نیاز است؟
- ۲- چگونه می‌توان به نوشتن عادت کرد و از نوشتن برای بهتر شدن زندگی اجتماعی استفاده کرد؟
- ۳- تفاوت گفتار و نوشتار در چیست؛ چه امکان‌هایی در گفتار هست که در نوشتار نیست و چه امکان‌هایی در نوشتار هست که در گفتار نیست؟
- ۴- چرا نگارش نسبت به گفتار محدودیت دارد؟
- ۵- انواع نگارش کدام‌ها هستند و چه تفاوت‌هایی باهم دارند؟
- ۶- شاید این دلیل را که نمی‌نویسید، بدانید و دیگر نوشتن به شما مشکل به این معنا نباشد که نمی‌توانید بنویسید!

در جهان معاصر همه به نوشتن نیاز داریم

درست است که ما در زندگی روزانه خویش با افراد زیاد، پیام‌هایی را رد و بدل می‌کنیم. در خانه با خانواده، در بیرون با دوستان و آشنایان، در صنف با دانش‌جویان، در اجتماع با مردم و در محل کار با هم‌کاران. شاید در بسا موارد نیاز پیش نیاید که این پیام‌ها نوشتاری باشد، بلکه می‌تواند گفتاری باشد. اما اگر زندگی بشر را به دو بخش کلی دسته‌بندی کنیم: زندگی پیشانوشتاری و زندگی پسانوشتاری.

در زندگی پیشانوشتاری، هنوز خط اختراع نشده بود، انسان‌ها در گروه‌ها و جامعه‌های کوچک زندگی می‌کردند و روابط خود را حضوری و با گفتار برقرار می‌کردند. پس از اختراع خط و با توسعه‌ی جامعه‌های بشری، مناسبات اجتماعی افراد در جامعه پیچیده‌تر شد و نیازمندی‌ها نیز بیش‌تر شد. بنابراین دیگر گفتار نمی‌توانست مشکل برقراری روابط و اداره‌ی امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و آموزشی جامعه را حل کند.

اگر بخواهیم در باره اهمیت نگارش و نوشتار در زندگی معاصر بشر فکر کنیم، مبالغه نخواهد بود که اهمیت مادی و معنوی بشر را به نوشتار ارتباط دهیم، زیرا

فصل نخست: آشنایی با انواع نگارش | ۳۵

در نبود نوشتار نمی‌توانیم به تمدن بشری در گذشته و در روزگار کنونی بیندیشیم. بیندیشید اگر از زندگی انسان معاصر مکاتبات، مطبوعات، کتاب‌ها، آگهی‌ها، اسناد حقوقی، بازرگانی، اداری و برنامه‌های تلویزیونی و سینمایی (برنامه‌های تلویزیونی و سینمایی نیز نوشته می‌شوند و بعد اجرا می‌شوند) را حذف کنیم، در زندگی ما چه می‌ماند؟! زندگی ما به زندگی ماقبل تاریخ رجعت می‌کند؛ یعنی زندگی بدوی‌ای که هنوز در آن خط اختراع نشده است.

ما در روزگاری قرار داریم که زندگی بشر وارد مناسبات پیچیده‌ای شده است و این مناسبات پیچیده، بیش‌تر و پیچیده‌تر می‌شود. تکنالوژی در شکل‌دهی این مناسبات و روابط پیچیده، نقش خاصی دارد. بنابراین در این مناسبات و روابط پیچیده، نوشتار در برقراری روابط و مناسبات بشری، جایگاه خاصی دارد. شما روزانه نیاز پیدا می‌کنید که از مایل‌تان پیامک بفرستید، یا در موقعیت‌هایی استید که نمی‌توانید صحبت کنید، باید بنویسید و پیام کنید؛ یا روزانه و شبانه از فیس‌بوک، یاهو، ای‌میل، وایبر، ای‌موو... با دوستان و هم‌کاران‌تان چت می‌کنید و نامه‌نگاری می‌کنید؛ این‌ها همه شیوه‌های نگارش یا نگارش استند که در زندگی روزمره و حتی خصوصی به آن‌ها نیاز پیدا می‌شود. در زندگی رسمی (که اغلب و اکثر روابط) مناسبات و پیش‌برد کار و امور اداره با نگارش و نوشتار صورت می‌گیرد. اگر خواستی را به اداره مطرح می‌کنیم یا اموری را می‌خواهیم در اداره اجرا شود، همه به صورت رسمی در مکتوب و نوشتار مطرح می‌شود و در بایگانی و دیتابیس اداره به عنوان سند باقی می‌ماند. بنابراین زندگی رسمی و موفقیت یک کارمند در زندگی رسمی‌اش به فعالیت نوشتاری‌اش ارتباط دارد.

اگر نقش نوشتن را در زندگی تحصیلی و در موفقیت تحصیلی در نظر داشته باشیم، می‌بینیم که از مکتب شروع تا لیسانس (کارشناسی)، ماستری (کارشناسی ارشد) و دوره‌ی دکترا با نوشتن سروکار داریم و موفقیت تحصیلی ما نیز به نوشتن ارتباط دارد. حتی اگر نخواهیم محقق و پژوهش‌گر و نویسنده شویم

یا باشیم، باز هم در موقع تحصیل به نوشتن نیاز پیدامی کنیم. ارایه‌ی پروژه‌ها، سیمینارها، پاسخ به پرسش‌های امتحان، ارایه پایان‌نامه در پایان تحصیل، همه با نوشتن صورت می‌گیرد.

بنابراین می‌توان گفت انسان معاصر ناگزیر به نوشتن است و به نوعی نمی‌تواند از نوشتن فرار کند؛ اگر بخواهد از نوشتن فرار کند و ننویسد به این معنا است که آگاهانه می‌خواهد از امکان‌های موفقیت و رشد شخصیتی، سیاسی، فرهنگی و علمی در زندگی‌اش استفاده نکند و این امکان‌ها را کنار گذارد.

اما برای بسیاری‌ها نوشتن کار دشواری است حتی برای کسانی که دوره‌های دانشگاه (کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا) را سپری کرده‌اند. درست است که نوشتن نسبت به گفتار، محدودیت‌ها و دشواری‌های خود را دارد؛ نخست این‌که نوشتن نسبت به گفتار، شیوه بیان مستدل‌تری خواهد بود، دوم در نوشتن باید شیوه‌ی نگارش را رعایت کرد، که رعایت شیوه نگارش به آموزش و یادگیری نیاز دارد. یعنی هرکسی که می‌خواهد بنویسد باید بر شیوه‌ی نگارش و قاعده و قواعد دستور زبان و رعایت این قاعده و قواعد آگاه باشد تا نوشتارش از اشتباه‌های نگارشی مصوون بماند که مایه بدفهمی و نفهمی نوشتار نشود. مهم‌تراز همه نوشتن مانند شنا و آب‌بازی است، باید به نوشتن عادت کرد

و همیشه نوشت. اگر عادت نکنیم و همیشه ننویسم، نوشتن برای ما دشوار خواهد شد. افرادی زیاد هستند که در باره‌ی قاعده و قواعد نگارش و دستور زبان می‌دانند و می‌توانند عیب‌های نگارشی و مشکلات دستوری نوشته‌ها را بدانند اما خودشان نوشته نمی‌کنند؛ زیرا نوشتن برای‌شان دشوار است. به این معنا است که در باره‌ی شنا بسیار خوانده باشیم اما هیچ‌گاهی نخواستیم وارد رود و دریا شویم. بنابراین نوشتن جسارت می‌خواهد، یعنی جسارت دل به دریازدن. چنان‌که با عمل و انجام شنا و آب‌بازی به آب‌بازی عادت می‌کنیم با عمل و انجام نوشتن نیز به نوشتن می‌توانیم عادت کنیم و نوشتن برای ما می‌تواند به عادت و کار نسبتاً ساده‌ای تبدیل شود. اگر می‌خواهید عملاً نگارش را یاد

بگیرید، بتوانید انواع گزارش را بنویسید و نویسنده شوید؛ بخوانید و بنویسید.

چرا گفتن آسان و نوشتن دشوار است؟

برای همه‌ی ما گفتن آسان و نوشتن دشوار است. روزانه بی‌تکلیف خاصی از زبان بهره می‌گیریم و با خانواده، با هم‌کاران، با هم‌صنفان و... صحبت می‌کنیم و ساعت‌ها قصه می‌گوییم. اگر از ما بخواهند تا صحبت‌ها یا بخشی از صحبت‌های خود را بنویسیم، دچار مشکل می‌شویم و می‌خواهیم که این پیشنهاد را نپذیریم. همین دچار مشکل شدن، تکلیفی است برای نوشتن.

بنابراین نوشتن تکلیف و مشقت می‌خواهد. یعنی ما باید برای نوشتن مرحله‌های آموزشی و تجربی را سپری کنیم. در باره‌ی قاعده و قواعد نوشتن آموزش ببینیم و در ضمن آموزش قاعده و قواعد نوشتن، بایستی نوشتن را تجربه کرده و به نوشتن عادت کنیم. در این صورت می‌توانیم بنویسیم اما در غیر آن نوشتن برای ما کار دشوار و دست و پاگیری خواهد شد.

چنان‌که اشاره شد نوشتن نسبت به سخن قاعده و قواعد و شرایط سخت‌تری برای رعایت دارد تا نوشتن عملی و اجرا شود. در صورتی‌که این شرایط رعایت نشود، ممکن در نوشتن ابهام‌های معنایی و دستوری رخ بدهد که مایه‌ی شرم‌ساری نویسنده شود.

نخستین قاعده و قواعد در نوشتن رعایت درست نویسی (املا و انشا) و دستور در نوشتن واژه‌ها، عبارت‌ها، جمله‌ها، پاراگراف‌ها (بند) و متن است. بعد چگونگی به کارگیری نثر، چگونگی آرایه‌ی بیان (توصیف و استدلال و...) و خلاقیت فردی نویسنده در نوشتن است. اگر خلاقیت فردی را در نوشتن در نظر نگیریم (خلاقیت فردی نیز بی‌ارتباط به مطالعه و نوشتن نیست)؛ روش نگارش ویژگی‌های خوب نوشتن در اثر تمرین، کوشش، تجربه و عادت به وجود می‌آید که یک نویسنده پس از کوشش و تجربه‌ی نوشتن دارای توانایی و مهارت‌های لازم در نوشتن می‌شود.

اما در هر نوشتن حتما نوشته‌های خیلی عادی و خصوصی که به دوستان خود از موبایل، فیس‌بوک و... پیام می‌گذاریم، رعایت قاعده و قواعد دستوری و املائی زبان ضرور است. زیرا رعایت این قاعده و قواعد برای طرف، نشان‌دهنده‌ی سواد و دانش ما است. اما در سخن چندان به این شرایط که در نوشتن مکلف به رعایت آن هستیم، می‌توانیم مکلف به رعایت آن نباشیم. در سخن می‌توانیم از موضوع مورد بحث دور شویم به حاشیه بپردازیم و باز برگردیم به اصل موضوع. حتما به تعبیر عام از این شاخ به آن شاخ بپریم و پراکنده‌گویی کنیم و از آخر و وسط، موضوع را آغاز کنیم. جمله‌ها، کلمه‌ها، منظور، ایده و مفهومی را تکرار کنیم و قید و بندی را چندان رعایت نکنیم. اگر در نوشتن چنین کاری را کنیم، خلاصه این‌که نوشتن به رسوایی کشیده می‌شود. بنابراین اگر در سخن به نظم و نسقی ملزم نباشیم باز هم می‌توانیم از زیر بار سخن براییم و مخاطبان خویش را مصروف نگه داریم، اما در نوشتن مکلف به نظم و نسق هستیم.

با این هم سخن و نوشتن هر کدام امکان‌ها و محدودیت‌های خود را دارد:

- از سخن همه بی سواد و باسواد می‌توانند استفاده کنند اما از نوشتن تنها سوادداران می‌توانند استفاده کنند.

- نوشته همیشه می‌ماند. بنابراین مخاطب نوشته، فرازمانی و فرامکانی است. به طور مثال ما نوشته‌های چند هزار سال پیش افلاتون و ارسطو را که در یونان نوشته شده، امروز در افغانستان می‌خوانیم. اما سخن همین‌که گفته شد از بین می‌رود. زیرا محدود به زمان و مکان است. اگر چه امروز با ثبت و... سخن را نیز می‌توان حفظ کرد.

- در سخن نسبتا از قید و بندی که در نوشتار باید رعایت کنیم آزادیم؛ حتما اگر اشتباه می‌کنیم، می‌توانیم موقع سخن اشتباه خود را رفع کنیم. اگر ابهامی در سخن ما وجود داشت، مخاطب می‌پرسد، به مخاطب توضیح می‌دهیم و ابهام رفع می‌شود. اما مخاطب ما در نوشتن مخاطبان حاضر نیستند، حتما مخاطب ما در نوشتن می‌توانند افرادی باشند که چند هزار سال بعد نوشته‌ی

فصل نخست: آشنایی با انواع نگارش | ۳۹

ما را بخوانند. بنابراین در نوشتن ما با مخاطب غایب و با دیگری غایب طرف ایم که نمی‌توانیم مشکل و ابهام نوشته خود را برای خواننده و مخاطب توضیح بدهیم. پس در نوشتن ضرور است تا قاعده و قواعد را رعایت کنیم، بکوشیم واضح، مستدل، صریح و بدون ابهام و مشکل بنویسیم.

- در سخن چندان به ابزار و وسایل نیاز نداریم اما در نوشتن به ابزار و وسایل از جمله به قلم و کاغذ و به کمپیوتر و پرتر نیاز داریم.

«هر نوشته‌ای قولی است، ولی هر قولی نوشته نیست. و هر کس که قول و کتابت را نیک تواند به کمال نزدیک تراست».

«شرف نوشته بدان است: دانش به میانجی او، از دانا به غایبان رسد و از پیشینیان به آیندگان انتقال یابد. درحالی که از گفتار تنها حاضران بهره بگیرند، مگر این که زبان به زبان انتقال یابد که ناگزیر در آن تصرف، اجتناب ناپذیر باشد.»

«شرف نوشته هم چنان به آن است که نوشته قولی است پای برج و تا خط برجای است آن قولی از نویسنده به آواز برجای باشد. پس نوشته قولی است قایم به ذات خویش، هر چند گوینده‌ی آن خاموش گشته باشد و آن که چیزی می‌نویسد، منکر نوشته‌ی خویش نتواند شد».

ناصر خسرو

انواع نگارش

نگارش را می‌توان این‌گونه تعریف کرد:

«نگارش عبارت از تبدیل فکر، ایده و سخن به نوشتار است. با تبدیل فکر، ایده و سخن به نوشتار، به فکر و ایده تجسم می‌بخشیم. بنابراین فکر، ایده و سخن ماندگار می‌شوند.»

نگارش و نوشتار انواع متفاوت دارد. تفاوت‌های انواع نگارش بیش‌تر از نظر موضوعی، زبانی و بیانی، دسته‌بندی می‌شود. همه در هنگام مطالعه پیش‌فرض‌های برای دسته‌بندی متن‌های مورد مطالعه داریم که این

دسته‌بندی به اساس تفاوت موضوعی، زبانی یا بیانی متن صورت می‌گیرد. اگر متنی را می‌خوانیم که رویدادهای شخصی زندگی یک فرد توسط خودش نوشته شده است به آن خاطره نام می‌گذاریم؛ اگر متنی را می‌خوانیم که رویدادهای سیاسی و اجتماعی، تغییر و تحول حکومت‌ها و زندگی پادشاهان در آن ثبت است به آن تاریخ می‌گوییم؛ و اگر متنی را می‌خوانیم که با بیان ادبی نوشته شده و نقل و روایت است به آن داستان نام می‌دهیم.

بنابراین تغییر موضوع سبب تغییر شیوه‌ی نگارش می‌شود. نمی‌توان یک مقاله‌ی دانش‌گامی حقوقی را با شیوه‌ی نگارش خاطره‌نویسی یا ادبی نوشت. زیرا مقاله‌ی حقوقی مقاله‌ی علمی است، شیوه‌ی نگارش و زبان ویژه به خود دارد. برای شناخت چگونگی دسته‌بندی انواع نگارش، چند نوع نگارش معرفی می‌شود. اما برای شناخت بهتر و دقیق انواع نگارش، دانش‌جویان باید در خواندن داستان، یادداشت روزنامه‌ها، کتاب‌های تاریخ، مقاله‌های دانش‌گامی و... عملاً به تفاوت روش نگارش و انواع نگارش توجه کنند. آوردن متن‌های متفاوت برای نشان دادن روش و انواع نگارش، اندازه‌ی کتاب را بیش از آن‌چه که در نظر گرفته شده، می‌کند.

۱- نگارش عمومی

هر گزارش نوشتاری و کتبی‌ای نگارش است. خاطره، نامه، سفرنامه و زندگی‌نامه را من در گزارش عمومی دسته‌بندی کرده‌ام. زیرا مانند گزارش مطبوعاتی و گزارش ادبی اختصاصی و ویژه نیستند، بلکه به زندگی همه ارتباط دارند.

خاطره

زندگی پُر از حوادث و رویدادهای شاد و ناشاد است. این رویدادهای شاد و ناشاد است که پیمان‌های زندگی و حیات ما را پُر می‌کنند. رویدادهای خوش یا ناخوش فقط بر زندگی ما تاثیر نمی‌گذارند؛ در شکل‌گیری شخصیت ما این‌که

چگونه فردی استیم نقش دارند.

تعدادی رویدادهای خاص زندگی خود را ثبت می‌کنند. ثبت این رویدادها به عنوان خاطرات از آنها بجا می‌مانند. خاطرات عام‌ترین و صمیمانه‌ترین نوع نوشته و نگارش است. می‌توان گفت در نوشتن خاطرات قید و محدودیتی نیست. اگر قید و محدودیتی است، همان صمیمانه نوشتن خاطرات است که خاطرات را از جنبه‌ی رسمی بودن و متکلف بودن بیرون می‌کند.

هر اتفاقی را نمی‌توان در خاطره گنجانند، باید اتفاق‌ها و رویدادهایی را در خاطره گنجانند که در زندگی به نوعی اهمیت داشته و برای ما رویداد مهمی باشد. بنابه این اشاره می‌توان خاطره را چنین تعریف کرد: «خاطره رویدادهای شاد، ناشاد، تاثیرگذار و تعجب‌برانگیز زندگی ما است که بیش‌تر ناخواسته و به صورت ناگهانی اتفاق می‌افتد و بر ما تاثیر می‌گذارد یا مایه‌ی تعجب ما می‌شود». می‌توان گفت خاطره رویدادهای تاثیرگذار و تعجب‌برانگیز در زندگی هر فردی است. با خواندن خاطرات یک فرد متوجه می‌شویم که شخصیت او، چگونه شکل گرفته است و چه رویدادهایی بر او تاثیر گذاشته و سبب تحول شخصیتی‌اش شده‌اند.

خاطره برای این‌که ثبت رویدادهای تاثیرگذار و تعجب‌برانگیز زندگی است، اهمیت دارد. اما خاطره‌نویسی برای نویسندگی و عادت به نوشتن نیز دارای اهمیت است. با خاطره‌نویسی به نوشتن عادت می‌کنید و می‌توانید یادنامه‌ای از زندگی خویش بجا بگذارید. این یادنامه نشان‌دهنده‌ی تجربه‌های موفقیت و ناموفقیت زندگی یک فرد است. بنابراین خواندن آن برای افراد، می‌تواند مفید باشد.

خاطرات می‌تواند در یک پاراگراف (بندنوشت) یا چند پاراگراف ارایه شود. خاطره‌نویس می‌تواند مجموع خاطرات خویش را بررسی کرده با زبان و بیان مرتب تنظیم کند و در یک کتاب ارایه کند. خاطره‌نویسان بزرگ این کار را انجام داده‌اند: از دانشکده‌های من اثر ماکسیم کورگی، خاطرات خانه‌ی اموات از داستایوسکی، رنگ‌ها برای که به صدا درمی‌آیند از همینگوی و... می‌توان نام گرفت.

نامه

نامه به دو بخش تقسیم می‌شوند: نامه‌ی اداری و رسمی و نامه‌ی خصوصی و دوستانه. نامه‌ی رسمی و اداری دارای فرم و شکل خاصی است و شروع و ختم مشخصی دارند. اما نامه‌ی خصوصی و دوستانه فرم و الگوی معینی ندارند و بیش تر اابتکاری و موافق با ذوق و طبع نویسنده و چگونگی مناسبات او با مخاطب است.

نامه (نامه‌ی رسمی)

چنان‌که اشاره شد مکتوب‌های رسمی دارای فرم و شکلی خاص و دارای عنوان هستند. هر نامه موضوع خاصی دارد و به مرجع خاصی تقدیم می‌شود. بعضی از ادارات برای درخواست و عرایض مشتریان، ورق‌های رسمی با شکل و فرم خاصی چاپ می‌کنند که مشتری و متقاضی در همان ورق رسمی، درخواستش را می‌نویسد. اما بعضی از ادارات ورق‌های رسمی برای عرایض ندارند. در هر دو صورت، متقاضی برای نوشتن مکتوب و نامه، رسمیات و تشریفات را باید در نظر بگیرد و از القاب رسمی‌ای که در اداره رواج دارد، استفاده کند. در گذشته‌ها فرد ویژه‌ای بنام میرزا قلم برای عریضه‌نویسی وجود داشت که خیلی با نثر و دبیری خاصی مکتوب می‌نوشت. اما میرزا قلمی در روزگار معاصر چندان مناسب نیست. زیرا در یک وزارت و اداره، روزانه چند هزار مکتوب رد و بدل می‌شود. بنابراین هرگونه میرزا قلمی، درازنویسی و حاشیه‌پردازی برای مرجعی که مکتوب‌ها را می‌بیند، وقت‌گیر و سوء تفاهم‌برانگیز می‌تواند باشد. هرچه عریضه کوتاه و در جمله‌ها و عبارات صریح نوشته شده باشد بهتر است. برای این‌که خواننده می‌تواند در یک نگاه، عریضه را بخواند و منظور را دریابد.

نامه‌ی خصوصی و دوستانه

نامه‌ی خصوصی و دوستانه فرم و الگوی معین و از قبل مشخصی ندارد، بیش تر

جنبه‌ی ابتکاری دارد که به ذوق نویسنده و مناسبات نامه‌نویس با مخاطب ارتباط می‌گیرد.

اگر مخاطب از نویسنده بزرگ باشد یا یکی از اعضای خانواده مانند پدر، مادر، برادر یا خواهر بزرگ نامه‌نویس باشد، برخورد نامه‌نویس تفاوت می‌کند. نامه را باید توأم با احترام بنویسد. اگر نامه‌نویس نامه را به کسی می‌نویسد که مخاطبش یکی از اعضای کوچک خانواده است، برخورد نامه‌نویس تفاوت می‌کند. نامه را باید توأم با شفقت و مهربانی بنویسد.

بنابراین در هر نامه‌ای این‌که موضوع نامه چیست، مخاطب نامه کیست و... برخورد نامه‌نویس، چگونگی استفاده از زبان و آرایه‌ی بیان تفاوت می‌کند. به این معنا که هر سخن جای و هر نکته مکانی دارد. یعنی باید بنابه مقتضای حال مخاطب نامه بنویسیم.

درکل زبان و آرایه‌ی بیان نامه‌های خصوصی صمیمی و شخصی هستند. زیرا تبادل نامه معمولاً بین دو دوست صورت می‌گیرد. طبیعی است که برخورد دوستانه، صمیمانه و خودمانی است. در نامه‌نویسی این برخورد صمیمانه و صادقانه بایستی حفظ شود.

همیشه نامه‌های دوستانه، خصوصی است و خصوصی رد و بدل می‌شوند. با این‌همه بهتر است رازداری در نامه‌ها حفظ شود. زیرا ممکن است که نامه‌ها به دست کسی بیفتد. مهم‌تر از همه در جهانی که ما زندگی می‌کنیم، از چهارسو زیر نظر فضای سایبری، اینترنتی، مجازی و کمره‌های مخفی قرار داریم. نامه‌ها و پیام‌هایی که در فیس‌بوک، ای‌میل آدرس و... رد و بدل می‌کنیم، همه قابل کنترل و نظارت هستند. بهترین است که در فرستادن نامه-ها دقت داشته باشیم.

نامه‌نویسی می‌تواند به نویسندگی و عادت در نوشتن به ما کمک کند. بهتر است به دوستان خویش نامه بنویسم و تبادل نامه کنیم. زیرا منظوری را که با دقت در نامه می‌توانیم بیان کنیم، شاید در زبان بیان نتوانیم و مهم‌ترین که گاهی نامه می‌تواند بر مخاطب تاثیرگذاری بیش‌تر از سخن گفتن داشته باشد.

سفرنامه

سفرنامه‌نویسی گونه‌ای از نگارش است که از دیدگاه در فرهنگ بشری رواج داشته است. در دوره‌ی اسلامی سفرنامه‌های مشهوری داریم مانند سفرنامه‌ی ابن حوقل (سده‌ی چهارم هـ. ق)، سفرنامه‌ی ناصر خسرو (سده‌ی پنجم هـ. ق) و... . سفرنامه گزارش مستقیم و عینی سفرنامه‌نویس است. یعنی سفرنامه‌نویس آن چه را می‌بیند و درباره‌اش می‌داند همان را روایت می‌کند. بنابراین گزارش سفرنامه‌نویس گزارش دست اول از اوضاع و احوال جاری و زنده‌ی فرهنگ‌ها و رسم و رواج‌های مردم است. درحالی‌که تاریخ‌نویس اوضاع و احوال گذشتگان را از روی اسناد و مدارک ارایه می‌کند.

سفرنامه‌نویسی به این دلیل ارزش دارد که فرهنگ‌ها، رسم و رواج‌ها، وضعیت شهرها و شیوه‌ی زندگی مردم در گذشت زمان تغییر می‌کند، اما در سفرنامه‌ها اوضاع و احوال زندگی مردم همان روزگار حفظ می‌شود. در سفرنامه وصف راه‌ها، روستاها، شهرها، مسجدها، مکتب و دانشگاه‌ها، جای‌ها و آثار تاریخی، آبادی و ویرانی شهرها، فروشگاه‌ها و بازارها، شیوه‌ی پوشاک و خوراک، خانه و مسکن، فرهنگ، زبان و آداب، ویژگی‌های نژادی و قومی، کشاورزی و صنعت و معادن، خصوصیات اقلیمی و ذکر انواع جانوران و گیاهان با جزئیات عینی وصف و بیان می‌شود.

سفرنامه‌نویسی برای پرورش ذوق نویسندگی ما کمک می‌کند. چه بهتر، هرکجایی که سفر می‌کنید تفاوت زندگی فرهنگی مردم و ویژگی‌های زندگی همان شهر یا روستا را بنویسید. این کار برای شما سودمند است، زیرا مشق و تمرینی برای پرورش استعداد نوشتن در شما می‌شود. در ضمن، می‌تواند سندی از احوال یک شهر یا روستا باشد.

زندگی‌نامه

زندگی‌نامه شامل اطلاعاتی می‌شود که به زندگی گذشته، کنونی، شخصی،

فصل نخست: آشنایی با انواع نگارش | ۴۵

شغلی، علمی و... فرد ارتباط می‌گیرد. در عرصه‌های متفاوتی کاربرد دارد و استفاده‌های متفاوتی می‌تواند از آن صورت بگیرد. بستگی به چگونگی نوشتن زندگی‌نامه و هدف از نوشتن زندگی‌نامه دارد. اگر هدف از نوشتن زندگی‌نامه برای گرفتن شغل باشد، از آن استفاده‌ی اداری می‌شود؛ اگر هدف از نوشتن زندگی‌نامه برای بیان رویدادهای تاریخی باشد، از آن استفاده‌ی تاریخی می‌شود؛ و اگر هدف از نوشتن زندگی‌نامه احساس و عواطف و مسایل شخصی باشد، از آن استفاده‌ی ادبی می‌شود.

خلص سوانح (سی فی)

خلص سوانح معمولاً برای درخواست شغل، تهیه و فرستاده می‌شود. خلص سوانح باید دقیق و مستند ارایه شود. از هرگونه دروغ و تبلیغ در تهیه‌ی خلص سوانح باید پرهیز شود. خلص سوانح دارای ساختار مشخصی است. بهتر است یک تا دو صفحه باشد. با زبان سوم و بالحن رسمی و محترمانه ارایه شود.

خلص سوانح شامل این اطلاعات می‌شود: اطلاعات شخصی (نام، نشانی، شماره تلفن، ای‌میل و تاریخ تولد)، تحصیل و توانایی‌های علمی (نخستین تا آخرین مدرک تحصیلی طبق زمان بندی و اشتراک در دوره‌ها و سیمنا‌های علمی و کاربردی که در کنار تحصیل آکادمیک صورت گرفته است)، مهارت‌ها و زبان‌ها، پیشینه‌ی شغلی و تجارب کاری (ذکر تلفن و نشانی محل شغل و تاریخ هر دوره‌ی شغلی. بهتر است اطلاعات شغلی از آخرین شغل آغاز شود)، دستاورد علمی (مقاله‌های علمی و کتاب‌ها) و معرف و منابع (نشانی کسانی که اطلاعات خلص سوانح شما را در صورت نیاز تایید کنند).

زندگی‌نامه‌ی علمی

زندگی‌نامه‌ی علمی نیز مانند خلص سوانح است اما اطلاعات جزئی از پیشینه‌ی علمی، دستاوردها و پژوهش‌های علمی فرد ارایه می‌شود که این

اطلاعات شامل موقف‌های آکادمیک، تدریس، اشتراک در همایش‌های علمی، مقاله‌های علمی و کتاب‌ها می‌شود.

زندگی‌نامه (بیوگرافی)

زندگی‌نامه گزارشی است که یک نویسنده از زندگی دیگران ارائه می‌کند. زندگی‌نامه می‌تواند فشرده و رسمی مانند خلاص سوانح یا گسترده مانند روایت تاریخی، خاطره و روایت داستانی باشد. چگونگی و هدف نوشتن زندگی‌نامه، چگونگی استفاده از زندگی‌نامه را مشخص کند. اگر زندگی‌نامه مانند خلاص سوانح نوشته شود، منظور معرفی فرد است. اگر به صورت خاطره، روایت تاریخی و داستانی نوشته شود، منظور استفاده‌ی ادبی از زندگی‌نامه است.

خودزندگی‌نامه‌نوشت (اتوبیوگرافی)

خودزندگی‌نامه‌نوشت زندگی‌نامه‌ای است که خود فرد در باره‌ی زندگی خود می‌نویسد. خودزندگی‌نامه‌نوشت نیز می‌تواند به شکل خاطره، روایت تاریخی و روایت داستانی ارائه شود.

۲- نگارش مطبوعاتی

نگارش مطبوعاتی شامل یادداشت‌ها و مقاله‌هایی می‌شود که در رسانه‌های چاپی، اینترنتی، دیداری و شنیداری نشر می‌شود. معمولاً به اخبار و تحلیل رویدادهای روز سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور و جهان می‌پردازد.

خبر

هدف از خبرنگاری، اطلاع‌رسانی است. خبر معمولاً اطلاع و آگاهی در باره‌ی حادثه و رویدادی است. خبروقتی ارزش خبری دارد که تازگی داشته باشد. اگر تازگی نداشت، قبلاً توسط رسانه‌ی دیگر نوشته یا بیان شده بود، چندان ارزش خبری‌ای ندارد. بنابراین در خبرنگاری، اطلاع و آگاهی در باره‌ی رویداد و

حادثه‌ای و تازگی این اطلاع و آگاهی در باره‌ی رویداد مهم است. هر خبردارای ۶ عنصر خبری است که شامل این عناصر می‌شود:

چه کسی: معرفی انجام‌دهنده‌ی رویداد یا معرفی کسی و چیزی که رویداد بر آن رخ داده است. مثلاً احمد در دوش برنده شد یا احمد مسابقه را باخت.

چه چیزی: رویداد یا حادثه معرفی می‌شود. مسابقه‌ی سالانه‌ی سراسری دوش برگزار شد.

کجا: محل رویداد معرفی می‌شود. مسابقه در غازی استدیو کابل برگزار شد.

چه زمانی: ۳۰ جوزا از ساعت ۱۰ تا ۱۲ برگزار شد.

چرا: دلیل رویداد یا حاثه معرفی می‌شود. این مسابقه هر ساله برای مشخص شدن بهترین دونده‌ی سال برگزار می‌شود.

چگونه: کیفیت و شدت رخ دادن رویداد معرفی می‌شود. مسابقه بین دونده‌ها خیلی شدید بود، چندین دونده در مسیر به زمین افتادند و دچار آسیب سطحی شدند.

اگر این عناصر خبری در کنار هم قرار بگیرند، این خبر ارایه می‌شود: «مسابقه‌ی سراسری سالانه‌ی دوش دیروز به تاریخ ۳۰ جوزا از ساعت ۱۰ تا ۱۲ در غازی استدیوم شهر کابل برگزار شد. دونده‌ها در این مسابقه از سراسر کشور اشتراک کرده بودند. این مسابقه هر سال برای مشخص شدن بهترین دونده در کشور برگزار می‌شود. رقابت بین اشتراک‌کننده‌ها بسیار شدید بود که چندین دونده در مسیر به زمین افتادند و سطحی آسیب دیدند. در این مسابقه احمد از ولایت سمنگان برنده مسابقه شد، فرید قهرمان سال قبل، مسابقه را باخت.»

جای عناصر خبری ممکن در یک خبر تفاوت کند. اما اصولاً باید یک خبر شامل این ۶ عنصر باشد. هر خبر غیر از داشتن این ۶ عنصر، دارای ساختار است که شامل تیترا (عنوان)، لید (خلاصه‌ی خبر) و متن (شرح و بدنه‌ی خبر) می‌شود. معمولاً جنبه‌ی هیجان‌انگیزی و شگفت‌برانگیزی در تهیه‌ی عنوان خبر در نظر گرفته می‌شود.

تحلیل خبری

حتما در رسانه‌ها متوجه شده‌اید که بعد از برنامه‌ی خبری، برنامه‌ی تحلیل خبری ارایه می‌شود. در این برنامه کارشناسان دعوت می‌شوند تا برخی از خبرها را تحلیل کنند. در تحلیل خبری هر کارشناس بنابه گرایش سیاسی و... خود تحلیل متفاوتی از یک خبر ارایه می‌کند.

خبر معمولا فاقد دیدگاه جانب‌دارانه است. اما در تحلیل خبری نسبت به ابعاد اتفاق خبری، دیدگاه ارایه می‌شود. دیدگاه‌ها و ابرازنظرها در باره‌ی خبرها می‌توانند بر دیدگاه و قضاوت افراد جامعه در باره‌ی یک خبر تاثیر بگذارند.

بنابراین جریان‌های سیاسی و کارشناسان از ابعاد متفاوت، اتفاق یک خبر را تحلیل می‌کنند تا بتوانند از اتفاق آن خبر، استفاده‌ی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کنند. در تحلیل خبری نمی‌توان تاکید کرد که تحلیل کدام جریان سیاسی یا کدام کارشناس درست است؛ زیرا مهم در تحلیل خبر، چگونگی استدلال جریان‌های سیاسی و کارشناسان از ابعاد اتفاق یک خبر است.

مقالاتی که در روزنامه‌ها و نشریه‌ها چاپ می‌شوند، اکثرا تحلیل خبر و رویدادها هستند. در مقالات تحلیل خبری، رویداد و خبری مبنا قرار داده می‌شود، بعد آن رویداد و خبر از ابعاد متفاوت تحلیل و بررسی می‌شود. معمولا یک تحلیل خبری دارای ۸ بند (پاراگراف) است. بند نخست اشاره به موضوع خبر است. ۶ بند دیگر تحلیل خبر است. ۲ بند آخر می‌تواند نتیجه‌گیری تحلیل به اساس ۶ بند تحلیل خبر باشد.

توصیف خبری

در توصیف خبری نیز مبنا یک حادثه و خبر است. نویسنده‌ی توصیف خبری، ظاهراً اتفاق خبر را با جزئیات گزارش می‌دهد و می‌نویسد. در توصیف خبری چگونگی یک حادثه و رویداد بنابه نشانه‌های مکان حادثه توصیف می‌شود. در توصیف خبری، توصیف ادبی و توصیف گیاه‌شناسی استفاده از زبان و

بیان یکی است. یعنی از زبان استفاده‌ی توصیفی صورت می‌گیرد. اما موضوع توصیف تفاوت می‌کند.

در توصیف خبری واقعیت یک حادثه و رویداد با جزئیات توصیف می‌شود. در توصیف ادبی یک حادثه‌ی داستانی یا احساس و عواطف یک فرد توصیف می‌شود. در توصیف گیاه‌شناسی ویژگی‌های یک گیاه به جزئیات توصیف می‌شود. در توصیف ادبی ممکن توصیف جنبه‌ی روانی و روحی (درون‌نگری) پیدا کند اما در توصیف خبری و گیاه‌شناسی توصیف به اساس واقعیت و ظاهر حادثه و گیاه صورت می‌گیرد.

۳- نگارش ادبی

تفاوت نگارش ادبی با نگارش‌های دیگر در چگونگی استفاده از زبان است. در نگارش‌های دیگر معمولاً از زبان برای اطلاع‌رسانی استفاده می‌شود. استفاده از زبان و واژه‌ها جنبه‌ی مصداقی، تک‌معنا و بدون ابهام و تخیل دارد. یعنی توسط زبان خبری ارایه می‌شود، اطلاعاتی داده می‌شود و سخنی در باره‌ی مناسبت و چیزی در جهان واقع گفته می‌شود که مصداق‌پذیر و دارای معنای مشخص و نسبتاً ثابت و غیرقابل تفسیر و تاویل است.

اما در نگارش ادبی از زبان برای اطلاع‌رسانی استفاده نمی‌شود. زبان جنبه‌ی مصداقی ندارد. یعنی واژه‌های زبان و نگارش ادبی را نمی‌توان در جهان واقع به مصداق و چیزی ارجاع داد. زبان نگارش ادبی دستور زبانِ خلاقِ ویژه به خود را دارد که این دستور زبان برای چه گفتن نه برای چگونه گفتن طراحی شده است. منظور از چه گفتن قصد ارایه‌ی اطلاع و خبری است. مثلاً گفته می‌شود: «فریده وارد خانه شد.» منظور از چگونه گفتن این است که یک موضوع به شیوه‌های متفاوت بیان شود: «وقتی فریده وارد اتاق شد، انگار رنگ جهان و آسمان عوض شده بود. شور و شغف در چهره‌ی فریده موج می‌زد. آن‌گاه خوشایندی و شادی تصور کردنی نه، در فضا احساس شدنی و لمس شدنی بود...»

مناسبات معنایی واژه‌ها در زبان و نگارش ادبی تخیلی است. بنابراین مناسبات معنایی واژه‌ها در متن ادبی تک‌معنا نه، چند معنا است. ابهام و تخیل در مناسبات معنایی نگارش و زبان ادبی وجود دارد که موجب تفسیر و تاویل‌های متفاوت معنای متن ادبی می‌تواند شود. متن و نگارش ادبی هرچه خلاق، چند معنا، ابهام‌برانگیز، تخیل‌برانگیز، قابل تاویل و تفسیرهای متفاوت باشد، اهمیت بیش‌تر ادبی دارد.

پارچه‌ی ادبی (انشا)

پارچه‌ی ادبی که به آن قطعه‌ی ادبی و انشا نیز می‌گویند یادداشت کوتاه ادبی‌ای است که فرد احساس و عواطف خود را در باره‌ی موضوعی می‌نویسد. این موضوع‌ها می‌توانند وطن، عشق، زندگی، پدر، مادر، فرزند، فصل‌های سال و... باشند.

پارچه‌ی ادبی بیش‌تر برای مشق و تمرین نویسندگی صورت می‌گیرد. معلم‌های ادبیات و نگارش در دوره‌ی مکتب از دانش‌آموزان می‌خواهند که پارچه‌ی ادبی‌ای در بهار و... بنویسند. منظور من نیز از یاد کردن پارچه‌ی ادبی در گونه‌های نگارش ادبی برای این است که به خواننده‌ها یادآوری شود تا برای نویسندگی و تقویت قدرت تخیل خود پارچه‌های ادبی بنویسند.

زیرا نوشتن پارچه‌های ادبی می‌توانند ورودی به داستان‌نویسی و نوشته‌های بلند ادبی باشند. نویسنده در نوشتن پارچه‌ی ادبی با تخیل احساس و عواطف خویش را نسبت به موضوعی شگوفا می‌کند، بعد با تاثیرپذیری از احساس و عواطف خویش در باره‌ی موضوع می‌نویسد.

توصیف ادبی

توصیف ادبی با پارچه‌ی ادبی و توصیف خبری ماندنی دارد. در توصیف خبری معمولاً اساس و محور توصیف یک حادثه‌ی واقعی است. پارچه‌ی ادبی بیش‌تر

فصل نخست: آشنایی با انواع نگارش | ۵۱

بیان احساس و عواطف نسبت به یک موضوع، مفهوم و چیز است. در پارچه‌ی ادبی نیز از توصیف استفاده می‌شود. اما این توصیف فقط توصیف ظاهر و برون نیست، توصیف احساس، عواطف، روان و درون نیز است.

توصیف ادبی توصیف ظاهر یک حادثه‌ی داستانی، یک شخصیت داستانی، یک مکان داستانی، یک فضای داستانی و... است. بخش‌های از هیجان‌انگیز داستان را توصیف ادبی شکل می‌دهد. نویسنده با توصیف است که فضاها، مکان‌ها و... داستان را می‌سازد. توصیف در داستان می‌تواند متحرک و روایی یا ثابت و ایستا باشد.

توصیف متحرک و روایی طوری است که ظاهر یک شخصیت فیلم در رفتار آن شخصیت نشان داده می‌شود. توصیف ثابت و ایستا طوری است که دوربین بر بخشی از بدن شخصیت از نزدیک تمرکز می‌کند و آن بخشی از بدن شخصیت را نشان می‌دهد.

داستان

داستان کامل‌ترین ژانر و نوع غالب نگارش ادبی در ادبیات جهان است. داستان ساختار، طرح (پیرنگ) و کلیت روایی مخصوص به خود را دارد. داستان گونه‌های متفاوت دارد که داستانک، داستان کوتاه، داستان بلند و رمان است. اگر داستانک را در نظر بگیریم هر داستانی شخصیت، حادثه، ساختار، قصه، نقل، پیرنگ و... دارد که به صورت روایی بیان می‌شود (داستان‌های پست مدرن می‌تواند تفاوت کند).

نویسنده یا نویسندگی به معنای خاص داستان‌نویس و داستان‌نویسی است. در تعریف داستان گفته شده است: «داستان اثری است منشور و روایی که مبتنی بر جعل باشد.» منظور از واژه‌ی جعل کپی و نقلی نیست، بلکه «ساختگی» است. یعنی نویسنده پیرنگ، شخصیت، حوادث، روایت و... داستان را با قدرت تخیل خود می‌سازد. هر اثری را داستان گفته نمی‌توانیم، زیرا داستان باید

به نثر و روایی باشد.

در روایت داستان معمولاً از توصیف، نقل و نمایش استفاده می‌شود. به توصیف ادبی اشاره شد. منظور از نقل بیانِ پیهمِ حوادث و رویدادهای داستانی است. مثلاً: «احمد که داخل اتاق شد، مبابلی روی میز بود، مبابلی را برداشت، متوجه یادداشتی شد که زیر مبابلی گذاشته شده بود...».

در داستان روایت نقلی و روایت نمایشی داریم. امروز داستان نویسان بیش‌تر از روایت نمایشی استفاده می‌کنند. در روایت نقلی گفته می‌شود: «احمد قهر شد.» در روایت نمایشی قهر بودن در چهره و رفتار احمد نشان داده می‌شود: «چشمان احمد سرخ شده بود، گونه‌ها و لب‌هایش می‌لرزیدند، رگ‌های گردنش قرمز و برجسته شده بودند، پیهم با دودست بر میز می‌کوبید...».

برای این‌که یک فرد بتواند به مرحله‌ی داستان‌نویسی برسد، لازم است که داستان مطالعه کند و خاطره، پارچه‌ی ادبی و توصیف ادبی بنویسد؛ بعد وارد مرحله‌ی داستان‌نویسی شود. زیرا داستان‌نویسی مطالعه، تمرین نویسندگی، تجربه‌ی هنری و خلاقیت ادبی می‌خواهد.

۴- مقاله

مقاله‌نویسی در جهان معاصر از اهمیت بسیار خاصی برخوردار است. تحقیقات و دستاوردهای علمی در هر رشته‌ای معمولاً در مقاله‌ها ارائه می‌شوند. روزنامه‌ها، مجله‌ها، رسانه‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری همه با مقاله و مقاله‌نویسی تداوم می‌یابند.

شیوه‌ی نوشتن مقاله و انواع مقاله در بخش روش تهیه و تحقیق مقاله با جزییات ارائه شده است که این‌جا یاد نمی‌شود.

فصل دوم (نگارش محصول تجربه، ذوق، مطالعه، معلومات و تحقیق)

مقدمه

در این فصل نخست به رابطه ذوق و نگارش اشاره شده است، این که ذوق شخصی در نوشتن و نگارش یا درکل در نویسندگی چه تاثیری دارد. مطالعه، معلومات و شناخت کتاب‌های مرجع چقدر در نگارش و نوشتن کمک می‌کند. یک فرد، معلومات و اطلاعات درباره‌ی موضوعی دارد اما این معلومات و اطلاعات را چگونه باید دسته‌بندی کرده و آن را به نگارش تبدیل کند. به این نیز اشاره می‌شود که نویسنده به کی می‌توان گفت؟ تفاوت بین کسی که تاریخ یا مقاله‌ی علمی می‌نویسد با نویسنده در چیست؟

اهداف کلی

هدف از ارایه‌ی این فصل:

- ۱- دانش جویان از رابطه‌ی ذوق و نگارش آگاه می‌شوند.
- ۲- تاثیر مطالعه و فن مطالعه را در نگارش می‌دانند.
- ۳- از معلومات و اطلاعات خود در نگارش می‌توانند استفاده کنند.
- ۴- به تفاوت بین کسی که مقاله، تاریخ و... می‌نویسد با کسی که داستان

می‌نویسد و نویسنده است، آشنا می‌شوند.

اهداف رفتاری (عملی)

از دانش‌جویان گرامی انتظار می‌رود پس از مطالعه‌ی این فصل این موارد را بدانند:

- ۱- نگارش با ذوق چه ارتباطی دارد؟
- ۲- اگر ذوق داشته باشیم اما مطالعه و معلومات نداشته باشیم، آیا می‌توانیم بنویسیم؟ رابطه‌ی نگارش با مطالعه چیست؟
- ۳- مطالعه‌ی ذوقی و مطالعه‌ی جدی باهم چه تفاوتی دارد؟
- ۴- کتاب‌های مرجع چه کتاب‌های استند، از کتاب‌های مرجع چگونه در نگارش استفاده باید کرد؟
- ۵- نویسنده را تعریف کنید و تفاوت بین نگارش به مفهوم عام و نویسندگی به مفهوم خاص در چیست؟
- ۶- شما چرانی نمی‌نویسید، ذوق نوشتن ندارید یا معلومات و مطالعه‌ی کافی برای نگارش ندارید؛ چه فکر می‌کنید؟ به خود پاسخ بدهید!

۱- ذوق و نگارش

نگارش و نوشتن به خصوص نویسندگی، ذوق می‌خواهد؛ یعنی انگیزه‌ی شخصی یا انگیزه‌های فرهنگی و اجتماعی نیاز است تا ذوق افراد برای نوشتن برانگیخته شود. انگیزه‌ها تفاوت می‌کند: انگیزه‌ها می‌تواند شخصی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی باشد.

اگر انگیزه‌ای وجود نداشته باشد، ذوق نیز برای نوشتن و نویسندگی برانگیخته نمی‌شود. بنابراین پرورش ذوق برای نگارش مهم است. همه‌ی ما سخن می‌گوییم، اما تعداد کمی می‌نویسند یا به صورت خاص نویسنده می‌شوند. اکثریت نمی‌نویسند و خود را دچار تکلیف نوشتن نمی‌کنند.

فصل دوم: نگارش محصول تجربه، ذوق، مطالعه، معلومات و تحقیق | ۵۵

انگیزه‌ی شخصی برای نگارش و نوشتن یا برای نویسندگی، بیش‌تر بعد از مرگ نام او بماند، می‌خواهد اندیشه و فکرش را دیگران بدانند، می‌خواهد کنج‌کاوی‌اش را درباره‌ی دریافت حقیقت و معنای جهان نشان بدهد، درکل جویای نام است.

طبیعی است که انگیزه‌های شخصی نیز در مناسبات اجتماعی و بشری شکل می‌گیرند و هر فرد به نوعی نسبتاً متفاوت با اجتماع و مناسبات بشری تصادم می‌کند و درگیر می‌شود که این درگیرشدن در چگونگی ایجاد انگیزه و چگونگی ذوق او برای نوشتن و نویسندگی تأثیرگذار است. هر فرد از نوشتن قصد و منظوری دارد. پشت این قصد و منظور انگیزه یا انگیزه‌های نهفته است که ذوق او را برانگیخته تا بنویسد.

۲- مطالعه و نگارش

در صورتی که ذوق داشته باشیم اما مطالعه نداشته باشیم آیا می‌توانیم بنویسیم یا خوب بنویسیم و نویسنده‌ی خوبی شویم؟ پاسخ این است که بی‌مطالعه و مطالعه‌ی متداوم نمی‌توانیم خوب بنویسیم یا نویسنده‌ی خوبی شویم. زیرا منبع و سرچشمه‌ی نوشتن و نویسندگی مطالعه است. فهم، دانش و به کارگیری زبان در نوشتن و نویسندگی ارتباط می‌گیرد به مطالعه‌ی کتاب‌هایی که خوانده‌ایم. اگر یک شخص فقط کتاب‌های هزار سال قبل را خوانده باشد، کتاب‌های روزگار خود را نخوانده باشد؛ هیچ شکی نیست، او با زبانی خواهد نوشت که مانند زبان نوشتار کتاب‌های هزار سال پیش خواهد بود. فهم و اطلاعاتی که در نوشته‌هایش بازتاب می‌یابد به فهم و اطلاعات همان دوره ارتباط خواهد داشت.

برای نگارش و نویسندگی ما به مطالعه نیاز داریم؛ مطالعه‌ی متداوم آثار گذشته و آثار معاصر. آثار هر دوره، سبک نشر، فهم و اطلاعاتش تفاوت می‌کند.

بنابراین نباید زندانی سبک نشر، فهم و اطلاعات یک دوره شویم، باید بکوشیم با مطالعه، سبک نشر، فهم و اطلاعات خویش را معاصر و نو کنیم تا معاصر بودن زبان نوشتار، فهم و اطلاعات معاصر در نوشتن و نگارش ما نیز بازتاب پیدا کند. برای یادگیری اصول نگارش خواندن قاعده و قواعد خوب است. اما حقیقت این است که یادگیری نگارش ارتباط به مطالعه و خواندن علوم دارد. درست است که در خواندن علوم به صورت مستقیم اصول نگارش را یاد نمی‌گیریم، اما با خواندن درازمدت صاحب زبان، واژگان، سبک و ادبیات نوشتاری مخصوص به خود می‌شویم.

یادگیری نگارش و دست یافتن به یک نگارش مطلوب با خواندن درازمدت ممکن است. شاید دست یافتن به نگارش مطلوب از طریق مطالعه‌ی درازمدت سخت باشد اما درست‌ترین راهی که می‌توانیم بر نگارش مطلوب دست پیدا کنیم با استفاده‌ی درازمدت مطالعه امکان‌پذیر است. این مطالعه، مطالعه‌ی قاعده و قواعد و اصول نگارش نیست. منظور از مطالعه، مطالعه‌ی علوم است. اگر بخواهید داستان نویس شوید با خواندن کتاب ره‌نمایی داستان‌نویسی داستان‌نویس نمی‌شوید. خواندن کتاب ره‌نمایی داستان‌نویسی بد نیست؛ اما در صورتی که بخواهید داستان‌نویس شوید بایستی ده‌ها داستان را بخوانید تا پی‌رنگ، عناصر، تکنیک، روایت و زبان داستان در ذهن شما نهادینه شود. اصولاً هیچ‌کسی آب‌بازی و رانندگی را فقط با خواندن کتاب ره‌نمایی آب‌بازی و رانندگی یاد نمی‌گیرد. کسی که می‌خواهد آب‌بازی را یاد بگیرد، باید تن به آب بدهد. کسی که می‌خواهد راننده شود، باید سر فرمان بنشیند. بنابراین خواندن داستان مانند این است که شما وارد آب می‌شوید. بعد از این که چندین داستان را خواندید آغاز به نوشتن داستان کنید.

اگر فقط ره‌نمایی داستان‌نویسی خوانده باشد و داستان نخوانده باشید، شما نمی‌توانید داستانی با محتوا و گیرا بنویسید. شاید یک داستان تکنیکی، اما بی‌عمق و بی‌روح بنویسید که جنبه‌ی عاطفی و بشری ندارد. اما ادبیات فراتر

از تکنیک، عمق و روح عاطفی باید داشته باشد. **فن مطالعه:** اطلاعات، دانش و فهم ما از چهار طریق صورت می‌گیرد: مشاهده، تجربه، شنیدن و مطالعه. مشاهده، تجربه و شنیدن در حقیقت عملی است که از نخستین سال‌های زندگی آغاز می‌شود. هر فرد مشاهده، شنیدن و تجربه عامی از زندگی دارد. اما هنگامی این مشاهده، شنیدن و تجربه از زندگی و جهان، خاص می‌شود و فرد باریک‌بین و ژرف‌نگر می‌شود که دارای فکر منظم و مرتب شود. فکر منظم و مرتب نیازمند به مطالعه است، آن هم مطالعه‌ای که برخوردار از فن مطالعه باشد.

سیاری از معلومات، مایه‌های فکری و حتا رفتار عاطفی ما اطلاعات دست دوم و غیرمستقیم هستند. به طور مثال، موقع شنیدن یک خبر شاد یا ناشاد از خود وضعیت عاطفی‌ای تبارز می‌دهیم که آن را در یک فیلم یکی از شخصیت‌های فیلم اجرا کرده است و ما آن را تقلید می‌کنیم.

اطلاعات ما نیز دست دوم و غیرمستقیم است که از مجری‌های برنامه‌های تلویزیون، رادیو، منبریان و سخن‌رانان شنیده‌ایم؛ معلوم نیست که این اطلاعات را آنها به صورت مستقیم و دست اول دریافت کرده‌اند یا آنها نیز مانند ما این اطلاعات را غیرمستقیم دریافت کرده‌اند.

در فراهم‌آوری این چنین اطلاعات، اطمینان و اعتمادی وجود ندارد. هنگامی می‌توانیم نسبت به اطلاعات خویش اطمینان و اعتماد کنیم که خود ما به طور مستقیم و دست اول، آن را دریافت کرده باشیم. فراهم‌آوری اطلاعات دست اول و مستقیم ارتباط می‌گیرد به مطالعه، شنیدن و مشاهده‌ی خود ما. در صورتی که مطالعه داشته باشیم می‌توانیم نسبت به اطلاعات خود سنجش و داوری داشته باشیم و اطلاعات خویش را مورد نقد و ارزیابی قرار بدهیم. در نتیجه با اطلاعات خود به تفکر دست یابیم و این تفکر را به نگارش و نوشته تبدیل کنیم.

این اطلاعات به سادگی و با مطالعه‌ی سرسری که برای سرگرمی باشد به

دست نمی‌آید. باید فن مطالعه را یاد گرفت و خود را برای مطالعه‌ی جدی و روش‌مند آماده کرد. از دو گونه مطالعه می‌توان نام برد: مطالعه برای سرگرمی و مطالعه‌ی جدی. مطالعه برای سرگرمی مانند دیدن سریال و فیلم است، می‌خواهیم خود را در اوقات بی‌کاری سرگرم و مصروف نگه داریم اما مطالعه‌ی جدی، مطالعه‌ای است که برای قصد و منظور خاصی صورت می‌گیرد. یعنی برای بیش‌تر کردن اطلاعات و معلومات، برای یافتن حقیقت و جست‌وجو درباره‌ی حقیقت، برای تحقیق، برای تفکر، برای آموختن و یادگیری دانش و... این گونه مطالعه به روش نیاز دارد:

- در مطالعه‌ی جدی نباید فقط به حافظه‌ی خویش اتکا کنیم. باید کتاب‌چه‌ی یادداشتی در کنار ما باشد تا موارد مورد نظر، مطالب و نکته‌های مهم و جالب را یادداشت کنیم.

- در هنگام مطالعه، اندیشه و تفکر نیز به ما دست می‌دهد که می‌تواند متفاوت از برداشت نویسنده باشد، بهتر است تفکر و اندیشه‌ی خود را نیز ثبت کنیم تا این جرقه‌های فکری ما فراموش نشوند.

- اگر یادداشت‌برداری‌های ما هنگام مطالعه از کتابی، موضوع‌بندی شده باشد و شناسنامه‌ی کتاب در پایان یادداشت ثبت شود، بهتر خواهد بود. زیرا برای یافتن موضوع‌های متفاوت از بین یادداشت‌ها و استفاده‌ی آن در هنگام نوشتن مقاله یا کتاب، برای ما ساده خواهد بود.

- بسیاری‌ها شکایت دارند: همین‌که مطالعه می‌کنم سردرد می‌شوم. به مطالعه که شروع می‌کنم خوابم می‌برد. برای مطالعه وقت ندارم. مطالعه که می‌کنم هیچ برداشتی ندارم و چیزی به یادم نمی‌ماند و... اینها همه شکایت هستند؛ یعنی مشکل جدی نیستند. به نوعی نادانسته به خود عادت داده‌ایم که خواب برویم یا سردرد شویم. هر قدر مصروف باشیم برای مطالعه وقت داریم، در صورتی‌که بخواهیم زمان را مدیریت کنیم، اگر روزانه یک ساعت مطالعه کنیم، بیش‌تر از ۵۰ صفحه را می‌توانیم بخوانیم. اما مطالعه وقتی به عادت

تبدیل می‌شود که روزانه در زمان مشخص، مطالعه کنیم. اگر روزانه ۵۰ صفحه مطالعه کنیم، در ماه ۱۵۰۰ صفحه می‌شود.

این‌که گفته می‌شود مطالعه می‌کنم، چیزی برداشت نمی‌کنم یا چیزی را یاد نمی‌گیرم؛ این هم مشکل خاصی نیست، زیرا هنگامی که اطلاعات ما کم باشد، نمی‌توانیم زیاد برداشت کنیم یا ذهن تحلیلی پیدا کنیم؛ کم کم که در اثر مطالعه به اطلاعات ما افزوده شد، ذهن تحلیلی پیدا می‌کنیم و می‌توانیم از متن برداشت کنیم و نسبت به متن دید انتقادی و تحلیلی داشته باشیم.

- بنابراین با مطالعه است که به تفکر و اندیشه دست می‌یابیم. این تفکر و اندیشه باعث می‌شود که شیوه‌ی نوشتار و زبان نوشتار ما خاص و جدی شود و موضوع و محتوای نوشتار ما عمق، وسعت، منطق و فهم پیدا کند. اگر ذوق داشته باشیم اما این ذوق را با مطالعه پرورش ندهیم و به این ذوق با مطالعه عمق و وسعت نبخشیم، فقط با ذوق نمی‌توان خوب نوشت یا نویسنده‌ی خوبی شد.

- درکل، بین خواننده و متن سه گونه ارتباط می‌تواند برقرار شود:

۱- خواننده خود را می‌خواهد در متن بازتاب بدهد، یعنی می‌خواهد متن عقاید و علاقه‌ی او را بیان کند؛ چنین خواننده‌ای علایق و عقاید خود را مقدم بر متن می‌داند و به ایدیولوژی‌اش پای بند است، با متن گفت و گو و استدلال نمی‌کند.

۲- خواننده در متن حل می‌شود، از متن کاملاً اثر می‌پذیرد و قدرت فاصله از متن را ندارد. این گونه خواننده نیز قدرت، توانایی و مهارت گفت و گو با متن را ندارد.

۳- خواننده متن را با هدف می‌خواند، بین علایق و عقاید خود به عنوان خواننده و متن به عنوان موضوع، تفکیک قایل می‌شود. یعنی فاصله بین خواننده و متن وجود دارد. بنابراین خواننده ارتباط و مناسبت فعال بین خواندن و متن ایجاد می‌کند که این مناسبت فعال سبب گفت و گویی بین خواننده و متن می‌شود. به این معنا که گاهی خواننده استدلال و نظرهای متن را می‌پذیرد و گاهی نسبت

به نظر و استدلال‌های متن موضع نظری و استدلالی خود را دارد. این چنین خواننده از قبل اطلاعات دارد. بنابراین ظرفیت سنجش و ارزیابی دیدگاه‌های خود و متن را دارد. این سنجش و ارزیابی است که رابطه‌ی دو طرفه و خلاقانه‌ای بین خواننده و متن به وجود می‌آید.

خواندن، شنیدن، یادگیری نقادانه و نوشتن فعال: منظور از فعال، عمل کرد متداوم خواندن، شنیدن، یادگیری، گفت و گو و نوشتن است. یعنی این که چگونه می‌توانیم خواننده‌ی خوب، شنونده‌ی خوب، یادگیرنده‌ی خوب، گفت و گوکننده‌ی نقاد خوب و نویسنده‌ی خوب باشیم.

هدف از آموزش ایجاد تفکر انتقادی، گفت و گو، هم‌کاری و خلاقیت است. تفکر انتقادی، گفت و گو، هم‌کاری و خلاقیت در صورتی امکان پذیر می‌شود که به صورت فعال در کنار هم پرورده شوند. اگر بخواهیم نویسنده‌ی خوب و در نوشتن فعال باشیم باید خواننده‌ی فعال، شنونده‌ی فعال و یادگیرنده‌ی نقاد فعال باشیم. زیرا نگارش و نوشتن فعال به خواندن، شنیدن و یادگیری نقاد فعال ارتباط دارد. شاید پرسیده شود که چگونه می‌توان خواننده‌ی فعال، شنونده‌ی فعال، یادگیرنده‌ی نقاد فعال و نویسنده‌ی فعال شد؟ منظور از خواننده‌ی فعال این است که فرد متداوم و با تمرکز بخواند و در باره‌ی خواندگی‌هایش بیندیشد. با خواندن قدرت یادگیری نقادش را بیش تر کند و بتواند از ظرفیت خواندن خود در نوشتن و در گفت و گو استفاده کند.

شنیدن نیز مثل خواندن است. باید حوصله و تمرکز شنیدن را داشته باشیم، اجازه بدهیم دیگران سخن بگویند و به سخنان آنها دقت و توجه کنیم. با دقت و توجه از سخنان دیگران بهره‌مند شویم و با استفاده از شنیدن سخنان دیگران، اندیشه و فکر خود را بررسی کنیم.

یادگیری در صورتی ممکن است که فروتن باشیم و به همه چه و همه کس اعتنا داشته باشیم، زیرا در سخن هر کسی و در وجود هر چیزی، واقعیت، حقیقت و معنایی نهفته است که درک و دریافت حقیقت آنها نیاز به دقت و

فصل دوم: نگارش محصول تجربه، ذوق، مطالعه، معلومات و تحقیق | ۶۱

اعتنای ما دارد. در صورتی که فروتنی درک تنوع حقیقت و یادگیری شناخت را داشته باشیم، طبعاً دارای دیدگاه انتقادی نیز می‌شویم. دیدگاه نقاد به این معنا نیست که به حقیقت چیزها و معنای سخنان دیگران دقت و توجه نشود. دیدگاه نقاد به معنای این است که به هرچه با دقت و اندیشه توجه شود و در باره‌ی هرچه با روحیه‌ی هم‌کاری گفت و گو صورت بگیرد. اگر بتوانیم خواننده‌ی خوب، شنونده‌ی خوب و یادگیرنده‌ی خوب باشیم، طبعاً از همه‌ی این خوبی‌ها می‌توانیم در نوشتن و نگارش فعال و مطلوب استفاده کنیم.

۳- معلومات و نگارش

اهمیت هر نگارش و نوشته، جدایی از سبک و جنبه‌های زیبایی‌شناسانه و ادبی آن ارتباط می‌گیرد به اطلاعات و چگونگی ارائه‌ی اطلاعات که در نگارش و نوشته بیان می‌شود. اگر نوشته و نگارش، فاقد اطلاعات باشد یا اطلاعات تکراری و پیش پا افتاده را ارائه کند، آن نگارش ارزش نخواهد داشت. بازتاب اطلاعات در نگارش بستگی به اطلاعات نویسنده‌ی نگارش دارد.

بنابراین هرچه که نویسنده اطلاعات و معلومات داشته باشد به همان اندازه نگارش او، اهمیت خواهد داشت. البته این نیز مهم است که معلومات و اطلاعات خویش را در نگارش چگونه دسته‌بندی، تنظیم و ارائه کنیم که این کار، ارتباط به آموزش و یادگیری شیوه‌ی نگارش می‌گیرد. دسته‌بندی موضوع و اطلاعات نگارش و نوشته در عنوان «چگونگی دست‌بندی، تنظیم و ارائه‌ی معلومات» ارائه شده است.

۴- مرجع‌شناسی و نگارش

مرجع به کتاب‌های گفته می‌شود که درباره‌ی مفهوم علمی، دانش‌مندان، ادیبان، فیلسوفان و... ارائه شده است. برای بهره‌گیری درست از کتاب‌های

منبع و مرجع دو شرط وجود دارد: شناختن و آشنایی شیوه‌ی استفاده. شناختن به این معنا که دانسته شود کدام معلومات را از کدام کتاب باید به دست آورد. آشنایی از شیوه‌ی استفاده به این معنا که کدام مواد و مطالب را در چه حد، به چه صورت و چگونه از آن گرفت.

نقل مطالب از کتاب‌های مرجع یا به عبارت است یا به تلخیص یا به مضمون. در نقل به عبارت، امانت کامل باید حفظ شود. در تلخیص باید مواظب بود که خلاصه‌ی پیام و محتوای اصلی مخدوش نشود و از آن معنای غیر از آنچه مراد متن است، حاصل نگردد. یعنی این که خلاصه‌نویسی یا خلاصه‌کردن یک متن مهارت، دانش و فهم می‌خواهد، کار هر کسی نیست. نقل به مضمون نیاز به توجه و دقت بیش‌تری دارد، زیرا باید توانایی بیان استنباط درست از متن را داشته باشیم.

در نگارش و نوشتن، شناختن کتاب‌های مرجع مهم است. زیرا نگارش و نوشته‌ی ما را از نظر محتوا و معلومات پربار می‌سازد. بنابراین در نوشتن مقاله‌هایی که منظور آنها ارایه‌ی معلومات است، شناخت کتاب‌های مرجع و استفاده از کتاب‌های مرجع برای نگارش مهم و مفید است.

چگونگی دسته‌بندی، تنظیم و ارایه‌ی نگارش

نگارش مرحله‌هایی دارد که در هنگام نگارش باید رعایت شود. من این مرحله‌ها را با این پرسش‌ها آغاز می‌کنم:

- هدف ما از نوشتن چیست؟ درباره‌ی چه موضوعی می‌نویسیم؟ درباره‌ی موضوع معلومات داریم؟ مطالب، گردآوری کرده‌ایم؟ سخنی را که می‌نویسیم طرح و تنظیم کرده‌ایم، یعنی برای ارایه‌ی آن چارچوبی را در نظر گرفته‌ایم؟ فکر کرده‌ایم، چگونه وحدت موضوع را حفظ کنیم؟ چگونه می‌توانیم ساده‌نویسی و آرایش کلام و نوشتار را رعایت کنیم که ارتباط معنایی و تناسب زبانی داشته باشد؟

برای اجرایی شدن این مرحله‌ها نیاز به اندیشه، دقت و تمرکز است. اما اندیشه، تمرکز و دقت هنگامی ممکن است که ذهن فرد نسبتاً پُر باشد و اطلاعات داشته باشد. با ذهن خالی نمی‌توان کاری کرد. منظور این است که در باره‌ی موضوعی که می‌نویسم بایستی از قبل نسبتاً اطلاع و معلوماتی داشته باشیم، اگر معلوماتی نداشته باشیم طبعاً آسان نیست که این مرحله‌ها را اجرایی کرد.

- منظور از هدف در نوشتن این است که برای چه می‌نویسیم و چرا می‌نویسیم؛ یعنی با نوشتن به مساله‌ای که می‌خواهیم پاسخ بدهیم یا مساله‌ای را که می‌خواهیم مطرح کنیم، باید در گام نخست برای خود ما مشخص شده باشد تا بعد با نگارش و نوشتن این هدف برای دیگران نیز مشخص شود.

- هر نگارش موضوعی دارد که پس از هدف، به چگونگی تعیین موضوع دست می‌یابیم، یعنی هدف که مشخص شد، موضوع نیز شکل می‌گیرد. پرداختن به هر موضوعی نیازمند گردآوری اطلاعات و معلومات است تا به اراییه‌ی معلومات و اطلاعات بتوانیم به موضوع پردازیم، موضوع را تشریح، توضیح و تحلیل کنیم.

- هدف از تهیه و طرح تنظیم سخن (نقشه‌ی کار نگارش) چگونگی طرح‌کردن و پرداختن به موضوع، اراییه و تحلیل معلومات برای توضیح و تشریح موضوع است.

- منظور از حفظ وحدت موضوع این‌که دچار حاشیه‌پردازی نباید شد و موضوع‌های متفاوت را برای تکمیل نگارش و پرکردن مطلب نباید استفاده کرد. اگر چنین کنیم موضوع درست تفهیم نمی‌شود و نگارش و نوشته، فاقد وحدت در موضوع محوری می‌شود.

- ساده‌نویسی و آرایش کلام و نوشتار از مرحله‌های دیگر نگارش است. ساده‌نویسی به این معنا نیست که اشاره به نگارش پیش پا افتاده و معمولی باشد. منظور از ساده‌نویسی تسلط بر موضوع، تسلط بر درست‌نویسی و نشانه‌گذاری و تسلط بر زبان به‌روز است. منظور از تسلط بر زبان این است که بتوان توسط زبان

واضح، صریح و مستدل نوشت. اگر کسی بر زبان و برفهم موضوع تسلط نداشته باشد، نمی‌تواند موضوعی را مستدل و قابل فهم بنویسد. در صورتی که بر زبان و موضوع تسلط نداشته باشیم، نگارش انسجام، وضوح و ایجاز نخواهد داشت. اگر مراحل نگارش در نظر گرفته نشود و رعایت نشود، نمی‌توان به نگارشی منظم، یک‌دست از نظر زبانی و محتوایی دست یافت. باید معلومات را دسته‌بندی کرد، این‌که هر اطلاعی در جای مناسبی در نگارش قرار بگیرد و مهم‌تر از همه، چگونگی استفاده از زبان و شیوه‌ی آرایه‌ی موضوع در نگارش به شناخت مخاطب ارتباط دارد. یعنی مخاطب ما در چه سطحی از دانش و فهم زبان قرار دارد؟ دقت داشته باشیم چه موضوعی را برای چه کسی می‌نویسیم! پس از دنبال کردن این مراحل، نگارش را عملی و اجرایی باید کرد و نوشت. آن‌چه که نوشته می‌شود، پیش‌نویس است. پیش‌نویس که نوشته و تهیه شد، سپس خوانده می‌شود، اصلاحات لازم و بایسته‌ی ویرایشی از نظر زبانی، نگارشی و محتوایی برپیش‌نویس عملی می‌شود. بعد از خواندن و اصلاح پیش‌نویس، نگارش تدوین می‌شود. منظور از نگارش در این جا، مقاله‌ی علمی و پژوهشی نیست، بلکه یک نگارش معمول روزنامه‌ای، مانند تحلیل خبری، معرفی و نقد کتاب است.

نگارش و نویسندگی معماری، آبادکردن و آفریدن است

نگارش ساختن، آبادکردن، ایجاد کردن و آفریدن است. نگارش‌هایی که ساخته و آباد می‌شوند، کار محقق، پژوهش‌گر، روزنامه‌نگار و... است، اما نگارش‌هایی که ایجاد و آفریده می‌شوند، کار نویسنده است. یعنی کسی که داستان می‌نویسد و متن را با تخیل خویش انشا و خلق می‌کند.

نگارش به عنوان ساختن و آبادکردن مانند معماری و نجاری است؛ طوری که در معماری، معمار به مواد و روش تنظیم مواد و روش تنظیم کار نیاز دارد و نجار نیز به مواد و روش تنظیم مواد نیاز دارد؛ محقق، پژوهش‌گر و روزنامه‌نگار نیز به

مواد، تنظیم مواد و روش نگارش نیاز دارد.

اگر در معماری مواد، سنگ، سمنت، چوب، آب و... است؛ مواد در نگارش معلومات و گردآوری معلومات، دسته‌بندی این معلومات، بعد چگونگی تنظیم هر دسته‌ای از معلومات در جای مناسب آن است. در گذشته به قلم و کاغذ به عنوان مواد مادی نیاز داشتیم تا ایده‌ای که در ذهن ما وجود داشت، در نگارش تجسم پیدا کند و ارایه شود، اما حالا به کمپیوتر نیاز داریم تا معلوماتی را که فراهم کرده‌ایم و این معلومات، ایده‌اش در ذهن ما شکل گرفته است به نگارش تبدیل شود.

بنابراین روش تبدیل معلومات و ایده به نگارش در قلم و کاغذ و در کمپیوتر تفاوت می‌کند. برخی‌ها می‌گویند که هنگام نوشتن در کمپیوتر راحت نیستند و نمی‌توانند خوب تمرکز کنند، اما در نوشتن با قلم و کاغذ می‌توانند خوب تمرکز کنند و معلومات و ایده‌شان را به صورت همه‌جانبه به نگارش درآورند. فکر می‌کنم این مورد مشکل خاصی نیست، بلکه از روی عادت است. زیرا تا هنوز عادت داریم با قلم در کاغذ بنویسیم و کمپیوتر که چند سالی می‌شود رواج پیدا کرده است؛ با نوشتن در کمپیوتر درست عادت نکرده‌ایم. اما الزامی نیست که با کمپیوتر باید بنویسیم یا در کاغذ. با هر کدام که راحت استیم، بنویسیم.

نگارش به عنوان ایجاد کردن، کار نویسنده است. یعنی نویسنده در نوشتن داستان مانند محقق و پژوهش‌گر چندان به گردآوری معلومات و روش تحقیق نیاز ندارد، بلکه نویسنده بنابه مطالعات قبلی، تصورات، احساس و تخیل، ایده‌ی ذهنی برایش ایجاد می‌کند، بعد این ایده را در ذهنش پرورش می‌دهد تا این‌که چگونگی طرح ارایه‌ی آن را پی‌ریزی می‌کند و داستان را می‌نویسد. اما به این معنا نیست که نویسنده بی‌نیاز از معلومات و مطالعه باشد. نویسندگی بدون مطالعه و معلومات ممکن نیست. منظور این بود که نویسنده داستان را مانند پژوهش‌گر و روزنامه‌نگار نمی‌نویسد.

اگر بخواهیم نگارش را در یک دسته‌بندی عمومی ارایه کنیم؛ نگارش به خبر

و انشا تقسیم می‌شود:

نگارش‌های تحقیقی (مقاله‌های علمی، پایان‌نامه‌های تحصیلی و...) همه خبراستند. یعنی معلومات و اطلاعاتی را برای ما ارایه می‌کنند، موضوعی را تحلیل و بررسی می‌کنند، حقیقتی را کشف می‌کنند، درباره‌ی موضوعی روشن‌گری می‌کنند و مساله و مشکلی را می‌خواهند حل کنند. انشا چنین ویژگی‌هایی ندارد. معنای انشا آفریدن و ایجاد کردن است. یعنی نگارش‌هایی که نویسندگان با تخیل خود خلق می‌کنند؛ مانند داستان، شعر و پارچه‌های ادبی. بنابراین محقق، پژوهش‌گر و روزنامه‌نگار به معلومات و گردآوری معلومات و یادداشتن روش تنظیم این معلومات نیاز دارد. در نگارش‌های پژوهشی و تحقیقی و روزنامه‌نگاری، روش نگارش نسبتاً رسمی و ثابت است که هر محقق و پژوهش‌گر بایستی روش نگارش را بیاموزد و با آن روش بنگارند. اما در انشا روش نگارش چندان از قبل مشخص و ثابت نیست، بلکه هر نویسنده‌ای روش ابتکاری خاص خود را دارد که به خلاقیت نویسنده بستگی دارد.

روش نگارش تحقیق و مقاله را با آموزش می‌توان یاد گرفت. منظور این جلسه‌های درسی بیشتر، آموزش و یادگیری روش نگارش تحقیق و مقاله است. اما در نگارش انشا (شعر و داستان) نمی‌توانیم روشی از قبل مشخص و ثابتی را به کسی بیاموزانیم که شخص با یادگیری آن روش داستان‌نویس و شاعر شود. زیرا نویسندگی بیش‌تر به ذوق و انگیزه شخصی و مطالعه‌ی شعر و داستان بستگی دارد.

نویسنده و شاعر با استفاده از تخیل خویش برای نگارش شعر و داستان، دست به روش‌های ابتکاری می‌زند. هر نویسنده و شاعر خوب می‌تواند روش خاصی خود را داشته باشد. درحالی‌که در نگارش‌های خبری، تحلیلی و تحقیقی، روش نگارش واحد و مشخصی داریم که همه محققان و پژوهش‌گران آن روش را می‌آموزند و با آن روش می‌نگارند.

فصل سوم (رابطه‌ی زبان و نگارش)

مقدمه

در این فصل به رابطه‌ی زبان و نگارش پرداخته می‌شود؛ این‌که موضوع نگارش چیست؟ در موضوع نگارش علمی، موضوع نگارش ادبی، موضوع نگارش تحلیل خبری و نگارش مطبوعاتی شیوه‌ی زبان نگارش تفاوت می‌کند. هر موضوعی به نوعی شیوه‌ی نگارش خود را می‌طلبد.

با آن‌که در نگارش هر موضوعی استفاده از زبان مشترک است، اما شیوه‌ی به کارگیری زبان در هر موضوع تفاوت می‌کند. بنابراین تشخیص این‌که از کدام شیوه در نگارش یک موضوع استفاده کنیم مهم است و مهم‌تر از همه شناخت زبان معیار است. باید زبان معیار را بشناسیم، در نوشتار و گفتارهای رسمی و علمی آن را به کار گیریم.

اهداف کلی

هدف از آرایه‌ی این فصل:

- ۱- دانش‌جویان زبان معیار و غیرمعیار را می‌شناسند.
- ۲- گونه‌های کاربرد زبان ادبی و علمی را می‌دانند.
- ۳- این مورد را درک می‌کنند که با تفاوت موضوع، شیوه‌ی به کارگیری زبان نیز

تفاوت می‌کند، زیرا هر موضوع، واژه‌ها و اصطلاحات مخصوص به خود را دارد.
۴- زبان مهجور و متداول ادبی را می‌فهمند.

اهداف رفتاری (عملی)

از دانش‌جویان گرامی انتظار می‌رود پس از مطالعه‌ی این فصل این موارد را بدانند:

۱- تفاوت زبان معیار با غیر معیار در چیست و چگونه در نگارش از زبان معیار استفاده کنند؟

۲- تفاوت زبان در گونه‌ی ادبی با گونه‌ی علمی در چیست؟

۳- تفاوت ادبی مهجور با ادبی متداول در چیست؟ آیا در رشته‌های دیگر مانند فقه و... نیز زبان مهجور و متداول داریم؟

۴- چرا در هر موضوعی شیوه‌ی استفاده از زبان و نگارش تفاوت می‌کند؟

۵- شیوه‌ی ارجاعی زبان را در موضوع علمی و غیر ارجاعی زبان را در موضوع ادبی تفکیک بتوانند؟

انواع کاربرد زبان

نقش زبان در نگاه نخست، وسیله‌ای است برای افهام و تفهیم. اما نقش‌های غیر از افهام و تفهیم و ایجاد ارتباط نیز دارد که این نقش‌ها عبارت استند از تکیه‌گاه اندیشه، حدیث نفس و بیان احساس و عواطف و ایجاد زیبایی.

تکیه‌گاه اندیشه به این معنا است که ما با زبان می‌اندیشیم؛ انسان اگر این همه تولید اندیشه کرده است، ارتباط می‌گیرد به داشتن زبان. بدون زبان نمی‌شد اندیشه خویش را مرتب و منظم کرد و توسعه بخشید.

حدیث نفس به این معنا که از خود و از احساسات دورنی خویش سخن

می‌گوییم.

ایجاد زیبایی به شیوه‌ی بیان و چگونگی ارایه‌ی بیان‌های هنری و ادبی

ارتباط می‌گیرد.

زبان ثابت نمی‌ماند، در گذر زمان و تحولات و تغییرات اجتماعی، دچار تغییر می‌شود. از طرف دیگر یک زبان لهجه‌ها و شیوه‌های متفاوت خود را دارد که هر لهجه و شیوه در محلی، کاربرد دارد. در ضمن هنگامی که از زبان در نوشتار استفاده می‌کنیم، نیز زبان انواع کاربرد خود را دارد:

گونه‌ی ادبی و گونه‌ی علمی دو شیوه‌ی مهم کاربرد زبان است که بایستی این تفاوت در گونه‌ی علمی و ادبی رعایت شود. اگر گونه‌ی علمی را به شیوه‌ی هنری و ادبی ارایه کنیم، زبان از گونه‌ی کاربرد علمی، تخصصی و حرفه‌ای که هر رشته‌ی علم، زبان حرفه‌ای خود را دارد، دور می‌شود.

زبان چیست؟ در تعریف زبان گفته‌اند: «زبان دست‌گامی از نشانه‌های اختیاری و قراردادی است که برای ارتباط انسانی به کار می‌رود.»

سه شاخصه‌ی مهم این تعریف عبارت‌اند از: دست‌گاه، نشانه، ارتباط انسانی. به بررسی هر یک اینها پرداخته می‌شود:

دست‌گاه: زبان دست‌گامی نظام‌یافته و شبکه‌ای درهم بافته از روابط میان آواها و واژه‌ها است. این نظام‌یافتگی در ذات زبان نهفته است. زبان آواها، واژه‌ها و جمله‌های زیادی دارد اما قاعده‌های محدودی هستند که آواها را تولید و ترکیب می‌کنند، واژه‌ها و جمله‌ها را می‌سازند. بنابراین زبان‌ها با استفاده از قاعده‌های محدود، بی‌نهایت واژه و جمله تولید می‌کنند. سخن از دستور زبان در واقع سخن از شناخت همین قاعده‌های محدود زبان است که واژه‌ها و جمله‌ها را می‌سازند.

نشانه: هر واژه در زبان یک نشانه است. نخستین منظور از کارکرد نشانه این است که بتواند به غیر از خود اشاره کند و ارجاع دهد. مثلاً علامت قرمز یا سرخ یک نشانه است. این علامت به مفهومی غیر از خود اشاره می‌کند که وجود خطر است.

هر نشانه به برداشت سوسوردو بخش دارد که دال و مدلول است. دال لفظ

شنیداری یا صورت نوشتاری واژه است، مدلول معنای مفهومی یا ارجاعی دال است. کارکرد دال و مدلول باهم یک نشانه یا یک واژه را می‌سازد.

چگونگی شکل‌گیری نشانه‌ها قراردادی و اختیاری است. منظور از قراردادی این است، مادر زبان فارسی قرارداد کرده‌ایم جانورانی را که پر دارند یا می‌پزند، پرنده بگوییم. این‌که چرا قرارداد کرده‌ایم چنین جانورانی را پرنده بگوییم معلوم نیست. زیرا قرارداد نشانه‌های زبانی معمولاً به صورت ناخودآگاه شکل گرفته‌اند و همگانی شده‌اند و باهم ارتباطات پیچیده-پیوسته‌ای دارند.

اختیاری به این معنا است، این‌که ما در زبان فارسی به جانورانی پرنده می‌گوییم هیچ رابطه‌ی ذاتی‌ای بین واژه‌ی پرنده با این جانوران وجود ندارد. بنابه مناسبات زبانی و فرهنگی‌ای که ما نمی‌دانیم، هزاران سال پیش این رابطه بین واژه‌ی پرنده و جانورانی بنام پرنده برقرار شده است. درحالی‌که احتمال زیادی وجود داشت که این جانوران را پرنده نه، نام دیگری بگذارند؛ مثلاً «رنده» نام بگذارند. اما فعلاً در زبان فارسی رنده معنا ندارد، واژه و نشانه نیست. اگر قراردادی به صورت اختیاری شکل بگیرد که نام چیزی رنده گفته شود؛ رنده اعتبار و حیثیت یک واژه و یک نشانه را پیدا می‌کند.

معنای نشانه‌ها کارکردی، ارجاعی، مصداقی، عاطفی و احساسی و تخصصی هستند. یک واژه (نشانه) در درون یک جمله معنای کارکردی دارد. مثلاً گل برون از جمله معنای مصداقی و ارجاعی می‌تواند داشته باشد. یعنی واژه‌ی گل در جهان مصداق دارد. به نوعی از گیاه گل گفته می‌شود. واژه‌ی گل به چیزی غیر از خود اشاره می‌کند که اشاره به غیر از خود، معنای ارجاعی واژه‌ی گل است. اما واژه‌ی گل در یک جمله می‌تواند معنای کارکردی داشته باشد: گل خندیده وارد خانه شد. گل در این جمله بنابه کارکرد خود، نام یک انسان است، فاعل و نهاد جمله است. واژه‌ی گل برای افراد بنابه مناسبات و تجربه‌ی زیسته‌ی افراد معناهای عاطفی و احساسی دارد. اگر مردی گلی را به خانمی داده است، خانم گل را نپذیرفته است، برای این مرد شنیدن و خواندن واژه‌ی گل و دیدن گل

معنای احساسی و عاطفی ویژه به خود را دارد. اما زنی اگرگلی را به مردی مورد علاقه‌اش داده است، مرد گل را پذیرفته است؛ پس از آن زندگی عاطفی این دو فرد آغاز شده است؛ بنابراین شنیدن و خواندن واژه‌ی گل و دیدن گل برای این بانو معنای احساسی و عاطفی ویژه به خود را دارد. معنای تخصصی گل این است که گل برای گل فروش، برای گیاه‌شناس و... معنای مختص به خود را دارد. ارتباط انسانی: انسان جانوری است که بیش‌ترین و پیچیده‌ترین ارتباطات و هم‌کاری را نسبت به هر جانوری با هم دارند. عنصری که این ارتباطات و هم‌کاری را ممکن ساخته است، زبان است. بنابراین کارکرد زبان کارکرد ارتباطی است که در مرکز مناسبات معنایی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و آموزشی زندگی بشر قرار دارد.

به کارگیری زبان در گفتار و نوشتار قاعده و قواعد خود را دارد. بنابراین برای استفاده‌ی مناسب و پویا از زبان در گفتار و نوشتار نیاز به یادگیری و آگاه بودن از قاعده و قواعد زبان گفتاری و نوشتاری است. اگرچه انسان برای یادگیری و استفاده‌ی گفتاری زبان، شعور طبیعی دارد که در مناسبات خانوادگی و اجتماعی کاربرد زبان را یاد می‌گیرد. مثلاً هیچ فردی نمی‌گوید: «آب پلنگ را نوشید. پلنگ آب را برد.» می‌گوید: «پلنگ آب نوشید. آب پلنگ را برد.»

یادگیری و استفاده از زبان به صورت معمول، چندان ارتباطی به تحصیل ندارد. انسان‌ها که سواد داشته باشند یا نه از زبان استفاده می‌توانند. اما افراد با سواد و تحصیل‌کرده از زبان استفاده‌ی اختصاصی‌تری می‌کنند. یکی از این استفاده‌های اختصاصی از زبان استفاده از زبان در نگارش است. همه، چه با سواد و بی‌سواد توسط زبان می‌اندیشیم اما افراد با سواد و دانش‌مند توسط زبان اندیشه را به نگارش و نوشتار تبدیل می‌کنند و با نوشتار منظم، منطقی و مستدل می‌اندیشند.

هرزبانی عرصه‌ی فرهنگی، فکری و معرفتی خود را دارد. برخی از زبان‌ها از نظر مناسبات فرهنگی محدود و برخی از زبان‌ها گسترده‌استند. این محدودیت

و گستردگی مناسبات زبان‌ها به پیشینه‌ی تاریخی، فرهنگی، شمار گویشوران و جایگاه علمی و سیاسی زبان‌ها در جهان، ارتباط دارد. بنابراین هرزبانی به شما جهانی را عرضه می‌کند که از نظر معرفتی و فرهنگی این جهان با جهان زبان دیگر، نسبتاً تفاوت دارد.

زبان دم دست‌ترین ابزار انسان است که انسان از آن در عرصه‌های متفاوت، استفاده‌های متفاوت می‌کند. زبان بزرگ‌ترین منبع استفاده برای انسان است. خاستگاه قدرت، چگونگی تسلط بر منابع و استفاده از منابع است. از این نظر که زبان بزرگ‌ترین منبع قابل استفاده برای انسان است؛ بنابراین زبان قدرت است. با چگونگی استفاده از زبان در گفتار و نگارش از قدرت زبان برای موثریت در مناسبات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه استفاده کنید.

زبان معیار

کشورها معمولاً چندزبانه هستند. بنابراین از بین زبان‌های یک یا چند زبان، زبان رسمی هستند. در کشور ما بیش‌تر از ۳۲ زبان وجود دارد اما دوزبان، زبان رسمی کشور است که زبان پارسی دری و پشتواست. بنابراین مردم به همین دوزبان درس می‌خوانند، کتاب می‌نویسند، سخن‌رانی‌های علمی انجام می‌دهند، مکتوب و عرایض‌شان را می‌نویسند. زبان رسمی همان زبان معیار است که زبان کتابت و نوشتار نیز است.

زبان معیار را این‌گونه می‌توان تعریف کرد:

«زبان معیار زبانی است که فراتر از لهجه‌های محلی و اجتماعی رایج در یک کشور قرار دارد و وسیله‌ی ارتباط اجتماعی، علمی و ادبی کسانی است که ممکن است در شرایط دیگر به لهجه‌های محلی و اجتماعی خاص خود سخن بگویند. زبان معیار معمولاً زبان درس‌خوانده‌ها است که در گفتارهای رسمی و علمی و در نوشتار از زبان معیار استفاده می‌شود. زبان معیار زبانی است تثبیت‌شده و دارای اصول و هنجارهای است که رعایت آنها برای گویندگی و

نگارش الزامی است.»

زبان معیار مرحله‌ی تدوین و تثبیت دارد. زبان‌هایی به زبان معیار تبدیل می‌شوند یا اعتبار زبان معیار را پیدا می‌کنند که در گام نخست، نظام نوشتاری و خط داشته باشند؛ بعد به این زبان کتابت صورت گرفته باشد، از پشته‌های علمی و ادبی برخوردار باشد؛ یعنی کتاب‌های علمی و ادبی به این زبان نوشته شده باشد. پس از این مراحل است که زبان به عنوان زبان معیار تثبیت و تدوین می‌شود؛ در غیر آن نمی‌توان آن زبان را زبان معیار گفت.

زبان پارسی دری که زبان معیار در افغانستان است؛ بیش‌تر از هزار سال می‌شود که دارای خط و کتابت است و از پشته‌های علمی و ادبی در سطح منطقه و جهان برخوردار است. مرحله‌ی تثبیت و تدوین زبان پارسی دری به عنوان زبان معیار از قرن ۳ و ۴ ه. ق. آغاز می‌شود و تا امروز در سه کشور: تاجیکستان، ایران و افغانستان ادامه دارد.

زبان نوشتار و گفتار

رابطه بین زبان نوشتار (نوشتار معیاری) با زبان معیاری گفتار بسیار نزدیک است؛ یعنی ما با زبان معیار می‌نویسم. اما با این‌همه بین زبان گفتار و نوشتار، تفاوت‌هایی وجود دارند. زبان‌ها در آغاز همه زبان‌های گفتاری بوده‌اند. چند هزار سال پیش نوشتار و خط اختراع شد. بنابراین تعدادی از زبان‌ها زبان‌های نوشتاری شدند. هنوز زبان‌هایی وجود دارند که صورت نوشتاری و خط ندارند؛ فقط زبان گفتاری هستند. اما این‌جا منظور از گفتار، زبانی نیست که نوشتار و خط نداشته باشد. منظور از گفتار، استفاده‌ی گفتاری از زبانی است که صورت نوشتار و خط نیز دارد.

زبان‌ها با وصفی که صورت نوشتاری و خط دارند، در استفاده از گفتار و نوشتار، صورت کارکرد نسبتاً متفاوتی دارند. هنگامی که از زبان استفاده‌ی گفتاری صورت می‌گیرد، حتی اگر این استفاده از زبان طبق زبان معیار نیز باشد،

ممکن کلمه‌ها مکمل تلفظ نشوند، بلکه نیمه تلفظ شوند و از قاعده و قواعد دستور زبان آن چنان‌که در نوشتار رعایت می‌شود، در زبان گفتار معیاری رعایت نشود. در زبان نوشتار، کلمه‌ها مکمل نوشته می‌شوند و هنگامی خواندن، مکمل تلفظ می‌شوند. در نوشتار قاعده و قواعد دستور زبان و خط نیز رعایت می‌شوند.

گونه‌ی ادبی زبان نوشتار

گونه‌ی ادبی زبان نوشتار سه گونه می‌تواند باشد: گونه‌ی شعر، نثر و نظم. در گونه‌ی ادبی زبان نوشتار، واژه‌ها چند معنا استند، جمله‌ها چندان جنبه خبری ندارند، بیش‌تر بار عاطفی، احساسی و تخیلی دارند. گونه‌ی ادبی زبان نوشتار، بر افراد از نظر احساسی و عاطفی تأثیر می‌گذارد. در گونه‌ی ادبی زبان نوشتار، احساس، عواطف و تخیل شاعر و نویسنده، نقش اساسی دارد.

زبان این سه گونه‌ی ادبی را در گفتار نیز دارد. این‌جا منظور از گونه‌ی ادبی زبان نوشتار است؛ بنابراین تأکید بر گونه‌ی ادبی زبان نوشتار شد.

گونه‌ی ادبی به ویژه گونه‌ی شعر و نظم در بعضی از موارد با زبان سنتی و گونه‌های ادبی دوره‌های قبل رابطه دارد. تعدادی از واژه‌ها و ترکیب‌های هنری و تصویری‌اش را از گذشته‌ی ادبی تقلید می‌کند. یعنی گونه‌ی ادبی به ویژه شعر و نظم حافظه‌ی ارتجاعی و عقب‌گرا دارد.

اگر نسبت به این حافظه‌ی ادبی شعر انتقاد نشود، شعر گرفتار حافظه‌ی ارتجاعی و عقب‌گرا می‌ماند. اما در گونه‌ی نثر به ویژه در داستان، از صورت‌های قدیمی استفاده نمی‌شود و بیش‌تر هم‌سویا زبان معیار یا زبان متداول است. البته در داستان، داستان‌نویس از شیوه‌های متفاوت زبانی استفاده می‌کند. یعنی داستان‌نویس برای هر شخصیت در داستان بنابه شغل، سطح اجتماعی و... زبانی درخور شخصیت داستانی را انتخاب می‌کند.

بهبتر است در گونه‌ی شعر، نظم و نثر (گونه‌ی ادبی) نیز زبان معیار و متداول را رعایت کرد، اگر نه زبان شعر، دچار کهنه‌گرایی می‌شود و گونه‌ی ادبی از

رویکردهای معاصر زبان و اجتماع عقب می‌ماند. شاعر و ناظم تا در روزگار خود باشد، بی‌آن‌که بداند چند قرن قبل از روزگار خود است و احساس و عواطف گذشتگان را با زبان گذشتگان بیان می‌کند و با زبان و احساس و عواطف روزگارش هیچ ارتباطی ندارد. ما در افغانستان از این‌گونه شاعران زیاد داریم که گرفتار زبان و شیوه‌ی بیان پیشینان هستند.

لازم به تأکید است که در گونه‌ی ادبی زبان نوشتار هرچه از زبان استفاده‌ی چند معنا، نمادین، تداعی‌برانگیز، عاطفی، احساسی، طنزی، ایهام‌برانگیز، ابهام‌برانگیز، تاویل‌پذیر، تفسیرپذیر، کنایی، تمثیلی، استعاری و خیالی شود، به همان اندازه گونه‌ی ادبی زبان نوشتار اهمیت و جایگاه ادبی پیدا می‌کند. در ضمن در گونه‌ی ادبی زبان حتا از دستور زبان نیز استفاده‌ی خلاق صورت می‌گیرد. یعنی با قاعده و قواعد دستور زبان بنابه هدف ادبی، بازی صورت می‌گیرد. زیرا این بازی به معناداری ادبی زبان می‌انجامد.

گونه‌ی علمی زبان نوشتار

زبان در نوشتار علمی و پژوهشی جنبه‌ی اطلاع‌رسانی دارد. از این رو باید جدی، برهانی، اثباتی و استوار بر منطق استدلالی باشد. کاربرد زبان ادبی و جمله‌های عاطفی، احساسی، کنایی و استعاری از رسانگی زبان پژوهش می‌کاهد. استفاده از طعنه، طنز، سخنان دو پهلو، ایهام و ابهام در مقاله‌ی تحقیقی نه تنها پسندیده نیست، بلکه ویران‌گر نیز است. زیرا زبان مبهم و دارای ایهام و تفسیرپذیر، باعث بدفهمی در نظریه‌ی علمی و دستاورد پژوهش می‌شود.

سبک و شیوه‌ی نوشتار علمی، رسمی است نه محاوره‌ای. در حالی که در گونه‌ی ادبی به ویژه در داستان از زبان محاوره می‌توان استفاده کرد. نوشته‌ی علمی باید در درون گفتمان تخصصی و حرفه‌ای ویژه به خود به تحریر درآید. بنابراین واژه‌های انتخابی برای مقاله‌ی علمی باید متعلق به همان گفتمان تخصصی و همان رشته‌ی علمی باشد. عبارات کوچک و بازاری، سخنان

محواره‌ای و خودمانی، شان نوشتار علمی را پایین می‌آورد. زبان گونه‌ی علمی زبان صریح، پرورده و شسته و رفته است که دارای صراحت و وضاحت الفاظ در کاربرد معانی است. یعنی هر لفظه و کلمه‌ای دارای یک مدلول، یک مصداق و یک معنای می‌باشد. معنای کلمه و عبارت‌ها محدود و مشخص است. جمله‌ها در زبان گونه‌ی علمی کوتاه، مستدل، مصداقی و ارجاعی است. بهتر است قاعده و قواعد معمول دستور زبان در نوشتار گونه‌ی علمی رعایت شود. یعنی جای نهاد و گزاره‌ی جمله‌ها مشخص باشد. درست نیست که جای عناصر دستوری زبان به ویژه نهاد و گزاره عوض شود.

در زبان گونه‌ی علمی واژه‌های قدیمی و کلیشه‌ای داریم از جمله در رشته‌ی حقوق و فقه و... این واژه‌ها بیش‌تر اصطلاحات فقهی و حقوقی هستند که اکثر این واژه‌ها در زبان گونه‌ی علمی ما واژه‌های عربی هستند. اما امروز تعدادی از این اصطلاحات در حال تغییر هستند و به جای آنها به ویژه در علم حقوق از اصطلاحاتی که در زبان‌های اروپایی معمول هستند، کار گرفته می‌شوند.

باید عرض کرد که زبان رسمی فقهی و حقوقی ما به ویژه در قضا و سارنوالی بسیار کلیشه‌ای با کاربرد واژه‌ها و اصطلاحات مهجور است که دانستن آنها برای مردم مشکل است. بنابراین بهتر است در زبان رسمی فقهی و حقوقی در قضا و سارنوالی تجدیدنظر صورت بگیرد تا واژه‌ها، عبارت‌ها و گزاره‌های حقوقی و قضایی هم سوباً زبان متداول و معیار ارایه شوند.

فصل چهارم (رابطه‌ی نگارش و دستور زبان)

مقدمه

در این فصل به رابطه‌ی نگارش و دستور زبان پرداخته شده است. نگارش به صورت گسترده از زبان استفاده می‌کند. به این معنا که نگارش یک مقاله به ویژه یک متن ادبی مانند مجسمه است؛ طوری که یک تندیس ساز (مجسمه ساز) تندیس را با قاعده و قواعد از درون سنگ بیرون می‌کند، نویسنده نیز یک متن ادبی را از دل یا از درون زبان بیرون می‌کند.

استفاده از زبان قاعده و قواعد ویژه به خود را دارد که به این قاعده و قواعد دستور زبان گفته می‌شود. در نگارش و در درک معنای متن نیاز به آشنایی دستور زبان است. کوشش شده است که رابطه‌ی نگارش با دستور زبان در سطح عبارت نویسی، جمله نویسی و بند نوشت (پاراگراف) نشان داده شود. برای نوشتن مقاله و متن و برای تجزیه و تحلیل معنای متن و مقاله‌ای، درک رابطه‌ی نگارش و دستور زبان بسیار مهم و با اهمیت است.

اهداف کلی

هدف از آرایه‌ی کلی این فصل:

۱- دانش جویان جایگاه دستور زبان را در نگارش می‌دانند.

- ۲- جایگاه جمله را در نگارش می دانند.
- ۳- می دانند که جمله های ناخوش ساخت موجب ابهام در نگارش می شود.
- ۴- جایگاه بندنوشت (پاراگراف) را در نگارش می دانند.

اهداف رفتاری (عملی)

از دانش جویان گرامی انتظار می رود پس از مطالعه ی این فصل این موارد را بدانند:

- ۱- چرا دستور زبان را در نگارش رعایت باید کرد؟
- ۲- قاعده ی دستوری جمله در زبان فارسی چیست؟
- ۳- اجزای سخن را چگونه در نگارش جمله در جای مناسب به کار برد؟
- ۴- اهمیت به کارگیری جای مناسب نهاد و گزاره در نگارش جمله چیست؟
- ۵- ضرورت استفاده از جمله های ساده و مرکب در نگارش چیست؟
- ۶- اهمیت بندنوشت (پاراگراف) در نگارش چیست؟
- ۷- جمله ی اصلی و جمله های توضیحی در بندنوشت چه نقشی دارند؟

دستور زبان و نگارش

زبان نظام است. طوری که نظام عناصر و اجزا دارد، زبان نیز عناصر و اجزا دارد. پرداختن عمومی به این عناصر و اجزا کار علم زبان شناسی است. پرداختن مشخص تر به این عناصر و اجزا کار دستور زبان است. «دستور زبان مطالعه، توضیح، تشریح و بررسی علمی چگونگی ارتباط اجزا و عناصر زبان است.» دستور زبان، اجزا و عناصر زبان را در چهار مورد مورد مطالعه قرار می دهد که عبارت اند از: آواشناسی، واژه شناسی، جمله شناسی و معناشناسی.

در تعریف سنتی دستور زبان گفته می شود: «دستور زبان عبارت از درست خواندن، درست نوشتن و درست سخن گفتن است.» رابطه ی نگارش با دستور زبان چندان ارتباطی به این تعریف دستور زبان ندارد که دستور زبان را مطالعه

و بررسی ساختمان علمی زبان می‌داند. زیرا رابطه‌ی نگارش با دستور زبان رابطه‌ی تجویزی و یادگیری است.

بنابراین رابطه‌ی نگارش با دستور زبان در «درست نوشتن» است. به این معنا که چگونه درک درستی از دستور زبان داشته باشیم تا بتوانیم از دستور زبان در نگارش مطلوب، خوب و مفید استفاده کنیم. طبعاً اگر اجزا و عناصر زبان را در نگارش نادرست به کار ببریم، جمله‌های ناخوش ساخت و بندنوشت (پاراگراف)های بدریخت نوشته می‌شوند که متن را دچار مشکل معنایی و نگارشی می‌کنند.

از این نظر، نگارش با دستور زبان یا به طور مشخص تر با نحو (جمله‌شناسی) ارتباط دارد. نگارش با جمله آغاز می‌شود. جمله، کنار هم قرارگیری واژه‌ها و عبارت‌ها نیست؛ جمله ازبیطاء نحوی و منطقی کلمه‌ها و عبارت‌ها است. نگارش فراتر از جمله، ارتباط نحوی و منطقی جمله‌ها است. در صورتی که اجزای جمله دچار مشکل نحوی و منطقی باشد، نگارش نیز دچار مشکل نحوی و منطقی می‌شود. منظور از رابطه‌ی نحوی این است که فاعل و فعل و سایر اجزای جمله یا سخن با هم مطابقت داشته باشند. منظور از منطقی این است که از نظر عقل و منطق جمله دارای معنا و پیام باشد.

جایگاه عبارت (گروه) در نگارش

شاید پرسیده شود چرا از جایگاه واژه در نگارش سخن گفته نشد؟ واژه‌ها در نگارش به صورت مستقل جایگاهی ندارند. زیرا هر واژه در بافت عبارتی (گروه) و در مناسبت با عبارت‌های دیگر در جمله نقش فاعلی، قیدی، صفتی، مفعولی، فعلی و... دارند. بنابراین عبارت را می‌توان واحد نحوی در جمله دانست.

هر واحد نحوی قاعده و قواعد نگارشی دارد. مثلاً در زبان فارسی چندان معمول نیست «زیبا درخت، زیبا زندگی و زیبا سنگ» گفته شود. باید «درخت زیبا، زندگی زیبا و سنگ زیبا» گفت. هر کدام اینها یک عبارت هستند. عبارت

را می‌توان دو یا چند واژه دانست که باهم رابطه‌ی نحوی دارند. سه گونه کلمه داریم که کلمه‌ی ساده مانند «پدر»، ساخته مانند «هم‌سر» و آمیخته مانند «مهمان‌خانه» است. مهمان‌خانه از دو واژه ساخته شده است. اما عبارت نیست، زیرا باهم ترکیب شده‌اند. واژه‌های عبارت باهم رابطه‌ی ترکیبی (صرفی) ندارند، رابطه‌ی نحوی دارند و یک واحد دستوری‌اند. «مهمان‌خانه‌ی قشنگ» یک عبارت است.

«احمد شوخ صبح شنبه از مهمان‌خانه‌ی قشنگ خود خندیده برون شد.»
 «احمد شوخ» عبارت اسمی، «صبح شنبه» عبارت قیدی، «از مهمان‌خانه‌ی قشنگ خود» عبارت اضافی و «خندیده برون شد» عبارت فعلی است. تشخیص رابطه‌ی نحوی عبارت‌ها، تشخیص هسته و وابسته‌ی عبارت‌ها و تشخیص جایگاه نوشتن عبارت‌ها در نگارش یک جمله مهم است.

زیرا هر گونه جابه‌جایی عبارت‌ها در جمله، معنای جمله و ساخت دستوری و نحوی جمله تغییر می‌کند. ممکن جمله از نظر معنادهی و پیام دچار ابهام شود و از نظر ساخت دستوری ناخوش ساخت شود. اگر جمله‌ی قبلی را بنویسیم: «خندیده برون شد صبح شنبه از مهمان‌خانه‌ی قشنگ خود احمد شوخ» جای عبارت‌ها در جمله تغییر کرده‌اند. جمله از نظر ساخت دستوری جمله‌ی زبان فارسی ناخوش ساخت شده است. جمله بی‌معنا نشده است. معنای جمله قابل درک است. اما صراحت معنایی جمله‌ی قبلی را که در آن ساخت دستوری دارد، این جمله در این ساخت دستوری ندارد. بنابراین تغییر در جای عبارت‌ها در جمله موجب نگارش مطلوب یا نامطلوب می‌شود. جمله‌ی نخست ساخت نگارشی مطلوب دارد. جمله‌ی دوم ساخت نگارشی نامطلوب و نسبتاً به هم ریخته‌ای دارد.

در نگارش جمله و در درک معنا و پیام جمله نیاز است که جایگاه عبارت را در جمله تشخیص بدیم و رابطه‌ی نحوی کلمه‌های عبارت و رابطه‌ی نحوی عبارت‌ها با یک‌دیگر را در جمله‌ها مشخص بسازیم. اگر رابطه‌ی

نحوی کلمه‌های عبارت دچار ناخوش ساختی شود، رابطه‌ی نحوی جمله نیز دچار ناخوش ساختی می‌شود. این ناخوش ساختی دستوری جمله، موجب ناخوش ساختی نگارش می‌گردد.

جایگاه جمله در نگارش

سخن‌گویان یک زبان آن چه را که برای انتقال پیام به کار می‌برند، جمله‌ها استند. کسانی که می‌نویسند نیز با جمله‌ها می‌نویسند. حتا می‌توان گفت در نگارش و گفتار با جمله فکر می‌کنیم. بنابراین جمله نخستین واحد نحوی (دستوری) و منطقی (معنادار) کامل زبان است.

این‌که عبارت جدا از جمله و پیش از بحث جمله مورد بحث قرار گرفت، برای درک بهتر جمله بود. عبارت نیز بخش‌هایی از جمله است. زیرا واژه‌های عبارت دارای معنای دستوری استند اما از نظر دستوری و منطقی کامل نیستند که پیام مشخصی را انتقال بدهند. بنابراین جمله در انتقال پیام در زبان نخستین واحد زبان است. در گفتار جمله‌ها را با هم ربط می‌دهیم که خطابه و سخنانی از این‌گونه است. در نگارش نیز جمله‌ها را با هم ربط می‌دهیم تا متنی را از این‌گونه کنیم. اگر نتوانیم جمله‌ها را درست با هم ربط بدهیم، مقاله یا متن به خوبی شکل نمی‌گیرد.

این‌که گفته شد هر جمله‌ای یک واحد دستوری و منطقی کامل زبان است، به این معنا است که جمله دارای ساخت دستوری مشخص است که این ساخت در مناسبات خود کامل است و وابسته به ساخت بزرگ‌تر از خود نیست. زیرا به تنهایی از نظر ساخت و پیام کامل است. «فرید گل‌ها را آب داد.» فرید نهاد و گل‌ها را آب داد، گزاره است. ساخت جمله از نظر دستوری کامل است. جمله دارای معنا و پیامی است که خبر آب دادن گل‌ها توسط فرید است. منظور از منطقی بودن جمله به این است که غیر از رابطه‌ی دستوری بین اجزای جمله، رابطه‌ی منطقی نیز بین اجزای جمله باید وجود داشته باشد. اگر

جمله‌ی قبلی را بنویسیم «گل‌ها فرید را آب داد.» جمله، دچار مشکل مناسبت معنایی منطقی می‌شود. زیرا از نظر عقلی، گل به انسان آب داده نمی‌تواند.

قاعده‌ی جمله در زبان پارسی

زبان نظام است. هر نظامی دارای قاعده‌های مشخص است. زبان نیز دارای قاعده‌های مشخص و محدود است. اگر نظام قاعده‌های محدود و مشخص - که از نظر کارکرد قابل پیش‌بینی استند - نداشته باشد، نمی‌تواند اجزا و عناصر خود را حفظ و تولید کند.

هر زبانی دارای صدها جمله‌ها است. پرسش این است که جمله‌ها چگونه ساخته می‌شوند؟ آیا هر جمله‌ای دارای قاعده و قواعد خود است، یا جمله‌ها از قاعده و قواعد مشترک پیروی می‌کنند.

زبان‌ها می‌توانند به صورت نامحدود جمله تولید کنند اما قاعده‌ی تولید جمله‌ها محدود است. مانند این است که هزاران خشت را با یک قالب بسازیم. اگر قاعده‌ی ساخت هر خشت متفاوت باشد، باید برای ساخت هر خشت، یک قالب داشته باشیم. چنین کاری چندان ممکن است.

اگر هر جمله‌ی زبان قاعده‌ی مخصوص به خود را داشته باشد، انسان نمی‌تواند صدها قاعده را برای تولید صدها جمله یاد بگیرد. بنابراین قاعده‌ی ساخت صدها جمله محدود است. صدها جمله از یک یا چند قاعده‌ی محدود تابعیت می‌کنند.

مشخص‌ترین قاعده‌ی ساخت جمله‌ی زبان فارسی این است: «فاعل + (مفعول / متمم / مسند) + فعل». «احمد کتاب خواند. احمد به خانه رفت. احمد خوش شد.» این سه جمله دارای یک قاعده است. کلمه‌های این سه جمله را می‌توانیم تغییر بدهیم، بدون این‌که ساخت و قاعده‌ی جمله تغییر کند: «احمد به خانه رفت. خرس به آشیانه رفت. شگوفه خنده کرد. درخت شگوفه کرد.»

فصل چهارم: رابطه ی نگارش و دستور زبان | ۸۳

بنابراین در نوشتن جمله‌های فارسی و در نگارش این ساخت دستوری بنیادین زبان فارسی باید در نظر گرفته شود. اما در نگارش‌های ادبی و در سایر نگارش‌ها می‌توان بنابه مصلحت‌های معنایی یا زیبایی‌شناسانه، جابه‌جایی‌های بین اجزای جمله، ایجاد کرد.

اجزای جمله (اجزای سخن)

در زبان واژک و واژه داریم. «از، به، بر، با و...» واژک‌های بسته هستند. «برگ، گل‌برگ، هم‌سایه و...» واژه هستند. اما در جمله، هر واژه‌ای نقش، کارکرد و نامی دارد. «فرشته رفت اما زود برگشت که بخوابد.» فرشته (اسم و فاعل)، رفت (فعل سوم شخص)، اما (ربط‌دهنده)، زود (قید)، که (ربط‌دهنده) و بخوابد (فعل) است.

اسم، فعل، مفعول، صفت، عدد، قید و... اجزای جمله یا اجزای سخن هستند. این موارد در جمله شامل دو جز دستوری کلان جمله می‌شوند که این دو بخش کلان جمله، نهاد و گزاره است.

اجزای سخن طبق قاعده‌ی دستوری و نحوی جمله، جایگاه نحوی خود را در جمله دارند. صفت معمولاً بعد از اسم و نزدیک به اسم در جمله می‌آید. قید بعد از فعل و نزدیک به فعل در جمله می‌آید. زیرا صفت اسم را توصیف می‌کند و قید فعل را توصیف می‌کند. بهتر است صفت نزدیک به اسم و قید نزدیک به فعل بیاید.

معمولاً یکی از مشکلات نگارشی این است که اجزای سخن یا جمله در جای مناسب خود به کار نمی‌روند.

نهاد و گزاره

هر جمله‌ای حتماً دارای نهاد و گزاره است. اگر جمله‌ای نهاد و گزاره نداشته باشد، جمله از نظر ساختمان دستوری و نحوی دچار مشکل است. هنگامی که

جمله از نظر ساختمان دستوری دچار مشکل بود، معنا و پیام کاملی نیز نخواهد داشت. بنابراین جمله‌ها معمولاً دارای یک نهاد و گزاره یا بیش‌تر از یک نهاد و گزاره می‌تواند باشد. جمله‌هایی که یک نهاد و گزاره دارند، جمله‌های ساده هستند. جمله‌هایی که بیش‌تر از یک نهاد و گزاره دارند، جمله‌های مرکب هستند. نهاد در جمله، موضوع یا مبتدای جمله است. گزاره در جمله، خبر و محمول در باره‌ی موضوع و مبتدا است. «ابوعلی سینا پزشک نام‌دار، کتاب‌های زیادی در باره‌ی کلام و پزشکی نوشته است.» «ابوعلی سینا پزشک نام‌دار» نهاد جمله است. «کتاب‌های زیادی در باره‌ی کلام و پزشکی نوشته است» گزاره‌ی جمله است.

گزاره در واقع در باره‌ی نهاد است. برای این‌که گزاره در باره‌ی نهاد است، در دستورهای سنتی گزاره، خبر جمله دانسته می‌شود. در این جمله نیز گزاره خبری در باره‌ی ابوعلی سینا است. معمولاً نهاد در آغاز جمله و گزاره بعد از نهاد می‌آید.

برای نگارش مطلوب تشخیص نهاد و گزاره‌ی جمله مهم است. جمله‌ها طوری باید نوشته شوند که نویسنده بدانند نهاد و گزاره را چگونه در جمله به کار ببرد. اگر جای نهاد و گزاره را در نگارش یک جمله تغییر می‌دهد، باید منظور و مقصد خود را از تغییر جای نهاد و گزاره درک کند.

جمله‌ی ساده

جمله‌ی ساده، جمله‌ای است که دارای یک نهاد و یک گزاره است. «هوشنگ آمد.» «هوشنگ» نهاد است، «آمد» گزاره است. ممکن در یک جمله‌ی ساده، اجزای دیگر سخن مانند صفت، قید و... بیاید. اما جمله هم‌چنان دارای یک نهاد و یک گزاره است.

«هوشنگ شوخ با سه کتاب شاه‌نامه‌ی فردوسی دیروز از کابل به بلخ رسید.» «هوشنگ شوخ» نهاد جمله است. «با سه کتاب شاه‌نامه‌ی فردوسی

دیروز از کابل به بلخ رسید» گزاره‌ی جمله است.
در نگارش‌های علمی بهتر است در حد ممکن از جمله‌های ساده و کوتاه استفاده کرد. زیرا هرگونه استفاده از جمله‌های مرکب و گسترده، ممکن درک و دریافت مطلب را دشوار کند.

جمله‌ی مرکب

جمله‌ی مرکب، جمله‌ای است که بیش‌تر از یک نهاد و یک گزاره یا یک نهاد و چند گزاره داشته باشد. جمله‌ی مرکب از چند جمله‌واره ساخته شده است که این جمله‌واره‌ها به تنهایی معنای کامل ندارند و نمی‌توانند جمله باشند. در کنار هم می‌آیند و یک جمله‌ی مرکب را می‌سازند. «دیروز فریدون - که ناراحت به نظر می‌رسید - آمد، بدون آن‌که چیزی بگوید، چیزهای برادرش را از اتاق برداشت، دست برادرش را گرفت و با خود برد.» «فرهاد به شوق کار می‌کند که برادرش بتواند خیلی خوب درس بخواند.»

یک متن را به ویژه متن‌های ادبی و داستانی را نمی‌توان فقط با جمله‌های ساده نوشت. اما هنگام نوشتن جمله‌های مرکب دقت باید داشت که نهاد و گزاره‌ی جمله‌واره‌های جمله‌ی مرکب در جای درست و مناسب قرار بگیرند و نوشته شوند. در صورتی که نهاد و گزاره‌ی جمله‌واره‌های جمله‌ی مرکب در جای مناسب خود نگاشته نشوند، ساختمان، معنا و زیبایی‌شناسی جمله دچار اختلال و ابهام می‌شود. بنابراین بهتر است در نوشتن جمله‌های مرکب خیلی دقت باید کرد.

جایگاه بندنوشت (پاراگراف) در نگارش

بندنوشت (پاراگراف) در ظاهر از چند جمله‌ی مرتبط به هم ساخته شده است که جمله‌های بندنوشت باهم ارتباط معنایی دارند. اما بندنوشت فراتر از رابطه‌ی ظاهری و معنوی چند جمله، دارای یک ایده‌ی محوری است. محور و

مرکزی یک بندنوشت، یک ایده است که تعدادی از جمله‌ها در محور این ایده یک بندنوشت را می‌سازند.

بنابراین بندنوشت ساختار محور نه بلکه ایده محور است. نمی‌توان گفت که یک بندنوشت دارای دو جمله یا شش جمله است. ممکن یک بندنوشت دارای دو جمله یا دارای ده جمله باشد. آن چه اندازه‌ی جمله‌های یک بندنوشت را مشخص می‌کند، بیان، توضیح و تشریح ایده‌ی محوری بندنوشت است.

در واقع می‌توان گفت هر پاراگراف یک قضیه‌ی منطقی یا یک استدلال است. «انسان میرا است. سقرات انسان است. پس سقرات میرا است.» این گزاره‌ی منطقی یک بندنوشت نیز است. بنابراین می‌توان گفت هر بندنوشت دارای ایده و استدلال است. اگر نگارش علمی باشد، هر بندنوشت دارای ایده و استدلال است. اگر نگارش ادبی و داستانی باشد، هر بندنوشت دارای ایده و توصیف ایده، حادثه و توصیف حادثه و... است.

بندنوشت‌های یک مقاله یا نگارش باید با هم ارتباط داشته باشند. به این معنا نیست که فقط جمله‌های بندنوشت با هم ارتباط معنایی داشته باشند. جمله‌های بندنوشت طبق ایده‌ی بندنوشت با هم ارتباط درون پاراگرافی دارند اما بندنوشت‌های یک نگارش و مقاله نیز با هم ارتباط دارند. ایده‌ی بندنوشت بعدی معمولاً از مفهومی آغاز می‌شود که در جمله‌ی آخر بندنوشت قبلی به آن مفهوم اشاره شده است. من یک بندنوشتی را طرح می‌کنم:

«انسان درگیری‌های زیادی دارد که یکی از این درگیری‌ها عشق است. هر کسی از عشق برداشت و تعبیر خود را دارد. اما پرسش این است که واقعیت عشق چیست.

اگر بخواهیم هر مفهومی را به واقعیت تقلیل بدهیم باید بتوانیم واقعیت عشق را دریابیم، این که خاستگاه واقعی عشق چیست. زیرا هرچه که خاستگاه واقعی نداشته باشد، نمی‌تواند وجود داشته باشد. خاستگاه واقعی عشق بایستی در واقعیت جنس انسان نهفته باشد.

واقعیت جنس انسان این است که انسان معمولاً دارای دو جنس (زن و مرد) است. به صورت طبیعی بین جنس و زن مرد، گرایش و میل جنسی برای تولید مثل وجود دارد. میل جنسی در کارکردهای متفاوت خویش بیان‌گر تجلی عشق در مناسبات و فرهنگ جامعه‌های بشر شده است.»

ایده‌ی بندنوشت نخست «درگیری‌های انسان» است. در این بندنوشت مشخص می‌شود که عشق یکی از درگیری‌های انسان است. در جمله‌ی آخری این بندنوشت به مفهوم «واقعیت عشق» اشاره می‌شود. بندنوشت دوم از مفهوم «واقعیت عشق» جمله‌ی آخر بندنوشت نخست آغاز می‌شود. ایده‌ی بندنوشت دوم «خاستگاه واقعی عشق» است. در جمله‌ی آخرین بندنوشت به مفهوم «جنس» اشاره شده است. ایده‌ی بندنوشت بعدی «خاستگاه جنسی عشق» است. اگر بخواهیم بعد از این بندنوشت، بندنوشت دیگری بنویسیم، ایده‌ی بندنوشت بعدی باید «تجلی‌های فرهنگی عشق» باشد.

هر نگارش و مقاله‌ای باید دارای یک یا دو موضوع مرتبط به هم باشد. موضوع این بندنوشت‌ها «درگیری انسان» به ویژه «عشق» بود. بنابراین بندنوشت‌های این نگارش و مقاله باید بنابه موضوع اصلی مقاله با هم ارتباط داشته باشند و برای گسترش و درک موضوع به کار روند.

در چند بندنوشت مقدماتی و نخست موضوع نگارش معرفی می‌شود. در چند بندنوشت بدنه‌ی اصلی مقاله و نگارش موضوع گسترش و توضیح داده می‌شود و در چند بندنوشت پایانی مقاله، چستی موضوع بنابه استدلال و شواهد بندنوشت‌های میانی (بدنه) مقاله به عنوان نتیجه‌ی اراییه شود.

یک نگارش مطلوب و خوب جمله‌های خوش ساخت دارد. جمله‌های خوش ساخت و معنادار در بندنوشت (پاراگراف)‌های خوش ساخت، ایده‌محور و مستدل اراییه می‌شود. درکل هر نگارش و مقاله‌ای از بندنوشت‌های مرتبط به هم از نظر موضوع ساخته می‌شود.

بنابراین هر نگارش و مقاله‌ای باید بندنوشت‌های مشخص داشته باشد.

نگارش و مقاله‌ای که بندنوشت و پاراگراف ندارد، نمی‌توان آن نگارش را نگارش مطلوبی گفت. در صورتی که یک نگارش و مقاله بندنوشت نداشته باشد، درک موضوع و مفهوم آن مقاله می‌تواند دچار ابهام باشد. زیرا بندنوشت‌ها در یک نگارش و مقاله برای بیان و تفهیم بهتر و بدون ابهام موضوع است.

به‌تر است اشاره شود که بندنوشت بخشی از دستور زبان نیست؛ این‌که بحث چگونگی نگارش بندنوشت در فصل «رابطه‌ی نگارش و دستور زبان» آمده است، به این دلیل است که بندنوشت چگونگی نگارش چند جمله‌ی مرتبط به یک ایده است. بنابراین در ادامه‌ی بحث چگونگی نگارش جمله‌ها آورده شد.

جمله‌ی اصلی (ایده) بندنوشت

جمله‌ی اصلی بندنوشت جمله‌ای است که ایده‌ی بندنوشت در آن جمله مطرح شده باشد. معمولاً جمله‌ی اصلی بندنوشت، جمله‌ی آغازی بندنوشت است. اما گاهی می‌تواند جمله‌ی دوم یا سوم و... جمله‌ی اصلی بندنوشت باشد که ایده‌ی بندنوشت در آن مطرح شده است. برای درک معنای هر بندنوشت، درک جمله‌ی اصلی که ایده در آن مطرح شده، مهم است.

جمله‌های توضیحی بندنوشت

جمله‌های توضیحی بندنوشت جمله‌های استند که برای توضیح، تشریح، توصیف، بیان و استدلال ایده‌ی جمله‌ی اصلی بندنوشت می‌آیند. تعداد جمله‌های توضیحی بندنوشت مشخص نیستند، بنابه ضرورت برای توضیح و تشریح ایده‌ی جمله‌ی اصلی بندنوشت ارایه می‌شوند. ممکن دو جمله، ده جمله و حتی بیش‌تر باشد. اما بهتر است، جمله‌های بند زیاد نشوند. در صورتی که جمله‌های توضیحی یک بندنوشت بسیار زیاد شوند، ممکن درک معنای بندنوشت را دچار ابهام کنند.

فصل پنجم (رابطه‌ی دستور خط و نشانه‌گذاری با نگارش)

مقدمه

این بخش به دستور خط پارسی دری پرداخته است؛ این‌که خط پارسی دارای چه اصولی است و ما چگونه می‌توانیم این اصول را رعایت کنیم و تا چه حد خط پارسی دری دارای استقلال است و این استقلال خط را چگونه می‌توان حفظ کرد.

جدانویسی، پیوسته‌نویسی و نیم‌فاصله‌نویسی را در نوشتن کلمه‌ها و خط پارسی دری چگونه باید رعایت کرد. در ضمن به اهمیت نشانه‌گذاری در خط و در صراحت معنا و فهم نوشتار نیز اشاره شده است.

اهداف کلی

هدف از آرایه این فصل:

- ۱- دانش جویان با دستور خط پارسی دری آشنا می‌شوند.
- ۲- حفظ استقلال خط را بدانند.
- ۳- به اهمیت نشانه‌گذاری در نگارش پی می‌برند.
- ۴- چگونگی به‌کارگیری نشانه‌ها را در نوشتار می‌فهمند.

۵- با جدانویسی، پیوسته‌نویسی و نیم‌فاصله‌نویسی در هنگام تایپ و نوشتن کلمه‌ها آشنا می‌شوند.

اهداف رفتاری (عملی)

از دانش‌جویان گرامی انتظار می‌رود پس از مطالعه‌ی این فصل این موارد را بدانند:

- ۱- دستور خط چیست؟
- ۲- آیا در دستور خط میان اهل نظر، سلیقه وجود دارد؟
- ۳- در نگارش علمی، دستور خط چگونه باید باشد؟
- ۴- چهره‌ی خط را چگونه می‌توان حفظ کرد؟
- ۵- حفظ استقلال خط چگونه می‌تواند صورت بگیرد؟
- ۶- چرا نشانه‌گذاری در نوشتار اهمیت دارد؟
- ۷- نشانه‌ها را چگونه در نگارش می‌توانیم به‌کار ببریم؟

۱- دستور خط پارسی دری

نوشتار/خط چهره‌ی مکتوب زبان است. همان‌گونه‌که زبان از مجموعه‌ی اصول و قواعدی بنام «دستور زبان» پیروی می‌کند، خط نیز باید پیروی اصول و ضوابطی باشد. مجموع این اصول و ضوابط را «دستور خط / نوشتار» نامیده‌اند. خط پارسی دری یکی از نوشتارهای رسمی افغانستان و منطقه است. اسناد رسمی، مکاتبات، کتاب‌های علمی و پژوهشی و کتاب‌های درسی به این خط نوشته می‌شود که پیشینه‌ی بیش‌تر از هزار سال دارد. طبعاً چنین خطی باید قواعد و ضوابط معلوم و مدون داشته باشد تا همگان با رعایت آن، هویت خط را تثبیت کنند و محفوظ بدارند.

در خط پارسی دری میان اهل نظر، اختلاف سلیقه وجود دارد؛ تا اندازه‌ای می‌توان با این سلیقه مدارا کرد، اما در نگارش علمی بهتر است که رسم خط و نوشتار یک‌دست و شناخته‌شده‌ای را رعایت کنیم.

نگه‌داری چهره‌ی خط و الفبا

حفظ چهره و صورت خط در تاملین و حفظ پیوستگی فرهنگی زبان، نوشتار و ادبیات نقش اساسی دارد. نباید شیوه‌ای را برگزید که چهره‌ی خط پارسی دری به صورتی دیگرگون شود که مشابهت خود را با آن چه در گنجینه‌ی زبان پارسی دری دارد از دست بدهد. متن‌های کهن برای نسل کنونی و نسل‌های آینده نامانوس و ناآشنا شود. طوری که در تاجیک‌ستان صورت خط پارسی دری تغییر کرد، به جای آن از صورت خط روسی استفاده می‌شود. بنابراین نسل کنونی تاجیک، نمی‌توانند متن‌هایی به خط پارسی دری را بخوانند، در حالی که به پارسی دری سخن می‌گویند اما با خط روسی می‌نویسند.

وضع سه قاعده برای جدانویسی، پیوسته‌نویسی و نیم‌فاصله‌نویسی

جدانویسی، پیوسته‌نویسی و نیم‌فاصله‌نویسی کلمه‌ها امری ضروری است، اگر رعایت نشود، سبب بدخوانی و ابهام می‌شود.

در نگارش پارسی دری سه اصل را در نوشتن کلمه‌ها رعایت باید کرد: جدانویسی (یک اسپیس)، پیوسته‌نویسی (بدون اسپیس) و نیم‌فاصله‌نویسی (کنترول + شیفت + ۲). اما مهم این است که جدانویسی، پیوسته‌نویسی و نیم‌فاصله‌نویسی را بنابه کدام قواعد رعایت و اجرا باید کرد؟

اگر بخواهیم جدانویسی، نیم‌فاصله‌نویسی و پیوسته‌نویسی را رعایت کنیم، قاعده و قانونی باید وضع کرد. این قاعده و قانون را باید از ساخت منطقی واژه‌سازی زبان پارسی دری استخراج کرد. در صورتی که نتوانیم قاعده و قانونی وضع کنیم، در غیر آن هرگونه پیشنهاد و ابراز نظر، سلیقه‌ای خواهد بود.

مشکل این است که ما همیشه دو قطبی عمل می‌کنیم، یا کاملاً جانب سنت استیم که به این جانب‌داری سنت‌زدگی گفته می‌شود یا ندانسته، شیفته‌ی آوانگاریسم و پست مدرنیسم می‌شویم که این جانب‌داری، ایسم‌زدگی است. به‌ترین است با درک عقلانی مدرن از سنت، امکان، ظرفیت و به‌سازی‌های

مدرنیت و نوگرایی را باید پذیرفت.

نوشتار و خط پارسی دری پیشینه‌ی هزار ساله دارد. بنابراین هرگونه نوگرایی در خط پارسی دری بایستی با شناختِ قاعده و قواعدِ واژه‌سازی و ساختمان واژه‌های زبان پارسی دری و با فهم جنبه‌های زیبایی‌شناسانه و حفظ خط و نوشتار پارسی دری اما با امکان و سهولت‌های کیبورد (تخته‌ی حرف‌نگار) کمپیوتر باید صورت بگیرد.

اگر این دو مورد را در نظر نداشته باشیم و نتوانیم بنابه درکِ فرهنگی خط پارسی دری و بنابه شناختِ ساختِ دستوری واژه‌سازی و ساختمان واژه‌های زبان پارسی دری، قانون و قاعده وضع کنیم، نمی‌توانیم پیشنهاد اصولی و ساخت‌مندی برای جدانویسی، پیوسته‌نویسی و نیم‌فاصله‌نویسی واژه‌ها ارایه کنیم.

زبان پارسی دری از زبان‌هایی است که به اساس پیوند و... واژه‌های جدید می‌سازد. در زبان پارسی سه گونه واژه داریم: ساده (بسیط)، ساخته (مشتق) و آمیخته (مرکب). بنابراین قاعده‌ی جدانویسی، پیوسته‌نویسی و نیم‌فاصله‌نویسی با در نظرگیری پیشینه‌ی زیبایی‌شناختی فرهنگی خط پارسی دری و به اساس ساختِ قواعدِ دستوری این سه گونه واژه باید تنظیم شود.

من بنابه ساختمان و ساختِ واژه‌سازی واژه‌های زبان پارسی دری قاعده‌هایی را برای این‌که چرا و چگونه جدانویسی، پیوسته‌نویسی و نیم‌فاصله‌نویسی را اعمال کنیم، وضع کرده‌ام. پس از چند سال خطا و آزمون به این نتیجه رسیدم که این قاعده‌ها را وضع کنم.

قاعده‌هایی را که من وضع کرده‌ام با قاعده‌های شورای گسترش زبان فارسی ایران متفاوت است. شورای گسترش زبان فارسی جدانویسی، نیم‌فاصله‌نویسی و پیوسته‌نویسی را بیش‌تر به اساس سنت خط زبان پارسی دری در نظر گرفته است، اما من به مشخصا به اساس ساختمان واژه‌های زبان پارسی دری، قاعده‌های جدانویسی، پیوسته‌نویسی و نیم‌فاصله‌نویسی را در نظر گرفته‌ام.

قاعده‌ی نخست: جدانویسی کامل بین واژه‌ها صورت می‌گیرد (واژه یک واحد لغوی است که معنای مستقل و اعتبار دستوری دارد. اسم، صفت، ضمیر، قید، فعل و... است). بنابراین بین واژه‌ها باید جدانویسی کامل (یک اسپیس) رعایت شود.

«فرید آرایش‌گر در مهمان‌خانه است.» بین واژه‌های «فرید، آرایش‌گر، در، مهمان‌خانه، است» باید جدانویسی کامل رعایت شود. زیرا هر کدام آن‌ها به تنهایی یک واژه هستند.

«در» یک واژگ بسته است، اما در صورتی‌که در جمله استقلال کاربردی خود را نسبت به واژه‌های دیگر داشته باشد، باید در نوشتن آن جدانویسی کامل رعایت شود.

«فرید» واژه‌ی ساده است. «آرایش‌گر» واژه‌ی ساخته (آرایش‌گر) است که از یک واژه‌ی ساده و از یک پس‌وند (واژگ بسته) ساخته شده است. «مهمان‌خانه» واژه‌ی آمیخته (مرکب) است که از دو واژه‌ی ساده (مهمان + خانه) ساخته شده است. «است» فعل است. هر کدام این واژه‌ها یک واژه هستند که جدانویسی کامل (یک اسپیس) بین آن‌ها باید رعایت شود.

قاعده‌ی دوم: حرف‌های واژه‌های ساده پی‌هم یا پیوست نوشته می‌شوند. واژه‌هایی که از یک واژه‌ی ساده و چند پیش‌وند و پس‌وند یا از چند واژه ساخته نشده‌اند؛ حرف‌های این واژه‌ها پی‌هم یا پیوست نوشته می‌شوند. مانند واژه‌های «حقیقت، فضیلت، پدر، شهر، رفتار، گفتار، سخن، روز، دیدار، کار، درخت و...».

اما هر واژه‌ای که دارای اجزا است، اجزای آن باید با نیم‌فاصله نوشته شود. منظور از واژه‌های دارای اجزا واژه‌هایی هستند، در صورتی‌که نیم‌فاصله رعایت نشود، حرف‌های آخر اجزای آنها به هم می‌چسبند. مانند واژه‌ی «مهمان‌خانه، روزنامه‌نگار، گلزار، گلستان، حقیقتیاب، شبتاب، پایان‌نامه و...» اجزای این واژه‌ها را باید با نیم‌فاصله بنویسم: «مهمان‌خانه، روزنامه‌نگار، گل‌زار، گل‌ستان،

حقیقت یاب، شب تاب، پایان نامه و... واژه‌هایی که دارای اجزا هستند، اما حرف‌های آخر اجزای آن‌ها به هم نمی‌چسبند، نیاز به نیم‌فاصله نویسی ندارند، زیرا به هم نچسپیده‌اند. مانند واژه‌های «روزگار، روزنامه، کارزار، خارستان، شارستان و...» اگر اجزای واژه‌ها را با نیم‌فاصله بنویسم در شناخت ساختمان واژه و در آموزش واژه به ما کمک می‌کند، زیرا می‌دانیم که واژه چند بخش دارد و از پیوند چند واژک و واژه ساخته شده است.

قاعده‌ی سوم: واژه‌هایی که ساده نیستند، بیش‌تر از یک بخش دارند، بخش‌ها و اجزای آن‌ها (در صورتی که حرف آخر اجزای واژه به هم بچسبند) بدون استثنا باید با نیم‌فاصله نوشته شوند.

در گذشته اجزای چنین واژه‌هایی یا با فاصله (جدایی کامل) یا پیوست نوشته می‌شدند. این‌که در گذشته با فاصله یا پیوست نوشته می‌شدند، سهولت کیبورد کمپیوتر فراهم نبود؛ اکنون آسان‌سازی (سهولت) تخته‌ی حرف‌نگار کمپیوتر (کیبورد) فراهم است. بنابراین با استفاده از تخته‌ی حرف‌نگار کمپیوتر می‌توان اجزای واژه‌ها را با نیم‌فاصله نوشت.

اجزای واژه‌های ساخته و آمیخته (در صورتی که حرف آخر اجزا به هم بچسبند) همه شامل نیم‌فاصله نویسی می‌شوند. واژه‌ی «دل‌نشین» را «دل‌نشین» ننویسیم. واژه‌ی «دل‌شده» را «دل‌شده» ننویسیم. واژه‌ی «بی‌کار» را «بی‌کار» ننویسیم. واژه‌ی «هم‌سر» را «همسر» ننویسیم. واژه‌ی «دانش‌گاه» را «دانشگاه» ننویسیم. واژه‌ی «گل‌ستان» را «گلستان» ننویسیم. واژه‌ی «دانش‌کده» را «دانشکده» ننویسیم. واژه‌ی «هم‌راه» را «همراه» ننویسیم. واژه‌ی «هم‌نوا» را «هم‌نوا» ننویسیم. واژه‌ی «بی‌نوا» را «بینوا» ننویسیم. واژه‌ی «هم‌شیره» را «همشیره» ننویسیم. واژه‌ی «خدمت‌گار» را «خدمت‌گار» ننویسیم. واژه‌ی «دانش‌سرای» را «دانشسرای» ننویسیم.

زیرا اجزای این واژه‌ها از جاهای متفاوتی با هم پیوند یافته‌اند و واژه‌های نو و تازه‌ای را ساخته‌اند. هر جزیی از این واژه‌ها در زبان و در دستور زبان هویت مستقل و جایگاه دستوری خود را دارند. بنابراین درست این است که برای

رعایت ساختمان واژه، برای درک واژه‌سازی و برای شناخت اجزای واژه، اجزای واژه‌های ساخته و آمیخته باید با نیم فاصله نوشته شوند. به طور مثال، چرا واژه‌ی «به‌تر» را «بتر» ننویسیم؟ برای این‌که «به» یک واژک باز (ساده) است، «تر» یک واژک بسته و صفت‌ساز است. بنابراین «به‌تر» یک واژه‌ی ساخته است که دو جز دارد. در زبان پارسی هنوز «به» به تنهایی کاربرد دارد: «از شما به نباشد، احمد دوست من است.»

شورای گسترش زبان فارسی بنابه سلیقه‌ی زیبایی‌شناسی سنت خط فارسی گفته است که «هم منزل» را «هم منزل» بنویسید، اما «هم نشین، هم دل، هم کار و...» را «همنشین، همدل، همکار و...» بنویسید؛ درحالی‌که ساخت واژه‌سازی و ساختمان واژه‌ی «هم منزل و هم نشین» یکی است. اعمال چنین سلیقه‌هایی به این تعبیر که سنت زیبایی‌شناسی خط و نوشتار پارسی در نظر گرفته شده است، گنج‌کننده و ساده‌انگارانه است.

شورای گسترش زبان فارسی روش نگارش واژه‌های فارسی را قاعده‌محورانه بلکه واژه‌محور مورد بحث قرار داده است. مثلاً تعدادی از واژه‌هایی که هجا کم دارد، گفته شده پیوست نوشته شوند؛ تعدادی از واژه‌هایی که حرف آخر یک جز واژه با حرف آغاز جز دیگر واژه هم‌سان است، گفته شده با نیم فاصله نوشته شوند: هم منزل. زیرا «م» تکرار شده است. چنین بحث‌های نگارشی واژه‌محور را کسی یاد نمی‌گیرد، زیرا نگارش هر واژه‌ای طبق سلیقه‌ی زیبایی‌شناسانه‌ی هیأت علمی شورای گسترش زبان فارسی تفاوت می‌کند. در ضمن پیش‌نهادهای نگارشی شورای گسترش زبان فارسی به اساس ساخت دستوری و ساخت واژه‌سازی واژه‌های زبان پارسی صورت نگرفته است.

اگر برای جدانویسی، نیم فاصله‌نویسی و پیوسته‌نویسی طبق چند قاعده‌ی مشخصی عمل نشود؛ برای نوشتن هر واژه‌ای برخورد جداگانه و سلیقه‌ای صورت بگیرد، نمی‌توان در نوشتن هزاران واژه به نتیجه‌ی نسبتاً مطلوب و مشترکی دست یافت.

بنابراین به‌تر این است که برخورد ما برای چگونگی پیوسته‌نویسی، جدانویسی و نیم‌فاصله‌نویسی طبق تعریف چند قاعده، تقلیل‌گرایانه باشد. یعنی ساخت و ساختمان واژه‌ها را مشخص باید کرد، بعد طبق آن ساخت و ساختمان، چگونگی نوشتن صدها واژه را به چند قاعده‌ی خاصی تقلیل داد. من پس از خطا و آزمون زیادی در نوشتن واژه‌های زبان پارسی دری، سه قاعده‌ی بالا را طبق ساخت دستوری و واژه‌سازی واژه‌های زبان پارسی دری وضع کرده‌ام. بعد از این جدانویسی، پیوسته‌نویسی و نیم‌فاصله‌نویسی را طبق سه قاعده‌ی بالا رعایت می‌کنم. وضع این سه قاعده پیش از این توسط نهاد یا شخصی تدوین و ارایه نشده است. ممکن تعدادی در نوشتن واژه‌های زبان پارسی دری جدانویسی، پیوسته‌نویسی و نیم‌فاصله‌نویسی‌ای را که من طبق این سه قاعده پیش نهاد داده‌ام رعایت کرده باشند، اما دلیل خود را برای این کار، تدوین و ارایه نکرده‌اند. بنابراین من برای نخستین بار نظریه‌ی چنین جدانویسی، پیوسته‌نویسی و نیم‌فاصله‌نویسی را طبق چارچوب دستوری و منطقی ساختمان واژه‌سازی واژه‌های زبان پارسی دری تدوین و اجرایی کرده‌ام.

۲- نشانه‌های نگارش

کاربرد نشانه‌های نگارشی، خواندن درست و درک معنای متن را آسان و برخی از ابهام‌ها و خطاهای نوشتاری را برطرف می‌کند. نواهای گفتار به ویژه آهنگ، لحن، مکث و تداوم را نشان می‌دهد. رابطه‌ی اجزای جمله را آشکار می‌کند و نقل قول، توضیح، تردید، تاکید و ارجاع را مشخص می‌نماید.

سابقه‌ی نشانه‌های نگارشی به شکل امروزی در متون پارسی دری به دو قرن پسین می‌رسد که به پیروی از غربیان، هم‌زمان با صنعت چاپ در افغانستان رایج شد.

ام‌روز نشانه‌های نگارشی بخشی از نشانه‌های زبانی‌اند که معنا، منظور و حالات نویسنده مانند درنگ، تاکید، شک و تردید، توضیح، تفسیر و... را در

نوشتار نشان می‌دهد.

متنی بی‌نشانه‌های نگارشی از نظر خواندن، دلالت معنایی و درک مناسبات جمله‌ها دچار مشکل است. بنابراین در نوشتار برای خواندن درست متن، برای دلالت معنایی، برای مناسبت و رابطه‌ی جمله‌ها و درکل برای صراحت معنای متن نشانه‌های نگارشی الزامی است.

نقطه (.) توقف یا ایست کامل

نقطه نشانه‌ای است که برای توقف یا ایست کامل به کار می‌رود. بدون فاصله پس از آخرین حرف جمله‌های انشایی و خبری می‌آید و با جمله‌ی بعدی یک اسپس فاصله دارد.

موارد کاربرد نقطه عبارت‌اند از:

- بیش‌ترین کاربرد را در پایان جمله‌های خبری و انشایی دارد:
انتخابات دور سوم در افغانستان با تقلب گسترده برگزار شد.
دانشگاه خورشید، برای یادبود از قهار عاصی، دیروز در تالار فردوسی این دانشگاه، محفل برگزار کرد.

من در تمام زندگی به تواندیشیده‌ام.

- پس از حرف‌هایی که بیان‌گر نام‌ها یا عنوان‌های اختصاری هستند:
س. م. م. (سازمان ملل)

به مقام وزارت تحصیلات عالی ج. ا. ا. (به مقام وزارت تحصیلات عالی جمهوری اسلامی افغانستان!)

سلطان محمود غزنوی سال (۳۲۱ هـ. ق.) درگذشت.

در نقل قول‌ها، نقل قول داخل گیومه (قوس ناخنک)، بعد ارجاع درون‌متنی می‌آید؛ نقطه پس از ارجاع درون‌متنی گذاشته می‌شود:

نظریه‌ای دیگر به این برداشت است که «زنان و مردان نظریات متفاوتی در باره‌ی جایگاه گفت و گو در روابط دارند» (تانن، ۲۰۰۵: ۸۷).

- نقطه، بین بخش‌های مشخصات معرفی منابع گذاشته می‌شود:
مدقق، عبدالظاهر. (۱۳۹۴). روش تحقیق کاربردی. کابل: نشر و پژوهش ارغنون.

ویرگول (،) درنگ کوتاه

ویرگول (کاما) بیان‌گر کوتاه‌ترین درنگ در جریان خواندن جمله است. رعایت درست و دقیق آن در نگارش موجب آسانی در خواندن و درک به‌تر متن می‌شود، اما زیاده‌روی در کاربرد آن پسندیده نیست. موارد کاربرد ویرگول عبارت‌اند از:

- در جمله‌ی مرکب برای جدا کردن جمله‌ی پایه از پی‌رو:
احمد درس خواند، خوب نمره گرفت.

- برای جدا کردن بندهای کوتاه و مستقل جمله:

فرید دی‌روز که به صنف وارد شد، کتاب‌هایش را روی میز چوکی‌اش گذاشت، پیش صنف رفت و به تشریح درس دی‌روز شروع کرد.

- بین دو کلمه‌ی مستقل که ممکن به اشتباه به صورت اضافه خوانده شود:
به نظر استاد، جمشید دانش جوی با استعداد است.

- برای جدا کردن بدل از کل، بدل در بین دو ویرگول جای می‌گیرد:

احمدشاه مسعود، قهرمان ملی کشور، برای نگهبانی و پاس‌داری از کشور، بسیار رنج دید و زحمت کشید.

به جای «او» عطف (و) در بین کلمه‌ها، عبارت‌ها و بندهای جمله ویرگول گذاشته می‌شود. اما در بین کلمه و عبارت آخر «او» عطف (و) می‌گذارند:

حقوق کودک، حقوق خانواده، حقوق جزا و حقوق اساسی شامل علم حقوق می‌شوند.

او دانش‌جویی فعال، پویا، خوش‌برخورد، زنده‌دل، با استعداد و امانت‌دار است.

- برای جدا کردن اجزای تاریخ یا نشانی:

همایش بین‌المللی حقوق کودک، پنج‌شنبه، ۲۲ حوت ۱۳۹۴ در کابل برگزار شد. خانه‌ی شماره ۴، کوچه‌ی ۳، سرک ۱۵ وزیراکبرخان، کابل.

نشانی درون شهری از از جزبه کل نوشته می‌شود.

افغانستان، کابل، سرک ۱۵ وزیراکبرخان، کوچه ۳، خانه شماره ۴.

نشانی بیرونی و خارجی از کل به جز نوشته می‌شود.

- بین نام خانوادگی و نام در نوشتن منبع ویرگول گذاشته می‌شود:

غبار، میرغلام محمد

باید تاکید کرد که ویرگول در نوشتار کاربرد زیاد دارد اما دقت و توجه لازم است که در کجا و چگونه باید از ویرگول استفاده کرد تا مکث‌های کوتاه در خواندن و معنای جمله، رعایت شود.

نقطه ویرگول (;) درنگ بلند

نقطه ویرگول درنگی است کوتاه‌تر از نقطه و بلندتر از ویرگول. نقطه ویرگول مانند دیگر نشانه‌ها چندان کاربرد زیاد و مشخصی ندارد. معمولاً در بین جمله‌های گذاشته می‌شود که جمله‌ی دوم و سوم و... توضیح بر جمله‌ی نخست باشد. یا در بین اجزای جمله‌ای گذاشته می‌شود که در درون هر جز جمله، ویرگول گذاشته شده باشد. بنابراین بین اجزای جمله، نقطه ویرگول گذاشته می‌شود تا اجزای جمله تفکیک شود. باید گفت به کاربردن نقطه ویرگول بیش ترابتکاری است. در کاربرد آن دقت و توجه باید کرد.

- برای جدا کردن اجزا و جمله‌های همپایه که درون یک جز یا چند جز آن‌ها نشانه‌های فصل و وصل (بیش تر ویرگول) به کار رفته باشد:

تا بیمار را صحتی شامل پدید نیاید، از خوردنی مزه نیابد؛ و حمال تا بار گران نهاد، نیاساید؛ و مردم هزار سال...

- در پایان هر قسم که به نوعی باهم ارتباط دارند:

چهار کس از چهار کس به رنج یا در گریزند: قانون شکن از حکومت؛

- جنایت‌کار از پولیس؛ مجرم از قاضی (دادگستر)؛ دزد از نگهبان.
- بین اطلاعات کتاب‌شناختی دو یا چند منبع در یک پانوشت:
۱- یوسفی، ص ۵۲؛ صدیقی، ص ۹۵؛ محمودی، ص ۱۲۵.

نشانه‌ی پرسش (؟) نشانه‌ای برای سوال

نشانه‌ی پرسش در پایان جمله‌های پرسشی به کار می‌رود و بعد از مواردی که دقیق نباشد و توأم با حدس و گمان باشد نیز داخل کمانک () نشانه‌ی پرسش گذاشته می‌شود.

- در پایان جمله‌های پرسشی:

درس‌هایت را خواندی؟

در زبان پارسی دری لفظ‌های داریم که در آغاز جمله می‌آیند و نشان‌دهنده‌ی پرسش هستند؛ مانند «آیا، چگونه، چطور، چرا...»:

آیا مردم به شهر رسیده‌اند؟ چطور مطالعه‌کردی که به این همه فهم و معلومات دست یافتی؟ چگونه آب است؛ شور یا شیرین؟ چرا خاموش استی؟
- برای افاده‌ی حدس، گمان و تردید نیز نشانه‌ی پرسش را داخل کمانک (؟) می‌گذارند:

گفته می‌شود حمله‌ی انتحاری دیروز ۲۵ نفر (؟) تلفات داشته است.

نشانه‌ی تعجب (!) نشانه‌ای برای تحسین، تحقیر و تعجب

نشانه‌ی تعجب در پایان جمله‌های ندایی و تعجبی و هم‌چنان پس از عبارات و اصواتی که بیان‌گر تحسین، تحقیر و استهزا و بیان‌های عاطفی باشد، گذاشته می‌شود.

- پس از کلمه‌ها و اصوات تحسین:

آفرین! زهی!

- منادا واقع‌شدن:

احمد! پیش مرو.

- برای تعجب:

چه آفتابی عالم تابی!

چه دختر قشنگی!

- برای تحقیر:

عجب شخصی نادانی!

- برای استهزا:

هنگامی به دانش آموزی که درس نمی‌خواند بگوییم:

خیلی بچه‌ی درس خوانی است!

- برای امر:

به هوش باش!

دروازه را ببند!

دو نقطه (:): نشانه‌ای برای توضیح و نقل قول

دو نقطه بیش‌تر پیش از جمله‌های توضیحی‌ای که اقسام و انواع را بیان می‌کند و پیش از نقل قول‌ها به‌کار می‌رود.

- پیش از ارایه‌ی انواع و اقسام چیزها و موضوع‌ها:

علم انواع و اقسام زیادی دارد که می‌توان از این‌ها نام برد: جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، حقوق، پزشکی، ادبیات، تاریخ، فزیک و... .

- برای آغاز نقل قول مستقیم:

عبدالله عبدالله، رییس اجراییه، گفت: «حکومت بسیار جدی با فساد مبارزه می‌کند».

- برای شرح و توضیح:

اعضای اوپک: ایران، عراق، عربستان... .

- برای بیان شرایط عضویت:

شرایط ثبت نام در انتخابات پارلمانی: ۲۵ سال سن؛ کارت پایان خدمت
سربازی؛ حداقل درجه‌ی تحصیل لیسانس (کارشناسی) در یکی از رشته‌ها؛ و
محکوم و متهم به جرم و جنایت نبودن.

- در فهرست کتاب‌شناسی بین محل نشر و نام انتشارات:

نجفی، ابوالحسن. (۱۳۷۱). غلط‌نویسیم. تهران: مرکز نشر دانش‌گاهی.

- در ارجاع درون‌متنی بین سال نشر و شماره‌ی صفحه:

(شاه‌رخی، ۱۳۸۵: ۲۴)

- بین سوره و آیه در متون مقدس:

قران، بقره: ۵۵ (قران، ۲: ۵۵)

- برای جدا کردن عنوان اصلی از فرعی:

چنین گفت زرتشت: کتابی برای همه‌کس و برای هیچ‌کس

- بین کلمه و معنای آن:

سوسیالیزم: جامعه اشتراکی

- برای نشان دادن اجزای ساعت:

ساعت ۳۲:۴۰:۱۱ (ساعت یازده و چهل دقیقه و سی و دو ثانیه)

- بین عنوان کناری صفحه و اصل متن:

حفظ استقلال خط: خط پارسی دری، دستور، قاعده و قواعد... دارد.

سه نقطه (...) نشانه‌ای برای حذف و تعلیق

سه نقطه در میانه و پایان متن به کار می‌رود؛ بیان‌گر تعلیق و حذف موضوع و
موردی است که بنابه مصلحت و حفظ رازداری گفته نمی‌شود، یا متنی که
بخش‌های آن خوانده نشود یا از بین رفته باشد سه نقطه در بین قلاب [...] گذاشته می‌شود.

- برای نشان دادن ناتمام ماندن:

فرید ساعت، کتاب و... را از بالای میز برداشت.

فصل پنجم: رابطه‌ی دستور خط و نشانه‌گذاری با نگارش | ۱۰۳

- برای پرهیز از توضیح بیش‌تر و حفظ رازداری:
یادت است، من آن سخنان... را برایت گفته بودم!
- برای نشان دادن ادامه داشتن مقاله که بخشی از مقاله نشر شده است، اما
قسمت دیگر آن در شماره‌ی بعدی روزنامه یا مجله نشر خواهد شد، سه نقطه
گذاشته می‌شود.

گیومه («») نشانه‌ای برای برجسته‌سازی و نقل قول

گیومه برای نشان دادن نقل قول مستقیم یا برجسته‌کردن کلمه، عبارت و جمله‌ای
در نوشته به کار می‌رود.

- برای نشان دادن نقل قول مستقیم به عبارت نه، به مضمون:
دیروز وزیر امور داخله گفت: «پنج نفر طالب در راه کابل - میدان شهر،
دست‌گیر شدند.»

- اصطلاحات علمی و فنی و واژه‌های مهجور و نا آشنا داخل گیومه می‌آیند:
اصطلاح «اگزستانسیالیزم» یا «حقوق بشر» و... این اصطلاح‌ها بار نخست
داخل گیومه می‌آیند تا خواننده بداند که این‌ها واژه‌های معمولی نیستند، بلکه
اصطلاح استند. در صورتی که اصطلاحی تکرار می‌شود، داخل گیومه نمی‌آید.
- نام‌های مقاله، نام عنوان و فصلی از کتاب، نام شعر، داستان، کتاب،
بیانیه، قانون، آیین‌نامه، اعلامیه، مصوبه و معاهده، فیلم، آهنگ، پایان‌نامه،
برنامه‌ی تلویزیونی، نام همایش و دست‌نویس در درون متن داخل گیومه می‌آیند.
- کلمه‌ها و عبارت‌های یکه لحن طعن‌آمیز دارند، به معنای خاص به کار
رفته‌اند یا عامیانه استند، داخل گیومه می‌آیند:

در انتخابات ریاست جمهوری دور سوم، ارزش (رای گوسپندی) از ارزش رای
افراد بیش‌تر بود.

مردم پنج‌شیربه هر کس «بچه‌ی عموک» می‌گویند و مردم کابل به همه
بچه‌ها «بچه‌ی خاله» و به همه دخترها «دختر خاله» می‌گویند.

کمانک (۱) نشانه‌ای برای ارایه‌ی اطلاعات اضافی و توضیحی

برای کمانک هلالین و پیرانتز نیز می‌گویند.

- اطلاعات اضافی و توضیحی داخل کمانک می‌آیند:

خط اوستایی (با ۴۴ نشانه‌ی نوشتاری) دقیق‌ترین خط جهان است.

- تاریخ تولد و وفات یا یک رویداد داخل کمانک می‌آید:

ناصر خسرو (۴۸۱-۳۹۴ ه. ق.) بیش‌تر عمرش را در سفر گذراند.

- سال نگارش مقاله یا کتاب داخل کمانک می‌آید:

علی امیری در کتاب خواب خرد (۱۳۸۷) نوشته است ...

ارجاع دورن متنی داخل کمانک می‌آید:

(امیری، ۱۳۸۷: ۸۷)

- نشانه‌ی تردید (؟) بین کمانک می‌آید:

بنابه پیش‌بینی وزارت زراعت، سال آینده، هر ساقه گندم چهار خوشه (؟)

می‌آورد.

- کوته‌نوشت نام‌ها نیز داخل گیومه می‌آید:

سازمان زحمت‌کشان افغانستان (سازا)

دو قلاب []

در موارد زیر کاربرد دارد:

- سه نقطه داخل قلاب، نشانه‌ی حذف یا افتادگی متن است:

در افریقایی جنوبی [...] سرانجام سیاهان حکومت را به دست گرفتند.

- مواردی را که ویراستار برای اصلاح یک متن اضافه می‌کند، داخل قلاب

[] می‌آید.

- به جای دو هلال در درون دو هلال دیگر:

(منشور سازمان ملل متحد در ۱۳ ژوئن ۱۹۴۵ [۵ جوزای ۱۳۲۴] به امضا

رسید).

- بخش‌های نامعلوم مربوط به محل و تاریخ نشر در کتاب‌شناسی منابع:
کابل: انتشارات سعید. [بی تا]. کابل: [بی نا]. ۱۳۶۷.
- برای توضیح‌ها و توصیف‌های نمایش‌نامه و دستوره‌های کارگردان:
سهراب [با ناله‌ای خفیف]: «کمی آب به من بدهید!».

خط فاصله (-) نشانه‌ی جداساز

- خط فاصله گاه در آغاز و گاه در میان کلمه‌ها:
در آغاز سطر برای تقسیم اجزای یک گروه:
گیرندگان رونوشت (کاپی) نامه:
- معاونت علمی
- معاونت محصلان
- رییس‌ان دانش‌کده‌ها
در آغاز سطرهای مکالمه‌ی اشخاص:
- بله! جناب فرید؟
- بله، من استم. بفرمایید!
- فریدون استم.
در بین جمله برای جداسازی جمله‌های متعرضه:
شهر و هرچه در آن بود- ساکنان، چهارپایان و بناها- در آتش سوختند.
- بین صفحه‌ها و تاریخ:
از صفحه‌ی ۴۲-۳۲
ادبیات افغانستان در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۴۰ جنبه‌ی مبارزاتی پیدا کرد.
- بین دو مکان و دو زمان:
سرک کابل- مزار
از ماه ثور- میزان ۱۳۸۹
- بین واژه‌های مرکب اتصالی:

سیاسی - اجتماعی، فرهنگی - سیاسی و...

ممیز (/) نشانه‌ی جداساز

کاربرد ممیز عبارت است از:

- برای نشان دادن تاریخ‌های معادل:

۱۳۵۸ ش. / ۱۹۸۷ م.

قرن نهم هجری / پانزدهم میلادی

- برای جداسازی اجزای تاریخ (روز/ ماه / سال)

۱۳۹۵ / ۶ / ۲۵

- برای جداکردن مصرع‌های بیت:

توانا بود هرکه دانا بود / ز دانش دل پیر برنا بود

بخش دوم

(روش تهیه و تحقیق پایان نامه)

فصل نخست (آن چه که پیش از تحقیق بدانیم)

مقدمه

در این فصل به چستی تحقیق و پژوهش پرداخته شده است؛ این که تحقیق چیست و دارای چه اصول و روشی است. تعریفی از تحقیق ارائه شده و به اهمیت تحقیق نیز اشاره شده است؛ این که پیشرفت کشورهای جهان، نتیجه‌ی تحقیقات و پژوهش‌هایی است که دانش‌مندان آن کشورها در باره‌ی مسایل و امور جامعه‌ی خود و در باره‌ی مسایل مربوط به جهان، از نظر کیهان‌شناسی، جغرافیا و... انجام داده‌اند.

تحقیق کار ساده‌ای نیست، کار دشواری است؛ زیرا فقط دانش‌مندان و محققان می‌توانند در باره‌ی مساله‌ای تحقیق و پژوهش کنند؛ بنابه تحقیق نتیجه و راه‌حلی ارائه کنند تا مساله‌ای برطرف شود. بنابراین تحقیق به دانش و درک لازمی نیاز دارد تا با آن دانش مشکلی را درک کرد، آن مشکل را به مساله تبدیل کرد و با تحقیق به حل آن مساله پرداخت.

درک مشکل و حل مساله، نیازمند دانش و روش است. با دانش در باره‌ی مساله و با اتخاذ روش تحقیق نسبت به حل مساله می‌توان به تحقیق پرداخت و مساله‌ای را حل کرد. بنابراین در تحقیق دانش لازم و چگونگی به کارگیری دانش برای حل مساله نیاز است. چگونگی به کارگیری دانش برای حل مساله، روش

تحقیق است. در این فصل به مواردی که مطرح شد، پرداخته شده است.

اهداف کلی

هدف از آرایه این فصل:

- ۱- دانش جویان با تحقیق آشنا می‌شوند.
- ۲- می‌دانند که تحقیق نیازمند دانش است.
- ۳- می‌دانند که توسعه و پیش‌رفت در کشورها و جامعه‌های مدرن، نتیجه‌ی تحقیق و پژوهش دانش‌مندان آن کشورها است.
- ۴- تحقیق بی‌روش چندان ممکن نیست؛ انتخاب روش درست در تحقیق، به تحقیق کمک می‌کند و تحقیق نتیجه می‌دهد.

اهداف رفتاری (عملی)

از دانش جویان گرامی انتظار می‌رود پس از مطالعه‌ی این فصل این موارد را بدانند:

- ۱- تحقیق را تعریف کنید؟
- ۲- واژگان کلیدی (اصطلاحات) تعریف تحقیق را تجزیه و تحلیل کنید؟
- ۳- مساله را تعریف کنید؟
- ۴- رابطه تحقیق با مساله چیست؟
- ۵- روش در تحقیق چه اهمیت دارد؟
- ۶- تحقیق از نظر روش گردآوری اطلاعات به کدام بخش‌ها تقسیم می‌شود؟
- ۷- تحقیق از نظر هدف به کدام بخش‌ها تقسیم می‌شود؟

تحقیق چیست؟

تحقیق و پژوهش سبب تولید دانش می‌شود. رشد و توسعه‌ی علم در همه‌ی رشته‌ها نتیجه‌ی پژوهش و تحقیق دانش‌مندان است. به این دلیل پژوهش را

مادر علم گفته‌اند. پژوهش اندیشه و نگرش انسان را نسبت به واقعیات و حقایق موجود اصلاح می‌کند، توانایی انسان را در پیش‌بینی حوادث، و پیش‌گیری یا کنترل حوادث افزایش می‌دهد، انسان را به ساختن ابزار برای زندگی به ترقی‌آورد می‌سازد و موجب پیش‌رفت و توسعه‌ی جوامع و کشورها می‌شود.

در روزگار کنونی، معیار توسعه‌ی کشورها به اساس کمیت و کیفیت پژوهش در نظر گرفته می‌شود. میزان سرمایه‌گذاری کشورهای توسعه‌یافته در امر پژوهش نسبت به کشورهای توسعه‌نیافته یا در حال توسعه، بسیار زیاد است. بنابراین سرمایه‌گذاری برای پژوهش در هر کشور، بیان‌گر توسعه‌یافته‌گی آن کشور است.

پژوهش و تحقیق باید به صورت متوازن در رشته‌های علوم چه ساینسی و چه اجتماعی صورت بگیرد. اگر فقط در یک رشته، تحقیق صورت بگیرد و در رشته‌های دیگر تحقیق صورت نگیرد، با علوم برخورد نامتوازن صورت می‌گیرد. این برخورد نامتوازن بر توسعه‌ی کلی جامعه تاثیر منفی می‌گذارد. یعنی در بخشی از جامعه توسعه صورت می‌گیرد اما در بخش‌های دیگر جامعه، توسعه صورت نمی‌گیرد. توسعه‌ی واقعی، توسعه‌ای است که متوازن باشد و سبب تحول و تغییر در همه‌ی ساختارهای جامعه: صنعتی، فرهنگی، اجتماعی، هنری و... شود.

اگر نگاهی به وضعیت تحقیق و پژوهش در افغانستان داشته باشیم؛ وضعیت تحقیق در کشور ما به سامان نیست و ما هنوز با فرهنگ، اصول و روش تحقیق آشنا نیستیم. دانشگاه‌ها نیز تحقیق و روش و اصول تحقیق را جدی نمی‌گیرند. تعدادی در کشور با القاب تقلبی محقق، دانش‌مند، استاد و... بدون این‌که مساله‌ای را شناسایی کنند یا پاسخی به مساله‌ای ارائه کنند؛ از این کتاب و آن کتاب «پست و کاپی» می‌کنند و به عنوان مقاله، رساله و کتاب علمی ارائه می‌کنند.

تحقیق و پژوهش معمولاً در مقاله‌های علمی-پژوهشی و رساله‌های علمی ارائه می‌شود که مقاله‌ها و رساله‌ها از آدرس دانشگاه‌ها و موسسه‌های تحقیقاتی-پژوهشی در مجله‌های معتبر علمی نشر می‌شوند. هر مقاله و رساله

علمی-پژوهشی، مشکلی را شناسایی می‌کند، مشکل را به مساله تبدیل می‌کند، بعد برای رفع مساله راه حل ارایه می‌کند.

اما در افغانستان به خصوص در دانشگاه‌ها و موسسات علمی-پژوهشی دولتی حتایک مجله‌ی معتبر علمی نداریم. چند مجله از چند آدرس، مانند اکادمی علوم، قضا و... نشر می‌شود که در این مجله‌ها «گویا علمی»، معیار، اصول و روش تحقیق در نظر گرفته نمی‌شود. طوری که مصلحت برای فساد در همه‌ی امور مملکت جریان دارد، متأسفانه تحقیق نیز غرق در مصلحت برای فساد است.

توسعه و پیش رفت جوامع را نتیجه‌ی تحقیق و پژوهش موسسه‌های علمی-تحقیقاتی دانستیم. اکنون به تراسست به این پرسش توجه کنیم که پژوهش و تحقیق چیست؟ آیا جست و جودر باره‌ی یک مفهوم مانند «سیاست، عدالت، انصاف و...» را در انترنت می‌توان تحقیق گفت؟ آیا مطالعات روزمراهی افراد در زمینه‌های گوناگون تحقیق گفته می‌شود؟ آیا هر فعالیت فکری را می‌توان تحقیق گفت؟ آیا به هر جست و جوگری می‌توانیم تحقیق بگویم؟

تحقیق به معنای عام حقیقت‌یابی‌ای است که لازمه‌ی آن جست و جوگری است؛ جست و جو برای رفع یک ابهام، برای فهم یک پدیده و مفهوم، برای پی بردن به چگونگی یا علت وقوع یک حادثه و... همه‌ی مردم روزانه با این موارد سروکار دارند و کم یا زیاد به چنین اموری می‌اندیشند.

چنین جست و جوگری ویژگی و خصوصیت عام انسان است. یعنی انسان به صورت طبیعی موجودی جست و جوگراست. همین جست و جوگری انسان است که انسان به تمدن نسبتاً پیش‌رفته‌ای دست یافته است. اما این جست و جوگری‌ها را نمی‌توان تحقیق به معنای خاص و علمی آن دانست و به این گونه افراد که شامل حال همه‌ی انسان‌ها می‌شود نمی‌توان محقق، دانش‌مند و پژوهش‌گر گفت.

حقیقت‌یابی به معنای عام و حقیقت‌یابی به معنای خاص که در تحقیق

و پژوهش‌گری مطرح است، تفاوت می‌کند. بنابراین حقیقت‌یابی به معنای خاص که تحقیق باشد، نیازمند دانش، روش و پشت‌کار است.

با ارایه‌ی چند تعریف از تحقیق و پژوهش می‌توان به ویژگی تحقیق پی برد. اگرچه از تحقیق تعریف‌های زیاد ارایه شده است که به نوعی باهم شبیه‌اند. در این جا سه تعریف از تحقیق ارایه می‌شود تا با این دو تعریف بتوان جنبه‌ها و ویژگی‌های تحقیق را بررسی کرد.

«پژوهش، تجزیه و تحلیل نظام‌مند اطلاعات برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های علمی است؛ به طوری که به نوآوری بانجامد.»

«تحقیق فرایندی ست برنامه‌ریزی شده، هوشیارانه، نظام‌مند و قابل اعتماد برای یافتن حقایق یا فهم عمیق مسایل.»

«بررسی علمی و نظام‌یافته‌ی پدیده‌های مختلف جهان با اعتبار و پشت‌وانه‌ی نظری و با هدف پاسخ‌گویی به یک یا چند مساله یا دست‌یابی به راه‌حل یک یا چند مشکل.»

واژگان کلیدی به‌کاررفته در این دو تعریف، ویژگی‌های پژوهش علمی را بیان می‌کند. به بررسی واژگان کلیدی تعریف نخست پرداخته می‌شود:

تجزیه و تحلیل: تجزیه و تحلیل وظیفه‌ی اصلی پژوهش‌گراست. نخست داده‌ها و اطلاعات را در باره‌ی موضوعی مورد پژوهش گردآوری می‌کند؛ این اطلاعات را تجزیه و تحلیل می‌کند؛ با تجزیه و تحلیل این اطلاعات، درست و نادرست را بنابه شواهد و دلایل تشخیص می‌دهد؛ بعد برای گشودن گره‌های تحقیق از اطلاعات درست و معنادار استفاده می‌کند تا پاسخ مناسبی برای پرسش‌های تحقیق ارایه کند.

نظام‌مند: تعبیر نظام‌مند به این معنا است که تحقیق دارای اصول، قاعده و قواعد و روش است. بنابراین پژوهش‌گر باید از آغاز تا پایان به روش تحقیق پای‌بند باشد. زیرا روش و کاری روش‌مند است که تحقیق را به نتیجه می‌رساند، اگر تحقیق از روش برخوردار نباشد، نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت.

اطلاعات: اطلاعات مواد و مواردی است که پژوهش‌گر برای موضوع تحقیق گردآوری کرده است. ممکن یک پژوهش‌گر برای موضوعی، هزار مورد را یادداشت برداری کرده باشد. اما این موارد را بررسی می‌کند و از بین همه‌ی اطلاعاتی که یادداشت برداری کرده است، پنج صد مورد آن برای موضوع تحقیق معنادار و مهم است؛ پنج صد مورد دیگر، برای موضوع تحقیق بنابه بررسی پژوهش‌گرزاید و اضافی است که در تحقیق از آنها استفاده نمی‌شود. بنابراین لازم نیست که هرچه اطلاعات در باره‌ی موضوعی پیدا کردیم، در تحقیق خویش بگنجانیم؛ باید دانش و فهم پالایش اطلاعات را داشته باشیم.

پرسش علمی: اساس هر پژوهشی پرسش علمی است. هر تحقیق علمی‌ای به اساس پرسش علمی شکل می‌گیرد. پرسش علمی سوالی است که تا هنوز به آن پاسخ داده نشده است، یا پاسخ‌های موجود در باره‌ی آن کافی نیست. بنابراین هر تحقیق باید برای پاسخ‌گویی به پرسش علمی شکل گرفته باشد؛ در غیر آن تحقیق علمی نخواهد بود.

نوآوری: نوآوری مهم‌ترین خصوصیت پژوهش علمی است. نوآوری ارتباط می‌گیرد به تحقیقات قبلی‌ای که در باره‌ی موضوع و مساله‌ای صورت گرفته است. پژوهش‌گر باید پیشینه‌ی تحقیق در باره‌ی مساله و موضوعی مورد تحقیق‌اش را بداند تا کار دیگران یا کاری را که دیگران پیش از او انجام داده است، انجام ندهد. در ادامه‌ی تحقیقاتی که در باره‌ی موضوع انجام یافته است، تحقیق کند و تحقیقات را به مسیر تازه یا به جلوه‌هایت کند تا آیندگان در ادامه‌ی تحقیق او تحقیق کنند.

نوآوری در پژوهش فقط به این معنا نیست که پژوهش‌گر موضوع یا مساله‌ی تازه‌ای را کاویده باشد. نوآوری عرصه‌های مختلفی دارد؛ از جمله بهبود روش‌ها و رویکردها، ارایه‌ی دیدگاه‌های نو، طبقه‌بندی‌های تازه، کشف یا تولید ابزارهای پژوهشی جدید و الگوهای بدیع و نظریه‌های نو... .

نتیجه‌ی تحقیق به تولید علم می‌انجامد. بنابراین به تراست بدانیم علم

چیست؟ زیرا با شناخت چيستی علم است که می توان گفت تحقیق درست بوده، روش علمی و پیامد علمی داشته است. «علم دانستنی های قابل سنجش، قابل استدلال و قابل اثبات به اساس روش های معتبر و قابل آزمون در باره ی پدیده ها و مفاهیم و روابط بین پدیده ها و مفاهیم است.»

تحقیق (مساله سازی مشکل)

تحقیق به درک مشکل ارتباط دارد. یعنی محقق یا پژوهش گردانش و توانایی درک مشکل را در باره ی موضوعی داشته باشد. زیرا در صورتی که درکی از مشکل وجود نداشته باشد، تحقیق نمی تواند آغاز شود. نخست پژوهش گری باید بتواند مشکلی را درک کند، بعد این مشکل به مساله و سوال تبدیل کند، پس از مساله سازی مشکل، طبق نظریه یا نظریه هایی، فرضیه هایی را برای حل مساله و پاسخ گویی به سوال در نظر بگیرد که این فرضیه ها بتوانند مساله را مورد آزمون قرار بدهند. در مساله سازی مهم این است که مساله قابل سنجش، مقایسه، ارزیابی و بررسی باشد. در غیر آن نمی توان هر سوال و مساله ای را سوال و مساله ای علمی دانست. به طور مثال یک شخص برمی خیزد، چند قدم برمی دارد اما به زمین می افتد. در این زمین افتادن شخص مشکلی وجود دارد که می تواند به صورت چند مساله مطرح شود: یک، پیش پای شخص موانعی بوده که پایش به موانع برخورد کرده و به زمین افتاده است؛ این موانع می تواند برآمدگی گوشه ای از فرش باشد یا چیزی؟ دو، شاید شخص بیماری مفصل داشته و این بیماری سبب شده که به زمین بافتد؟ سه، فشار بلند یا پایین، یا تکلیف قلب داشته است؟

....و

تحقیق از اتفاق این مشکل می تواند آغاز شود، اما برای این که تحقیق ما نتیجه بدهد، روش یا شیوه ی شناخت درستی را برای درک و تشخیص مساله در نظر بگیریم. اگر مساله را تشخیص ندهیم و شناسیم، تحقیق ما نتیجه ی مطلوبی نخواهد داشت. بنابراین محقق برای روش حل مساله فکر می کند تا

مساله را با انتخاب چگونه ابزار و روشی حل کند. پس از انتخاب روش حل مساله، تحقیق آغاز می‌شود.

ریچارد داوکینز در گفت و گویی که با استفن هاوکینگ دارد، می‌گوید علم با «سوال» توسعه و پیش‌رفت می‌کند نه با سرمایه‌گذاری. زیرا پیش از سرمایه‌گذاری و هزینه برای علم باید روحیه‌ی پرسش‌گری را تقویت کرد، بعد برای پاسخ به پرسش‌گری هزینه و سرمایه‌گذاری کرد. بنابراین درک مساله و طرح سوال، آشکارترین نقطه‌ی آغاز یک تحقیق است.

مساله را می‌توان این‌گونه تعریف کرد:

«مساله عبارت از ابهامی است که بین معرفت از واقعیت و حقیقتی به وجود می‌آید. یعنی معرفتی که ما از واقعیت و حقیقتی داریم، دیگر آن معرفت با آن واقعیت و حقیقت سازگار نیست یا نمی‌تواند قناعت علمی و منطقی از واقعیت و حقیقت ارایه کند.»

«مساله بیان عالمانه‌ی ابهام، مجهول، مشکل یا معضلی است که توجه محقق را جلب کرده است.»

مشکل طوری باید به مساله تبدیل شود که قابل سنجش و نیازمند به پاسخی روش‌مند باشد. یعنی این‌که سوال و مساله باید روش‌مند و آزمون‌پذیر طرح شود. مساله نقطه‌ی صفر یا آغاز پژوهش است. زیرا پژوهش با مساله آغاز می‌شود. به طور کلی هیچ پژوهشی نمی‌تواند بدون مساله آغاز شود.

بنابه ابهامی که بین معرفت موجود از واقعیت و حقیقتی ایجاد شده است؛ این جاست که مساله به وجود می‌آید و معرفت موجود دچار چالش و سوال‌برانگیز می‌شود. بنابراین پژوهش‌گر با درک مساله به تحقیق می‌پردازد و معرفت تازه‌ای را که بتواند رابطه‌ی واقعیت و حقیقت را از نو تعریف کند، ارایه می‌کند.

تحقیق (حل مساله)

محقق و پژوهش‌گر پس از درک مساله و انتخاب روش حل مساله به تحقیق

فصل نخست: آن‌چه که پیش از تحقیق بدانیم | ۱۱۷

می‌پردازد. بنابراین تحقیق نیازمند روش و اتخاذ روش درست است. محقق پس از انتخاب روش آغاز به تحقیق می‌کند. تحقیق به دور مساله می‌چرخد و می‌خواهد مساله را حل کند. حل مساله از اهداف اساسی تحقیق است. زیرا طوری که تحقیق با درک مساله آغاز می‌شود، با رفع مساله یا ارایه‌ی راه حل برای رفع مساله پایان می‌یابد.

محقق این را باید در نظر داشته باشد که مساله چیست و چگونه باید برای حل مساله پاسخ ارایه کند. از این نظر، چنان‌که برای آغاز هر تحقیقی درک مساله مهم است؛ اما برای ادامه و پایان تحقیق حل مساله نیز مهم است. زیرا تحقیق فرایندی است که می‌خواهد به طور سیستماتیک و نظام‌مند، مساله‌ای را حل کند. اگر تحقیق به حل مساله‌ای منتج نشود، نمی‌توان به آن تحقیق گفت.

در روزگار معاصر، مساله رکن اصلی هر تحقیق و پژوهش علمی‌ای به شمار می‌رود و اهمیت هر تحقیق تا اندازه زیادی به نوع مساله تحقیق و چگونگی حل آن با استفاده از پژوهش روش‌مند وابسته است. با این‌همه تحقیقات آموزش محور و موضوع محور نیز داریم که هدف چنین تحقیق‌های اطلاع‌رسانی و ترویج یافته‌های علمی است. بنابراین کارکرد اصلی تحقیق‌های آموزش محور پخش و نشر علم است نه تولید علم.

اما تحقیق مساله محور بیان‌کننده‌ی موانعی است که بر سر راه فهم یک پدیده یا کاربرد یک ایده وجود دارد. بنابراین تحقیق‌های مساله محور به مساله‌ها پاسخ می‌دهد و نیازهای علمی‌ای که هنوز رفع نشده‌اند، آن نیازها را رفع می‌کند که این نیازها می‌توانند حقوقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... باشند. تحقیق مساله محور با حل مسایل علمی به نوآوری در علم و به تولید علم می‌پردازد.

اهمیت یادگیری روش تحقیق

روش شیوه‌ی فرایند حرکت در مسیر را می‌گویند که این حرکت به نتیجه‌ای منجر شود، یعنی حرکت‌کننده را به مقصد برساند. اگر تحقیق را رسیدن به یک

هدف یا مقصد بدانیم؛ بنابراین روش را چگونگی رسیدن به مقصد می‌دانیم. بسیار مثال ساده: یک فرد می‌خواهد مزار برود و در کنفرانس بین‌المللی حقوق کودک اشتراک کند. اشتراک در کنفرانس بین‌المللی حقوق کودک، مقصد یا هدف است. اما رسیدن به مقصد یا هدف، نیازمند روش است. روش استفاده از ابزار و وسایل و چگونگی استفاده از این ابزار و وسایل است تا ما را به مقصد برساند.

مسئله این جا این است که شخص چگونه به مزار برسد؟ روش به مساله، که چگونه رسیدن به مقصد باشد، پاسخ می‌دهد. یعنی اگر روش درست را انتخاب کنیم یا از بهترین روش استفاده کنیم، مساله چگونه رسیدن حل می‌شود و به مقصد می‌رسیم.

چند روش برای رسیدن به مزار وجود دارد: یک، روش بسیار سنتی، یعنی رفتن با پا؛ دو، روش نسبتاً مدرن، یعنی رفتن با موتور؛ سه، روش مدرن‌تر، یعنی رفتن با هواپیما. هر روشی به ابزار و وسایل نیاز دارد. روش رفتن با پا، به ابزار نیاز ندارد اما محدودیت خود را دارد که دیر رسیدن است. روش رفتن با موتور، نیاز به ابزار و استفاده از این ابزار را دارد. روش رفتن با هواپیما نیاز به ابزار و استفاده از این ابزار را دارد.

بنابراین هر روشی چگونگی استفاده از ابزار را می‌طلبد. باید محقق با درک مساله و موضوع تحقیق اش دست به انتخاب روش بزند. یعنی با تفاوت رشته‌های علمی، روش تحقیق تفاوت می‌کند. به طور مثال روش تحقیق از علوم ساینسی تا علوم اجتماعی فرق می‌کند.

اگر بخواهیم در باره‌ی بیماری یک گیاه تحقیق کنیم، شاید روش آزمایش‌گاهی به‌تر نتیجه بدهد، اما اگر در باره‌ی تفاوت انصاف و عدالت در ادیان تحقیق کنیم، شاید روش کتاب‌خانه‌ای نتیجه‌ی به‌تری بدهد. بنابراین روش‌گرایی در تحقیق از اهمیت خاصی برخوردار است.

در گذشته‌ها تفاوت رشته‌ها به اساس تفاوت موضوع و هدف آنها شناخته

می‌شد اما امروز بیش‌تر، تفاوت روش‌ها را معیار و میزان تفاوت رشته‌ها می‌دانند. دانش‌مندان به این برداشت‌اند که هیچ رشته‌ی علمی‌ای بدون روش نیست و توسعه و پیش‌رفت آن علم بسته به انتخاب درست روش تحقیق در آن رشته‌ی علمی است.

روش تحقیق و یادگیری روش‌های تحقیق در هر رشته‌ای بیش‌تر از نبوغ پژوهش‌گرا اهمیت دارد. اگر یک پژوهش‌گزار روش‌های تحقیق آگاهی داشته باشد و در به کارگیری روش‌های تحقیق توانایی و مهارت داشته باشد؛ چگونگی استفاده از روش تحقیق، پژوهش‌گر را به مسیر مطمینی در تحقیق هدایت می‌کند و پژوهش‌گر می‌تواند به مساله و سوال‌های تحقیق پاسخ بدهد و سریع‌تر به نتیجه‌ی درستی دست یابد. یافته‌های تحقیق‌اش نیز برای همه می‌تواند قابل اعتماد باشد؛ زیرا روش می‌تواند قابل ارزیابی و بررسی باشد، با بررسی روش تحقیق او می‌توان به درستی و نادرستی یافته‌های تحقیق‌اش پی برد.

اما یافته‌های (گویا تحقیقی) تحقیقی‌ای که روش تحقیق در آن مشخص نیست، نمی‌توان قبول کرد و حتا نمی‌توان درستی و نادرستی آن یافته‌ها را بررسی کرد. برای این‌که روش نداشتند که روش آنها بررسی شوند. بنابراین روش تحقیق در تحقیق از اهمیت خاص و فوق‌العاده‌ای برخوردار است. حتا می‌توان گفت که تحقیق بدون روش، ناممکن است و اعتبار علمی ندارد.

«روش تحقیق مجموعه‌ای از شیوه‌ها و تدابیری است که برای یافتن پاسخ‌های درست به پرسش‌های علمی و دست‌یافتن به حقیقت در علوم به کار گرفته می‌شود. این مجموعه شامل کسب مهارت‌های لازم برای استفاده‌ی ابزارهای تحقیق نیز است تا نتیجه به دست بیاید و به هدف برسیم.»

«روش تحقیق مجموعه‌ای از قواعد، ابزار و راه‌های معتبر (قابل اطمینان) و نظام‌یافته برای بررسی واقعیت‌ها، کشف مجهولات و دست‌یابی به راه‌حل مشکلات است.»

چنان‌که عرض شد شیوه‌های تحقیق در علوم تفاوت می‌کند. دانش‌مندان

رشته‌های علمی بنابه تشخیص رشته و درک مساله، روش تحقیق را انتخاب می‌کنند. روش تحقیق شامل مجموعه‌ای از راه‌کارها و ابزارها است. اما یکی از این راه‌کارها که معمولاً پژوهش‌گران حتماً با آن درگیر می‌شوند، چگونگی روش گردآوری اطلاعات در باره‌ی موضوع تحقیق است.

در کل روش تحقیق شامل سه بخش می‌شود که چگونگی روش گردآوری اطلاعات، چگونگی روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و چگونگی استفاده از ابزارها، شامل استفاده از نرم‌ابزارها و اپلیکیشن‌های کمپیوتری و اینترنتی نیز می‌شود که امروز در روش تحقیق یادگیری آن دارد. به چگونگی روش گردآوری اطلاعات در این فصل و به چگونگی روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در فصل «آشنایی با اصطلاحات تحقیق» اشاره شده است.

چگونگی شیوه‌ی گردآوری اطلاعات در هر رشته‌ی علمی می‌تواند تفاوت کند، در ضمن این‌که نوعیت تحقیق چیست، چگونگی روش گردآوری اطلاعات نیز تفاوت می‌کند. در این جا چند نوع روش گردآوری اطلاعات، که بیش‌تر جنبه‌ی عمومی دارد به صورت فشرده معرفی می‌شود.

نوع تحقیق از نظر چگونگی روش گردآوری اطلاعات

تحقیق کتاب‌خانه‌ای (اسنادی)، میدانی، آزمایشی و... نسبتاً چگونگی روش گردآوری اطلاعات ویژه به خود را دارند. طوری که روش گردآوری اطلاعات تفاوت می‌کند، روش الگوهای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز تفاوت می‌کند. گردآوری اطلاعات از طریق مشاهده: گردآوری اطلاعات به اساس مشاهده به این معنا است که پژوهش‌گر می‌خواهد بیننده‌ی رویدادهای موضوع تحقیق باشد و به اساس مشاهده‌ی خود رویدادها و متغیرها را تحلیل و بررسی کند. مشاهده معمولاً به چند روش صورت می‌گیرد که مشاهده‌ی ساده، فعال، هم‌راه با مشارکت و بدون حضور مشخص است.

فصل نخست: آنچه که پیش از تحقیق بدانیم | ۱۲۱

در مشاهده‌ی ساده، پژوهش‌گر بدون هیچ دخالتی به ثبت اطلاعات موضوع تحقیق می‌پردازد. مشاهده‌ی فعال به این معنا است که پژوهش‌گر موضوع تحقیق را تحت تاثیر قرار می‌دهد، بنابه این تاثیرگذاری، چگونگی عمل‌کرد موضوع تحقیق را ثبت و اطلاعات را گردآوری می‌کند. مشاهده‌ی هم‌راه با مشارکت به این معنا است که پژوهش‌گر با اجتماع مورد تحقیق وارد فعالیت و عمل هم‌دلانه و... می‌شود. به اساس مشارکت در فعالیت و عمل با اجتماع مورد تحقیق، اطلاعات را ثبت و گردآوری می‌کند. مشاهده‌ی بدون حضور مشخص به این معنا است که پژوهش‌گر خود را پژوهش‌گر معرفی نمی‌کند. از ابزار ویژه‌ای برای گردآوری اطلاعات استفاده می‌کند تا هیچ‌گونه جلب توجه‌ای نکند و اجتماع مورد تحقیق نداند که رفتار و عمل‌کرد آنها ثبت می‌شود. این گونه مشاهده، بیش‌تر طوری است که برای ثبت رویدادها و رفتارها از دوربین مخفی استفاده شود.

گردآوری اطلاعات کتاب‌خانه‌ای: در روش گردآوری اطلاعات کتاب‌خانه‌ای سند مکتوب بررسی می‌شود. از نام این روش معلوم است که اطلاعات باید از سر زدن به کتاب‌خانه‌ها و از مطالعه‌ی کتاب‌ها به دست آید. در این روش مهم این است که کتاب‌های منبع و دست‌اول در باره‌ی موضوع تحقیق شناخته شود. سپس اطلاعات با روش خاصی از این کتاب‌ها در فیش‌ها یادداشت برداری شود.

گردآوری اطلاعات از طریق آزمایش: گردآوری اطلاعات در این روش به اساس آزمایش صورت می‌گیرد. معمولاً آزمایش در شرایط کامل طبیعی، در شرایط کنترل شده و داخل اجتماع صورت می‌گیرد.

در آزمایش شرایط طبیعی عمل‌کرد یک گیاه در بستر طبیعی آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد و اطلاعات موضوع تحقیق ثبت می‌شود. در آزمایش شرایط کنترل شده، عمل‌کرد پدیده‌های موضوع پژوهش در یک شرایط آزمایش‌گاهی تحت کنترل قرار می‌گیرد. به اساس نظارت و کنترل عمل‌کرد پدیده و موضوع تحقیق

ثبت می‌شود. پژوهش‌گرد در آزمایش داخل اجتماع به این نظر است که اغلب متغیرها و پدیده‌های اجتماعی در داخل اجتماع عادی و معمول، معنادار هستند. پژوهش‌گریک یا چند عامل را برای افراد، گروه‌ها یا واحدهای تحت آزمون در درون اجتماع تغییر می‌دهد، بعد آثار این تغییر را ثبت و بررسی می‌کند. گردآوری اطلاعات از طریق پرسش‌نامه: پرسش‌نامه دارای مجموعه‌ای از پرسش‌های کتبی است که پاسخ‌گوبه آنها کتبی پاسخ می‌دهد. در پرسش‌نامه‌ها معمولاً پرسش‌هایی در باره‌ی نظریه، رفتار و طرز تفکر افراد مطرح می‌شود. سوال‌های پرسش‌نامه‌ها به شکل باز یا بسته مطرح می‌شود. پژوهش‌گرد در پرسش‌های بسته، پاسخ‌ها را از قبل مشخص کرده است. پاسخ‌گواز بین چند پاسخ یکی را انتخاب می‌کند. در پرسش‌های باز، پاسخ از قبل تهیه نشده است. پاسخ‌گو طبق نظر خود پاسخ مناسب را ارایه می‌کند.

گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه: گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه در عرصه‌های متفاوتی کاربرد دارد. رسانه‌ها معمولاً از طریق مصاحبه اطلاعاتی را جمع‌آوری و نشر می‌کنند که نشر این اطلاعات بردیدگاه جامعه تاثیر می‌گذارد. اما گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه برای پژوهش و گزارش‌های پژوهشی از مصاحبه‌های معمولی تلویزیونی و میزگردها نسبتاً تفاوت می‌کند. زیرا پژوهش‌گرد در مصاحبه‌های پژوهشی ناگزیر به الگوسازی، دسته‌بندی و... است.

در گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه مهم این است که مصاحبه‌گرد (پژوهش‌گر) با چه انگیزه و تدبیری می‌تواند از افراد مورد مصاحبه پاسخ‌های مورد نیاز را تهیه کند. زیرا در صورتی که افراد مصاحبه‌شونده در شرایط حساس و... قرار بگیرند، ممکن طوری پاسخ بدهند که برای گردآوری اطلاعات مفید نباشد. خوبی گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه در این است که با هر فرد و گروهی (کودک، دختر، پسر، زن، مرد، تحصیل کرده، بی‌سواد، دانش‌مند، سیاست‌مدار و...) می‌توان مصاحبه کرد.

گردآوری اطلاعات از طریق روش آماری: گردآوری اطلاعات از طریق روش آماری

فصل نخست: آنچه که پیش از تحقیق بدانیم | ۱۲۳

بیش تر برای گردآوری اطلاعاتی مفید است که ارقام، آمار و عدد استند. یعنی منظور پژوهش گر گردآوری شمار، اندازه و کمیت موضوع تحقیق است. مثلا پژوهش گر در اجتماع هفتاد ساله های مرد پژوهش می کند که از هزار مرد هفتاد ساله، چند آنها دچار بیماری پروستات شده اند.

این که پژوهش گر انتخاب می کند از چه طریق و روشی اطلاعات موضوع تحقیق را گردآوری کند، به چگونگی موضوع تحقیق ارتباط می گیرد. زیرا چگونگی موضوع تحقیق بر چگونگی روش گردآوری اطلاعات تاثیرگذار است. اگر بخواهیم تکرار یک واژه را در یک کتاب بررسی کنیم، روش گردآوری اطلاعات آماری به تر است. اگر بخواهیم نظرافلاتون و کانت را در باره ی عدالت بدانیم، به گردآوری اطلاعات کتاب خانه ای و مصاحبه با کارشناسان در رشته ی فلسفه نیاز داریم.

طوری که چگونگی انتخاب موضوع بر چگونگی گردآوری اطلاعات تاثیر می گذارد؛ چگونگی گردآوری اطلاعات بر چگونگی تجزیه، تحلیل و بررسی اطلاعات می تواند تاثیر بگذارد. زیرا هر روشی گردآوری اطلاعات، الگوهای تجزیه، تحلیل و بررسی مخصوص به خود را می خواهد.

گردآوری اطلاعات در علوم اجتماعی بیش تر به اساس روش گردآوری اطلاعات کتاب خانه ای، مصاحبه و پرسش نامه صورت می گیرد.

نیاز به تاکید است که روش های گردآوری اطلاعات و روش های تجزیه و تحلیل اطلاعات خوبی ها و محدودیت های خود را دارند. تاکید بر این که این روش گردآوری اطلاعات یا این روش تجزیه و تحلیل اطلاعات دقیق ترین است، درست نیست.

پژوهش گر با در نظر گیری مناسبات روش گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل اطلاعات به موضوع تحقیق و سایر فرصت ها، خوبی ها و محدودیت های تحقیق تصمیم می گیرد که با چه روشی اطلاعات را گردآوری و با چه روشی اطلاعات را تجزیه و تحلیل کند.

انواع پژوهش به اساس هدف

پژوهش‌گران پژوهش را به اساس هدف شامل چندین نوع دانسته‌اند، اما در کل هدف از پژوهش را می‌توان به تحقیق بنیادی، تحقیق کاربردی و تحقیق توسعه‌ای دسته‌بندی کرد.

تحقیق بنیادی: شامل پژوهش‌های اصیل و بدیعی می‌شود که به منظور افزایش اندوخته‌های علمی و درک بهتر پدیده‌های طبیعی، انسانی، اجتماعی و فرهنگی صورت می‌گیرد. پژوهش‌های بنیادی دو دسته‌اند:

۱- برای ارضای کنجکاوی پژوهش‌گران صورت می‌گیرد.

۲- هدف راهبردی دارد و برای حل مساله‌های درازمدت صورت می‌گیرد.

تحقیق بنیادی به اساس روش تحلیل به دو دسته دسته‌بندی می‌شود:

بنیادی تجربی و بنیادی نظری.

تحقیق بنیادی تجربی تحقیقی است که داده‌ها و اطلاعات اولیه با استفاده از روش‌های آزمایش، مشاهده، مصاحبه و... گردآوری می‌شوند و با استفاده از روش‌ها و تکنیک‌های آماری و معیارهای پذیرفته‌شده مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

تحقیق بنیادی نظری تحقیقی است که داده‌ها و اطلاعات اولیه به روش کتاب‌خانه‌ای گردآوری می‌شوند و با استفاده از روش‌های استدلال مورد تجزیه و تحلیل عقلانی قرار می‌گیرند.

تحقیق کاربردی: به پژوهش‌های گفته می‌شود که به نیازهای میان‌مدت و کوتاه‌مدت توجه دارند و هدف آنها تولید مواد و روش‌های جدید برای بهبود مواد علمی است. مثلاً آزمون کارایی نظریه‌های حقوقی در قوانین کشورها یا در قوانین افغانستان یا شناخت عواملی که سبب کم‌کاری در یک سازمان می‌شود.

تحقیق توسعه‌ای: به پژوهش‌های گفته می‌شود که به نیازهای فوری توجه دارند و هدف آنها کسب دانش علمی و فنی جدیدی است که برای آن کاربرد ویژه‌ای در نظر گرفته می‌شود. مثل پژوهش‌هایی درباره‌ی چگونگی تغییر برداشت افراد

فصل نخست: آن‌چه که پیش از تحقیق بدانیم | ۱۲۵

یک جامعه یا مردان یک جامعه در باره‌ی جنسیت و... درکل تحقیق توسعه‌ای در پی ارایه‌ی الگوها و روش‌های است که بتوانند موجب بهبود ساختارها و خدمات اجتماعی و فرهنگی و توسعه و افزایش کالاها و تولیدات در جامعه‌ای شوند.

تحقیق عملی: به پژوهش‌های گفته می‌شود که مساله و مشکل محلی‌ای را حل کند. این تحقیق برای این عملی گفته می‌شود که نتایج آن به صورت مستقیم برای حل مساله‌ای به کار گرفته می‌شود. تحقیق عملی ویژگی و خصلت محلی و موقعیتی دارد؛ نتایج آن عمومیت ندارد و چندان تعمیم‌پذیر نیست. مثلاً تحقیقی در باره‌ی یک معضل اجتماعی و فرهنگی خاص در بین یک گروه در محل خاصی و در موقعیت زمانی خاصی صورت می‌گیرد. این معضل شرایط ویژه به خود را دارد. حل مساله‌ی این معضل مشخصاً برای معضل اجتماعی و فرهنگی گروهی کاربرد دارد که تحقیق برای معضل آن گروه صورت گرفته است.

فصل دوم (آشنایی با اصطلاحات تحقیق)

مقدمه

این فصل به معرفی اصطلاحات علمی تحقیق پرداخته است. زیرا شناخت این اصطلاحات به دانش جوو محقق کمک می‌کند که با ادبیات اصطلاحات تحقیق آشنا شود و بتواند در گردآوری اطلاعات به ویژه در تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق از اصطلاحات و ادبیات تحقیق به خوبی استفاده کند. به صورت گذرا اصطلاحات تحقیق در این فصل معرفی شده است. علاقه‌مندان به این مباحث (که بیش‌تر جنبه‌ی منطقی دارند) می‌توانند در کتاب‌های منطق و روش تحقیق این مباحث را بیش‌تر و دقیق‌تر دنبال کنند.

اهداف کلی

هدف از آرایه‌ی این فصل:

- ۱- دانش‌جویان با اصطلاحات علمی تحقیق آشنا می‌شوند.
- ۲- می‌دانند که تحقیق و هر رشته‌ی علمی‌ای، اصطلاحات علمی خود را دارد.
- ۳- برای این‌که بتوانند به یک موضوع پردازند، باید شیوه‌ی تحلیل، استدلال، استنباط و... می‌دانند.
- ۴- با آشنایی اصطلاحات علمی بتوانند تحلیل علمی و منطقی را از سخنان

عادی و... تفکیک می‌کنند.

اهداف رفتاری (عملی)

از دانش‌جویان گرامی انتظار می‌رود پس از مطالعه‌ی این فصل این موارد را بدانند:

- ۱- آشنایی با اصطلاحات علمی تحقیق در نگارش تحقیق چه اهمیت دارد؟
- ۲- نظریه چیست؟
- ۳- تحلیل چیست؟
- ۴- استدلال چیست؟
- ۵- تعریف چیست؟
- ۶- تصدیق چیست؟

اهمیت آشنایی با اصطلاحات تحقیق

هر رشته‌ی علمی ای اصطلاحات نسبتاً ویژه به خود را دارد که برای پژوهش‌گر مهم است تا با آن اصطلاحات آشنا شود؛ در غیر آن نمی‌تواند شناخت علمی‌ای از آن رشته داشته باشد. یک اصطلاح از یک رشته تا رشته‌ی دیگر علمی تفاوت می‌کند.

طور مثال، اصطلاح «نقد» را در نظر می‌گیریم. این اصطلاح در ادبیات تعریفی مخصوص به خود را دارد، در سیاست و در جامعه‌شناسی تعریف خود را دارد. اصطلاح «سازمان» را در نظر بگیریم. این اصطلاح در سیاست و حقوق، تعریف متفاوتی دارد. در حقوق، معنای سازمان یعنی یک شخصیت حقوقی، اما در سیاست به مفهوم یک نهاد سیاسی تعریف می‌شود. در جامعه‌شناسی به عنوان واحدهای اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که شامل فرد، خانواده، انجمن، سازمان و دولت می‌شود. در حالی که فرد، خانواده و... در حقوق، تعریفی مخصوص به خود را دارد.

تحقیق رشته‌ی علمی‌ای میان رشته‌ای است. یعنی با همه‌ی رشته‌های علمی در ارتباط است و در توسعه و پیش‌رفت هر رشته‌ی علمی‌ای کاربرد دارد. تحقیق مانند هر رشته‌ی علمی‌ای اصطلاحات علمی خود را دارد که این اصطلاحات به معنای خاص اصطلاحات علم است. منظور از علم در این جا، یعنی دید علمی داشتن به موضوع و مسایل یا به رشته‌ها است.

دید علمی چیزی نیست جز روش؛ روش‌هایی که به ما کمک می‌کنند در باره‌ی موضوع و مسایل در هر رشته‌ای تحقیق کنیم. همان سخن نیچه است که می‌گوید: «سرانجام بصیرت‌ها فرا می‌رسند، اما بصیرت‌ها روش‌ها استند.» بنابراین اگر در جادو و... بصیرت، غیب‌دانی و... مطرح است، اما در علم غیر از روش هیچ بصیرت دیگری مطرح نیست که سبب پیش‌بینی یا پیش‌گویی در باره‌ی مساله و موضوعی شود. علم با روش‌ها موضوع و مسایل را نسبتاً پیش‌بینی می‌کند و راه‌حل‌هایی برای وقوع حوادث و رفع مسایل مطرح می‌کند.

رشته‌ای بنام فلسفه‌ی علم در روزگار معاصر مطرح است که دانش‌مندان نام‌آوری در این رشته، نظریه‌پردازی کرده، روش‌های علمی و غیر علمی را مطرح می‌کنند. راسل، کارل پوپر، تامس کوهن و... از این جمله‌اند. بنابراین برای هر دانش‌مند و پژوهش‌گری در هر رشته‌ای لازم است تا شناختی از دید علمی و روش‌های علمی داشته باشد. بی‌شناخت روش‌های علمی، تحقیق در هیچ رشته‌ای ممکن نیست.

روش تحقیق دید علمی و برخورد علمی را در باره‌ی مسایل و موضوع‌ها از فلسفه‌ی علم می‌گیرد. بنابراین اصطلاحات فلسفه‌ی علم در روش تحقیق کاربرد دارد. آشنایی با اصطلاحات علم، تحقیق و روش تحقیق به پژوهش‌گر این امکان را می‌بخشد که منطقی برخورد علمی نسبت به قضایا، مسایل و موضوعات داشته باشد.

از این نظر برای هر فرد تحصیل‌کرده‌ای در هر رشته‌ای لازم است که اصطلاحات علم، تحقیق و روش تحقیق را بداند. دانستن اصطلاحات علمی

و روش تحقیق به فرد تحصیل کرده کمک می‌کند که در هنگام سخن گفتن در باره‌ی موضوع یا مساله‌ای یا در هنگام نوشتن موضوعی، ایده و منظورش را به صورت منطقی و مستدل مطرح کند.

در صورتی که فرد تحصیل کرده با اصطلاحات علمی و روش تحقیق آشنایی نداشته باشد، ایده و منظورش را منطقی، مستدل و تحلیلی مطرح نخواهد توانست؛ چرا که با بیان سطحی و مبهم منظورش را مطرح خواهد کرد. بنابه این اهمیت، اصطلاحات علمی و روش تحقیق به معرفی گرفته می‌شود که دانش‌جویان با آشنایی این اصطلاحات، دید علمی خود را در باره‌ی درک و تحلیل موضوع و مسایل تقویت کنند.

نظریه (تیوری): واژه‌ی تیوری ریشه‌ی یونانی دارد. «تیو» به معنای خدا است. معنای واژه‌ی تیوری اندیشیدن در باره‌ی خداوند و شناخت خداوند می‌باشد. نظریه (تیوری) در مفهوم امروزی اش عبارت از «ملاحظه، بررسی و پژوهش» است.

از نظر اصطلاحی این دو تعریف را می‌توان برای نظریه ارایه کرد:

«نظریه دیدگاه عمومی‌ای است که رابطه‌ی پدیده‌ها و مفاهیم را توضیح می‌دهد.»

«نظریه بیان منسجم و نظام‌یافته مبتنی بر عقل و منطق است که برای تبیین واقعیت ارایه می‌شود.»

نظریه‌های متفاوت برای شناخت جهان وجود دارد که شامل نظریه‌های دینی، علمی و فلسفی می‌شوند. نظریه‌های دینی بر وحی، الهام، شهود و اشراق؛ نظریه‌های فلسفی بر عقل و منطق؛ نظریه‌های علمی بر تجربه، مشاهده، اثبات‌گرایی و ابطال‌پذیری استوارند. هر کدام این نظریه‌ها بر مبنای نظری خود، از جهان و زندگی، معرفت و شناخت ارایه می‌کنند.

در تحقیق بیش‌تر از نظریه‌ی علمی استفاده می‌شود. زیرا شناخت انسان محدود به حواس و تجربه‌ی انسان است. بنابراین انسان معمولی و انسان

دانش مند، شامل پیامبران نمی شوند، نمی توانند به جز از نظریه‌ی علمی و عقلی از جهان شناخت ارایه کنند.

نظریه‌ی علمی استوار بر مشاهده، تجربه، اثبات‌گرایی و ابطال‌پذیری است. دانش مند می‌تواند بنابه اعتماد بر حواس و عقل خویش از جهان و زندگی شناخت محدود ارایه کند. در روش تحقیق بیش تر از نظریه‌ی علمی استفاده می‌شود تا شناخت محدود و نسبتاً قابل تجربه‌ای از مسایل و موضوعات ارایه کند.

در روش تحقیق انتخاب نظریه بسیار مهم است؛ زیرا اگر روش تحقیق مبنای نظری نداشته باشد و پشت‌وانه‌ی نظری روش تحقیق معرفی نشود؛ تحقیق و روش تحقیق فاقد پشت‌وانه نظری می‌شود. بنابراین محقق در فقدان نظریه نمی‌تواند معرفت جامعی از چگونگی روابط متغیرها، پدیده‌ها و مفاهیم ارایه کند.

به طور نمونه اگر موضوع و مساله‌ای را از نظر حقوقی در قوانین افغانستان مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌دهید، برای این کار داشتن مبنای نظری مهم است؛ به این معنا که مبنای نظری شما برای این بررسی، کدام نظریه‌ی حقوقی است. پژوهش‌گران معمولاً در تحقیق مبنای نظری تحقیق را با استفاده از نظریه‌های موجود در علوم تدوین و معرفی می‌کنند. در ضمن پژوهش‌گران می‌توانند برای پژوهش خویش نظریه‌پردازی و نظریه‌سازی کنند؛ یعنی پژوهش‌گر برای تحقیق خویش چارچوب نظری تدوین کند.

تحقیق دارای فرایند علمی (کشف علمی) است. این فرایند در واقع استوار بر یک چارچوب نظری است. مساله، فرضیه، تحلیل منطقی و پاسخ به مساله شامل چارچوب نظری (فرایند علمی) تحقیق می‌شود. بنابراین پژوهش‌گر می‌تواند چارچوب نظری تحقیق را با روش علمی، عقلی، منطقی و مستدل تدوین کند که در تدوین این چارچوب نظری، اجزای چارچوب نظری تحقیق باید آزمون‌پذیر و قابل سنجش علمی و عقلی باشد.

فرضیه: «فرضیه عبارت از حدس خردمندانه‌ای است که در چارچوب یک

نظریه برای فهم پدیده‌ها مطرح می‌شود.» یا «فرضیه پاسخی بر مبنای نظریه یا نظریه‌های علمی است که احتمال می‌دهیم تحقیق برای مساله یا به عنوان راه حل مشکل ارایه کند.»

بنابراین تعریف‌ها می‌توان گفت فرضیه پاسخی است به پرسش و مساله‌ی اصلی تحقیق که پژوهش‌گر در آغاز تحقیق فرضیه‌ای را بر مبنای نظریه‌ی تحقیق، مطرح می‌کند. در جریان تحقیق می‌خواهد درستی یا نادرستی فرضیه‌ی تحقیق را اثبات کند.

به طور مثال، یک محقق در باره‌ی فساد اداری در ادارات افغانستان تحقیق می‌کند. این محقق بر مبنای نظری عقیده‌ی اسلامی، فرضیه‌ی تحقیق‌اش را این گونه مطرح می‌کند: «کسانی که در ادارات افغانستان فساد انجام می‌دهند؛ کم عقیده به آموزه‌های دین اسلام هستند.» اما محقق دیگر بر مبنای نظریه‌ی جامعه‌شناسی فرضیه‌ی تحقیق‌اش را این گونه مطرح می‌کند: «کارمندان دولت به اندازه‌ی کافی معاش دریافت نمی‌کنند؛ این معاش کم سبب فساد در ادارات افغانستان شده است.» یا این که «مقامات بلندرتبه‌ی حکومتی فاسد و پول‌اندوز هستند که این پول‌اندوزی سیستم را فاسد ساخته است.» فرضیه‌های دیگر نیز می‌تواند مطرح شود.

فرضیه یک ابزار نظر موقت از طرف پژوهش‌گر برای پاسخ به مساله‌ی تحقیق است که فرضیه در فرایند تحقیق مورد آزمون قرار می‌گیرد؛ بنابراین ممکن رد یا پذیرفته شود. آنچه که در فرضیه‌سازی مهم است، آزمون‌پذیری فرضیه است. یعنی که درستی و نادرستی فرضیه را بتوان مورد سنجش و آزمون قرار داد. فرضیه‌ای که آزمون‌پذیر نیست، نمی‌تواند فرضیه باشد. فرضیه‌ی آزمون‌پذیر در جمله‌ی خبری ارایه می‌شود، ساختار علمی، مستدل، منطقی و عقلی دارد. تعریف: در تعریف باید مفهوم به شکل مثبت (ایجابی) بیان شود. به طور مثال، در تعریف «آب» نگوییم که رنگ ندارد، در جایی ایستاد نمی‌ماند و... چنین توصیف‌های تعریف نیست، زیرا باعث افزایش دانش نمی‌شوند. در تعریف

باید از مفهوم و اصطلاح‌های روشن، معلوم و بدون ابهام کار گرفته شود: «تعریف عبارت از استفاده‌ی ترتیب خاص تصویرهای معلوم ذهن برای کشف یک تصور مجهول است.» تعریف در روش تحقیق و در مشخص کردن مفاهیم و موضوع‌ها از نظر دسته‌بندی، کاربردی و مفهومی مهم است.

ارایه‌ی تعریف بی‌ارتباط با پشت‌وانه نظری تحقیق نیست؛ زیرا محقق بر مبنای پشت‌وانه‌ی نظری تحقیق از موضوع و مفهومی تعریف ارایه می‌کند. به طور مثال، پشت‌وانه نظری یک محقق اگر دینی باشد از زندگی، طوری تعریف ارایه می‌کند که در تناقض با معرفت دینی نباشد. اما اگر پشت‌وانه‌ی نظری تحقیق یک محقق زیست‌شناسی باشد، از زندگی چنان تعریف ارایه می‌کند که هم‌سوبا شناخت علمی زیست‌شناسی از زندگی باشد.

مفهوم: زبان عرصه‌ی مفاهیم است. زیرا هر واژه نماد است که فهمی از چیزی، روی دادی و... ارایه می‌کند. این فهم مستقل نیست به نوعی به تعدادی از چیزها و روی دادها ارتباط می‌گیرد. وقتی می‌گوییم «سنگ»؛ با آن‌که سنگ یک واژه با مصداق برونی و قابل ارجاع به یک شی در جهان است، اما مفهومی را نیز تداعی می‌کند که مفهوم سنگ در زبان فارسی، سخت، پایه‌دار و ماندگار، بخیل و... است. مفهوم این موارد را به هم ربط می‌دهد و قابل فهم می‌سازد.

بنابراین می‌توان مفهوم را این‌گونه تعریف کرد: «مفهوم بیان ذهنی روی داده‌های مشاهده‌پذیر است که تعداد زیادی از روی داده‌ها را زیر یک عنوان کلی درمی‌آورد.» به طور نمونه، «بد» و «خوب» دو مفهوم است که تعداد زیادی از روی داده‌ها را زیر این دو مفهوم می‌توانیم جمع کنیم. البته مفهوم‌ها و دسته‌بندی مفهوم‌ها نیز به پشت‌وانه نظری ارتباط می‌گیرند. در تحقیق، محقق بر مبنای نظری تحقیق، مفهوم‌ها را تعریف می‌کند و مشخص می‌سازد که منظورش از کارگیری یک مفهوم یا مفاهیم چیست.

مساله: در باره‌ی مساله در فصل نخست، معلومات ارایه شد. این‌جا تعریفی از مساله ارایه می‌شود: «مساله پرسشی است که بیان‌کننده‌ی موانعی بر سر راه فهم

یک پدیده یا کاربرد یک ایده باشد.»

تحلیل: تحلیل فرایند کلی چگونگی استفاده از زبان برای ربط دادن اطلاعات و داده‌های تحقیق است. بنابراین چگونگی استناد دادن به موضوعی، چگونه بحث کردن در باره‌ی موضوعی، چگونه استدلال کردن در باره‌ی موضوع و مساله‌ای و... همه شامل تحلیل می‌شوند.

تحلیل را این گونه می‌توان تعریف کرد: «تحلیل به مجموعه‌ای از فعالیت‌های علمی با استفاده از زبان گفته می‌شود که بر داده‌های جمع‌آوری شده صورت می‌گیرد تا اطلاعات و داده‌ها را با هم ربط بدهد که از چگونگی ربط‌دهی داده‌ها، استنباط و نتیجه‌گیری‌ای به دست آید».

تجزیه: تجزیه جداسازی اجزای یک کل است که به اساس مناسبت‌های محتوایی، شکلی، موضوعی و... صورت گرفته باشد. پس از تجزیه‌ی اجزای بتوان از این اجزا در مناسبت با هم برای استنباط و نتیجه‌گیری، تحلیل ارایه کرد. **بحث:** بحث بخش‌های اساسی تحقیق است که محقق یک موضوع یا مساله را از دیدگاه‌های متفاوت و مختلف، مورد بحث قرار می‌دهد و بر مبنای این دیدگاه‌های مختلف در باره‌ی موضوع و مساله‌ای استدلال خود را بنابه پشت‌وانه نظری تحقیق ارایه می‌کند.

ابطال: ابطال‌پذیری روشی علمی است که کارل پوپر، فیلسوف علم، مطرح کرده است. در این دیدگاه علمی، نظریه‌هایی که درستی و نادرستی آنها قابل آزمون نیستند، نمی‌توانند شامل نظریه‌های علمی شوند. بنابراین چنین نظریه‌هایی از عرصه‌ی نظریه‌های علمی برون استند.

نظریه به اساس دیدگاه ابطال‌گرایان مبنای عقلی دارد. نظریه‌های علمی بر مبنای عقلی و منطقی ساخته می‌شوند، بعد مورد آزمون قرار می‌گیرند؛ پس از آزمون، نظریه تایید یا رد می‌شود. در صورتی که رد شود، اگر قابل اصلاح بود، نظریه اصلاح می‌شود، اگر قابل اصلاح نبود، نظریه کنار گذاشته می‌شود.

اما در دیدگاه اثبات‌گرایان نظریه چندان دارای اهمیت نیست. زیرا

اثبات‌گرایان مبنای دانستنی‌های علمی را نظریه‌های عقل‌محور نه، بلکه عمل‌کردهای قابل مشاهده و تجربه‌پذیر می‌دانند.

توصیف: توصیف بیان عارضی و ظاهری و صفات عمومی یک پدیده یا روی داد است. به طور مثال در تحقیق‌های گیاه‌شناسی بیش‌تر از توصیف استفاده می‌شود؛ زیرا تفاوت یک گیاه را با گیاه دیگر بنابه توصیف می‌توان ارایه کرد.

توضیح: توضیح عبارت از ارایه‌ی دلیل و مثال برای روشن شدن بیان منظور یا ساده‌سازی مطلبی برای فهم به‌تر است.

استدلال: استدلال اثبات یک ادعا به اساس آوردن دلایل منطقی است که به آن حجت و برهان نیز گفته‌اند. در منطق استدلال چنین تعریف شده است: «استدلال عبارت از به‌کارگیری مرتب تصدیق‌های معلوم برای کشف یک تصدیق مجهول است.»

چگونگی ارایه‌ی سخن‌رانی‌های عقلی و علمی و مقاله‌های عقلی و علمی استوار بر استدلال است. اما در خطابه‌های مذهبی و... چگونگی ارایه‌ی سخن‌رانی و مقاله استوار بر اقناع است.

استدلال قابل فهم کردن یک مساله و موضوع با ارایه‌ی دلیل است. اقناع استوار بر تبلیغ است که در اقناع و تبلیغ از فن بلاغت استفاده می‌شود. در اقناع مهم این است که طرف را با فن بلاغت و توجیه قانع بسازیم. بنابراین آن چه را که برای اقناع می‌گوییم از نظر منطقی و استدلال، اعتبار صدق و صحت سخن قابل سنجش نیست. زیرا در اقناع اغوا، جذبه و جنون مطرح است. در استدلال اعتبار صدق و صحت سخن از نظر چارچوب و اصول منطقی و عقلی قابل سنجش است.

مقایسه: مقایسه بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های چند حقیقت یا واقعیت برای بررسی و سنجش است.

ارزیابی: ارزیابی بازآزمایی و واریسی دقیق تحقیق و روش تحقیق است به گونه‌ای که بتوان تصمیم گرفت: آیا چارچوب کلی تحقیق نیاز به تغییر دارد یا نه.

متغیر: متغیر به هر چیزی یا امری می‌گویند که بتواند دیگرگون کند یا میل به دیگرگونی داشته باشد. در پژوهش به عوامل، شرایط و ویژگی‌هایی که بر پدیده‌های مورد مطالعه اثر می‌گذارند متغیر می‌گویند. به طور مثال، اگر بگوییم «با افزایش نا امنی، نقض حقوق افراد و دزدی بیش‌تر می‌شود.» در این فرضیه «نا امنی» یک متغیر است که بر بیش‌تر شدن نقض حقوق افراد و دزدی اثرگذار است.

اطلاعات: اطلاعات به داده‌ها و موادی گردآوری شده‌ای می‌گویند که پس از گردآوری، ارزیابی و بررسی شده باشند و بنابه معنادار بودن و اهمیت داشتن برای تحلیل موضوع و مساله‌ی تحقیق، جدا شده باشند.

نوع تحقیق از نظر چگونگی روش تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق

هر پژوهش و تحقیقی تلاش سیستماتیک و روش‌مندی به منظور دست‌یابی به پاسخ یک پرسش یا راه‌حلی برای یک مساله است. اما باید توجه داشت که نوعیت پژوهش چیست و اطلاعات پژوهش با چگونه تجزیه و تحلیل برای حل مساله قابل بررسی است. آیا می‌توان اطلاعات تحقیق را با تجزیه و تحلیل کمی، کیفی یا ترکیبی بررسی و مطالعه کرد؟ بنابراین چگونگی روش تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق را می‌توان در سه دسته‌ی کلی، دسته‌بندی کرد: کمی، کیفی و ترکیبی (کمی + کیفی).

نوع کمی: چگونگی روش تجزیه و تحلیل (پژوهش) کمی استوار بر اطلاعات عددی است که برای تحلیل‌های آماری قابلیت دارند. محقق در پژوهش کمی با عدد و آمار سروکار دارد. بنابراین اطلاعات را بر مبنای آمار برای حل مساله تجزیه و تحلیل می‌کند. قاعده و قواعد در تجزیه و تحلیل اطلاعات کمی نسبتاً ثابت و مشخص است.

نوع کیفی: چگونگی روش تجزیه و تحلیل (پژوهش) کیفی به تحقیق‌های گفته می‌شود که یافته‌های آن از طریق تجزیه و تحلیل داده‌های آماری به دست نیامده باشد؛ بلکه با معانی، مفاهیم، تعریف‌ها، نمادها و توصیف‌ها سروکار

داشته باشد.

تجزیه و تحلیل کیفی اطلاعات به این فرض استوار است که کنش متقابل اجتماعی، کلیت درهم‌تنیده‌ای از روابط را تشکیل می‌دهد؛ درک کنش‌های متقابل اجتماعی به وسیله‌ی استدلال‌های قیاسی و استقرایی ممکن است. در تحقیق کمی آمار و کمیت، مشاهده و تجربه معیار تحلیل است، اما در تحقیق کیفی عقل، منطق، استدلال، قیاس و استقرا معیار تحلیل است. بنابراین در تحقیق علوم طبیعی بیش‌تر نوع کمی، اما در تحقیق علوم اجتماعی بیش‌تر نوع کیفی مطرح است.

نوع ترکیبی (کمی + کیفی): در پژوهش‌هایی که نیاز به آرایه‌ی آمار و استدلال است، از نوع ترکیبی استفاده می‌شود. نوع ترکیبی تجزیه و تحلیل اطلاعات، نوع استنباطی است که از تجربه‌گرایی (مشاهده و کشف حسی) و عقل‌گرایی (درک کلیت) در گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده صورت می‌گیرد. در تحقیق علوم اجتماعی بیش‌تر از نوع کیفی و استنباطی کار گرفته می‌شود.

فصل سوم (معرفی چستی پایان نامه)

مقدمه

در این فصل پایان نامه معرفی می‌شود و ضرورت پایان نامه نویسی نیز بیان می‌شود. در ضمن به این اشاره می‌شود که وضعیت پایان نامه نویسی در افغانستان چگونه است؛ آیا پایان نامه نویسی در افغانستان بنابه اصول و معیار تحقیق ارایه می‌شود؟ آیا پایان نامه نویسی در افغانستان به دانش و توسعه‌ی دانش کمک می‌کند؟ آیا نیاز است که در دوره‌ی لیسانس (کارشناسی) پایان نامه نوشت؟ چقدر فساد در پایان نامه نویسی چه از نظر معنوی و چه از نظر مادی وجود دارد؟ چگونه می‌توان پایان نامه نویسی را در دانشگاه‌های افغانستان معیاری کرد؟

این پرسش‌ها مواردی استند که باید در باره‌ی تحقیق و روش تحقیق و در باره‌ی وضعیت پایان نامه نویسی به خصوص در دوره‌ی لیسانس (کارشناسی) پرسیده شود. متأسفانه وضعیت تحقیق و پایان نامه نویسی در افغانستان از نظر علمی و روش تحقیق بسیار قابل تأسف و اندوه است که هم دانش و علم با این وضعیت دست کم گرفته می‌شود، هم وقت دانش جو تلف می‌شود و هم زمینه‌ی انواع فساد، فراهم می‌شود.

اهداف کلی

هدف از آرایه‌ی این فصل:

- ۱- دانش جویان با پایان‌نامه‌نویسی آشنا می‌شوند.
- ۲- هدف از پایان‌نامه‌نویسی را می‌دانند.
- ۳- رابطه‌ی پایان‌نامه را با تحقیق و روش تحقیق می‌دانند.
- ۴- وضعیت تحقیق و پایان‌نامه‌نویسی را در افغانستان می‌دانند.

اهداف رفتاری (عملی)

از دانش جویان گرامی انتظار می‌رود با مطالعه‌ی این فصل این موارد را بدانند:

- ۱- پایان‌نامه را تعریف کنید؟
- ۲- سه هدف نوشتن پایان‌نامه کدام اهداف است؟
- ۳- دانش جویان دوره‌ی لیسانس چرا پایان‌نامه ننویسند؟
- ۴- روش تحقیق در نوشتن پایان‌نامه چرا ضرور است؟
- ۵- چرا دانش جویان دوره‌ی ماستری (کارشناسی ارشد) و دکترا پایان‌نامه بنویسند؟
- ۶- وضعیت تحقیق و پایان‌نامه‌نویسی در افغانستان چگونه است؟
- ۷- پیش‌نهاد شما برای پایان‌نامه‌نویسی در دوره‌ی لیسانس چیست؟

پایان‌نامه یا رساله چیست؟

آرتور کول پایان‌نامه را چنین تعریف می‌کند:

«پایان‌نامه گزارشی کتبی‌ای از فرایند یافتن پاسخ برای یک پرسش یا راه‌حل برای یک مساله است. فرایندی که پژوهش‌گران را آغاز و به عهده گرفته و به پایان رسانیده است. این گزارش باید همه مرحله‌های پژوهش، از تعریف پرسش‌نامه (مساله) تا دست‌یابی به نتیجه‌های مدون و مرتب که با تجزیه و تحلیل اعداد، مدرک‌ها و سندها، مستدل شده است را دربرگیرد.»

به اساس این تعریف اگر پایان نامه‌ها و (تحقیق؟)‌ها را برای گرفتن رتبه‌های علمی چه در دانش‌گاه‌های دولتی و چه در نهادهای (معتبر) اکادمیک؟) مانند اکادمی علوم افغانستان... در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم که با علم، تحقیق و روش تحقیق چه برخورد افتضاح برانگیز و مضحکی داریم!.

بنابه لایحه‌ی وزارت تحصیلات عالی افغانستان هر دانش‌جو در پایان تحصیل دوره‌ی لیسانس (کارشناسی)، ماستری (کارشناسی ارشد) و دکترا باید اثر پژوهشی‌ای بنام پایان‌نامه، تیزس و رساله بنویسد. این اثر در واقع عصاره و چکیده‌ای فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی در دوران تحصیل قلم‌داد می‌شود. بنابراین ارزش پایان‌نامه در خلق اندیشه و ارایه‌ی راه‌حل برای مساله است. به گونه‌ای می‌توان پایان‌نامه را نشانی از توانایی پژوهش و استنباط علمی دانش‌جو از موضوع و مساله‌ای دانست. دانش‌جو در پایان‌نامه نویسی، اطلاعات (داده) را در باره‌ی موضوع و مساله‌ی تحقیق جمع‌آوری می‌کند؛ این اطلاعات را پالایش می‌دهد، یعنی اطلاعات مفید را از داده‌هایی که مفید نیست، جدا می‌کند؛ سپس این اطلاعات برای ارایه‌ی راه‌حل مساله‌ی مورد تحقیق به آزمون و بررسی می‌گیرد.

اما در افغانستان به تعبیر عام هر کس گلوخی می‌ماند و از آب می‌گذرد! در بسیاری کشورها در دوره‌ی لیسانس، پایان‌نامه نیست. حتی در کشور همسایه‌ی ما، ایران، در دوره‌ی لیسانس، پایان‌نامه نیست. دانش‌جویان در دوره‌ی ماستری (کارشناسی ارشد) و در دوره‌ی دکترا پایان‌نامه می‌نویسند.

هدف از پایان‌نامه نویسی

در باره‌ی هدف از پایان‌نامه نویسی نظرهای گوناگونی ابراز شده‌اند. تعدادی پایان‌نامه را یک کار پژوهشی دانش‌گاهی، عده‌ای آن را بیان‌گر توان پژوهش دانش‌جویی داند و بعضی آن را مشارکت در دانش بشری به شمار می‌آورد. شاید در مفهوم عام، همه‌ی این هدف‌ها مورد نظر باشد.

هر سه موردی که برای هدف پایان‌نامه‌نویسی در این جا ارایه شد؛ در هر سه مورد، جنبه و اهمیت پژوهشی پایان‌نامه مورد نظر است. بنابراین پایان‌نامه اشتراک و سهم‌گرفتن در دانش است؛ زیرا اگر منظور از تحقیق را به مفهوم و معنای خاص در نظر داشته باشیم، هر تحقیقی باید در رشته‌ای به دانش در همان رشته بافزاید.

پایان‌نامه، ارایه‌ی دریافت‌های علمی و توسعه‌ی دریافت‌های علمی

پایان‌نامه هدف پژوهشی دارد. هدف پژوهش سهم‌گرفتن برای ارایه‌ی نظریه‌های علمی و فلسفی، ارایه‌ی دریافت‌های علمی و توسعه‌ی دریافت‌های علمی است. اگر پایان‌نامه چنین هدفی را دنبال نکند، چرا نوشته شود؟ چرا وقت کسی ضایع شود و به هدر برود؟

دانشگاه‌ها معمولاً دو وظیفه مشخص دارند:

ارایه‌ی خدمات تحصیلی برای پرورش افراد متخصص و کارشناس در رشته‌های متفاوت و تحقیق و پژوهش.

تحقیق و پژوهش معمولاً به عنوان پایان‌نامه در پایان دوره‌ی تحصیلی ماستری (کارشناسی ارشد)، دکترا و گرفتن رتبه‌های علمی استادان ارایه می‌شود. هر پایان‌نامه، نظریه‌ی علمی‌ای را در رشته‌ای ارایه می‌کند و نظریه‌های قبلی را به چالش می‌کشد یا به مسأله‌ای پاسخ ارایه می‌کند و یا دریافت‌ها و یافته‌های علمی را توسعه می‌دهد که جنبه آموزش محور دارد.

اگر پایان‌نامه‌ها را در افغانستان به بررسی بگیریم به ویژه پایان‌نامه‌هایی که دانش‌جویان در دوره‌ی لیسانس می‌نویسند؛ نه نظریه‌ای ارایه می‌کنند و نه دریافت علمی‌ای؛ و نه دریافت‌های علمی را توسعه می‌دهند. شاید از تاسیس دانشگاه‌ها در افغانستان تا اکنون صدها پایان‌نامه نوشته شده باشند؛ اما این پایان‌نامه‌ها چه سهمی در دانش و در توسعه‌ی دانش داشته‌اند؟

غیر از این که وقت دانش‌جو ضایع شده باشد، موضوع‌های تکراری بازنوشته

شده باشد، پست وکاپی صورت گرفته باشد، سرقت معنوی صورت گرفته باشد و برای پایان نامه نویسی زمینه انواع فساد فراهم شده باشد، دیگر کار پژوهشی و علمی ای صورت نگرفته است.

بنابراین باید در پایان نامه نویسی آن هم در دوره ی لیسانس تجدید نظر صورت گیرد، زیرا دانش جوی لیسانس دانش لازم و مهارت کافی برای روش تحقیق ندارد تا با ارایه ی پایان نامه در ارایه ی دانش و توسعه ی دانش سهم بگیرد. به جای پایان نامه ی دوره ی کارشناسی (لیسانس) می توان یک ارایه (پریزنتیشن) را در نظر گرفت که دانش جو در باره ی موضوعی ارایه کند. استادان به اساس توانایی گردآوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل اطلاعات، استدلال و ارایه ی موضوع توسط دانش جو به دانش جو نمره و امتیاز در نظر بگیرند.

فساد در پژوهش و پایان نامه نویسی

شناخت ماهیت علم و روش علمی پژوهش در ارایه ی تحقیق و پژوهش ضروری و مهم است. در صورتی که ماهیت علم و روش علمی تحقیق شناخته شده نباشد، امکان ندارد از تحقیق و پژوهش علمی در قالب مقاله یا کتاب سخن گفت. متأسفانه در افغانستان در باره ی علم و تحقیق این بحث را نمی توان مطرح کرد که از تحقیق چه نتایج و یافته هایی به دست آورده ایم؛ زیرا هنوز ما در شناخت ماهیت علم و روش های تحقیق مساله داریم. بنابراین نخست باید ماهیت علم و روش تحقیق را بشناسیم که استقلال دید علمی و روش تحقیق جای گاه خود را در نهادهای علمی و دانش گاه ها پیدا کند تا بتوانیم با استفاده از دید علمی و روش تحقیق به تحقیق و پژوهش پردازیم.

هنگامی که نگارش و روش تحقیق را در دانش گاه الیبرونی و دانش گاه خورشید تدریس می کردم، متوجه شدم که درک ما از نگارش به ویژه از نگارش علمی، از تحقیق و روش تحقیق چندان به روز و مدرن نیست؛ تفکیک درستی از نگارش و نگارش علمی نداریم؛ چگونگی استفاده از زبان را در مقاله ی علمی و تحقیق

نمی‌دانیم؛ در شیوه‌ی ماخذدهی و منبع‌نویسی مشکل داریم؛ به روش‌های تحقیق در علوم‌آشنایی نداریم؛ ...

واقعیت این بود که در جریان تدریس به این کاستی‌ها در خود متوجه شدم، بعد این کاستی‌ها را از خود به جامعه‌ی علمی و دانش‌گاه تعمیم دادم. دلیل تعمیم دادن این بود که من از جمله‌ی این افراد بودم؛ به نوعی همه کم و بیش در چنین وضعیتی قرار داشتیم. بنابه این درک، به صورت جدی به منابعی که در باره‌ی نگارش، تحقیق و روش تحقیق وجود داشت و در دست‌رس بود سرزدم، تا اندازه‌ای این منابع را مطالعه کردم.

پس از مطالعه‌ی کتاب‌های نگارش و روش تحقیق به بررسی وضعیت نگارش علمی و روش تحقیق در مجله‌های گویا علمی دانش‌گاه‌ها و موسسه‌های (پژوهشی؟) مانند اکادمی علوم و درکل به فرایندی که در کشور به آن تحقیق گفته می‌شود، پرداختم. بنابه گذرانگاهی که داشتم پی بردم چنان‌که هرامری در کشور دست‌خوش فساد است؛ تحقیق نیز دچار فساد است. از تحقیق، ماهیت تحقیق، نقش و اهمیت تحقیق خیلی دور ایم. اصولاً تحقیق و روی‌کرد تحقیقی در دانش‌گاه‌ها و در موسسه‌های تحقیقی کشور مغفول واقع شده است.

بنابراین بررسی دو یادداشت انتقادی در باره‌ی آفت و فساد در تحقیق در دانش‌گاه‌ها و موسسه‌های تحقیقی افغانستان نوشتم که در روزنامه‌ی هشت صبح نشر شد. اکادمی علوم پس از نشر این دو یادداشت واکنشی نشان نداد، وزارت تحصیلات عالی به یادداشت‌های من پاسخ نوشت، در روزنامه‌ی هشت صبح نشر شد. وزارت تحصیلات فساد در تحقیق را تایید کرده بود، گفته بود وضعیت تحقیق را در دانش‌گاه‌های کشور بررسی می‌کند.

بنابه درگیری‌ای که به مساله و چگونگی عدم درک ماهیت علم و روش تحقیق در دانش‌گاه‌ها و نهادهای پژوهشی افغانستان داشتم؛ این یادداشت ارایه شده است. امید دارم این یادداشت موجب شود که بحث‌های کارشناسانه‌تری توسط کارشناسان در قبال چگونگی و چرایی عدم درک ماهیت علم، روش

تحقیق و استقلال علم در دانش‌گاه‌ها و نهادهای پژوهشی افغانستان مطرح شود. مساله و مشکل اساسی ما در تحقیق این است که چندان درک درست و علمی‌ای از ماهیت و چستی علم نداریم؛ زیرا هنوز بین بی‌طرفی نگاه علمی و سلیقه و عاطفه‌های مذهبی و قومی تفکیک قایل نیستیم. به روی دادها و موضوع‌ها نگاه برونی که نگاه علمی است، نداریم. کوشش و تلاش ما این است که در بیان موضوع‌ها و روی دادها روش علمی را نه، بلکه سلیقه و عاطفه‌ی خود را اعمال کنیم.

این روی‌کرد و طرز دید به علم و تحقیق مانع تحقق روش علمی و تحقیقی در شناخت موضوع‌ها و روی دادها می‌شود. بنابراین آن‌چه را که بنام تحقیق و علم ارایه می‌کنیم در واقع خلاف ماهیت و چستی علم، تحقیق و روش علمی تحقیق است. بحث علم، محدود و مشخص است: بررسی روش‌مند مساله محور و موضوع محور داده‌ها، ارایه‌ی ارقام و آمار، تجربه‌پذیری و آزمایش به اساس آزمون و خطا (ابطال‌پذیری).

هر آن‌چه که روش‌مند، مساله محور و موضوع محور نیست، ارایه‌ی ارقام و آمار ندارد، تجربه‌پذیر و قابل آزمون نیست، درستی و نادرستی و معناداری آن نمی‌تواند مشخص شود؛ از عرصه‌ی تجربی علم، روش تحقیق و معناداری تحقیق خارج است. تجربه‌پذیری و معناداری در علم و تحقیق نیازمند روش است؛ فرقی نمی‌کند به روش کمی، کیفی یا تلفیقی ارایه شده باشد. در هر صورت، روش علمی در تحقیق باید مشخص باشد تا با استفاده از آن روش بتوان نتیجه و معناداری تحقیق را سنجید و درک کرد.

موقع مطالعه در باره‌ی چستی علم و تحقیق متوجه شدم ماهیت علم و تحقیق وابسته به روش یا چند روش مشخص و محدودی است که با استفاده از این روش‌ها می‌توان از موضوع و روی دادها شناخت علمی، تحقیقی و معنادار ارایه کرد؛ در صورتی که روش‌های علمی در تحقیق رعایت نشوند، ممکن نیست که از موضوع و روی دادی بتوان شناخت علمی، تحقیقی و معنادار ارایه کرد.

منظور از روش یا روش‌های مشخص در تحقیق این است که در علوم ساینسی و اجتماعی روش‌های نسبتاً متفاوت پژوهشی‌ای برای تحقیق استفاده می‌شوند. امروز علوم بنابه تفاوت روش‌های تحقیقی و علمی دسته‌بندی و از هم تفکیک می‌شوند. پژوهش و بررسی کیمیا روشی نسبتاً ویژه به خود و ریاضی روشی نسبتاً ویژه به خود دارد. همین‌طور در علوم اجتماعی، پژوهش و بررسی جامعه‌شناسی روشی نسبتاً ویژه به خود، تاریخ و ادبیات روشی نسبتاً ویژه به خود را دارد.

در روش‌های علمی تحقیق نمی‌توان ادعا کرد که روش جدید علمی‌ای را ابداع و ارایه کرده‌ام. ابداع و ارایه‌ی روش جدید علمی در تحقیق به سادگی صورت نمی‌گیرد. از زمان ارسطو (ارگنون و پویتکه) تا زمان توماس کوهن (ساختار انقلاب‌های علمی) چند روش مشخص و محدود علمی‌ای ابداع، طراحی و ارایه شده است. بنابراین باید این روش‌های علمی تحقیق را شناخت و به اساس این روش‌ها به پژوهش در علوم پرداخت.

طوری‌که اشاره شد در افغانستان شناخت ماهیت تحقیق و روش تحقیق مساله است؛ یعنی این‌که تحقیق و روش تحقیق به صورت دقیق و علمی شناخته شده نیست. در چنین وضعیتی نمی‌توان از تحقیق سخن گفت؛ به‌تر این است از چرایی ناشناخته ماندن و رفع ناشناختگی تحقیق و روش تحقیق در دانش‌گاه‌ها و نهادهایی بنام تحقیقی سخن گفته شود.

در این چند سال در کنار دانش‌گاه‌های دولتی، دانش‌گاه‌های خصوصی نیز آغاز به فعالیت کرده‌اند. نهادهایی که فقط کار آنها پژوهش و تحقیق است نیز داریم. اکادمی علوم از جمله‌ی این نهادها است. دانش‌گاه کابل به عنوان یک نهاد علمی، پژوهشی و تحصیلی سال ۱۳۱۱ خورشیدی و اکادمی علوم افغانستان به عنوان یک نهاد پژوهشی سال ۱۳۴۹ خورشیدی تاسیس شده است. اگر جای‌گاه پژوهشی این دو نهاد را در دو دهه‌ی پسین بررسی کنیم، متأسفانه به این نتیجه می‌رسیم که در این دو نهاد شناخت تحقیق، روش تحقیق و ماهیت

علم مساله است و این دو نهاد استقلال علمی ندارند. در صورتی که یک نهاد استقلال علمی نداشته باشد، کار علمی و پژوهشی انجام ندهد، طبعا نمی تواند اعتبار علمی پیدا کند.

حمایت از پایان نامه نویسی در دوره ی لیسانس در دانش گاه ها بیش تر برای فساد صورت می گیرد. زیرا پایان نامه نوشتن یک دانش جوی لیسانس از نظر علمی اشتباه است. اگر هدف از پایان نامه نوشتن ارایه ی دریافت علمی و توسعه ی دریافت علمی باشد؛ دانش جوی لیسانس دانش لازم علمی و پژوهشی ای ندارد که با چنین هدفی پایان نامه بنویسد. چرا وقت دانش جویان و استادان برای پایان نامه نوشتن دوره ی لیسانس هدر و ضایع شود؟ حتا در تربیه های معلم دو ساله نیز پایان نامه نوشتن در پایان تحصیل الزامی است. دانش جویان برای پایان نامه نوشتن به استادان پول می دهند، استادان مطالبی را کاپی و پیست می کنند یا این که مطالب تکراری در کمپیوتر استادان هست که با تغییر عنوان بنام پایان نامه ی دانش جو پذیرش می شود. اگر چنین معامله ای صورت نگیرد، دانش جو به کتاب خانه ها و... می رود، پایان نامه می خرد.

استاد ره نما با خرده گیری هایی که به تحقیق و روش تحقیق ربط ندارد، دانش جورا سرگردان می کند تا زمینه ی فساد، شیرینی و سوء استفاده فراهم شود. یک دانش جوی دختر در دانشگاه کابل برای پایانه نویسی مورد آزار و... استاد ره نما ی خود قرار گرفت، خودکشی کرد.

بدتر از همه این که در سطح کشور زیر نام تحقیق انواع فساد بنابه مصلحت ها و سهمیه بندی های قومی و سرقت های علمی جریان دارد. استادان دانش گاه ها و پژوهش گران اکادمی علوم بنابه لایحه و قانون رتبه های علمی باید برای گرفتن هر رتبه ی علمی، تحقیقی انجام بدهند. در افغانستان اکادمیسین، پروفیسور و... بسیار داریم اما معلوم نیست که این «دانش مندان؟» چه تحقیق و کار علمی ای ارایه کرده اند. اگر دقیق بررسی کنیم اکادمیسین و پروفیسور شدن نیز

در این کشور به سهمیه بندی قومی ارتباط دارد.

تا جایی که در جریان پروژه‌هایی بنام تحقیق در دانش‌گاه‌ها و اکادمی علوم استم، استادان و محققان کتاب‌های پژوهش‌گران خارجی را به تعبیر عام «زنده کاپی کرده بنام خود ارایه می‌کنند» یا کمی عنوان‌های داخل کتاب را تغییر می‌دهند و مطالب را پس و پیش، پیست و کاپی می‌کنند، رتبه‌ی علمی می‌گیرند و اکادمیسین و پروفیسور می‌شوند.

اگر این همه پوهاند، پروفیسور و اکادمیسین تحقیق کرده‌اند، تحقیق شان کجا است؟ چرا از نتایج تحقیقات شان استفاده نمی‌شود؟ چرا آثار شان چاپ نمی‌شود که مورد استفاده‌ی جامعه‌ی علمی در منطقه و جهان قرار بگیرد؟ جالب از همه این است که این روزها در افغانستان بازار ترجمه برای گرفتن رتبه‌ی علمی گرم است. استادان و پژوهش‌گران ما آثار استادان و پژوهش‌گران ایرانی را از فارسی به دری ترجمه می‌کنند.

من شاهد ارایه‌ی (تحقیق؟) و تز ماستری‌ای بوده‌ام که (محقق؟) و «ماسترا!» ما در کم‌تر از یک هفته تحقیق و تزش را نوشته است. تحقیق یک پروسه‌ی زمان بندی شده و مرحله به مرحله است. محقق در مرحله‌ی نخست، مساله‌ی تحقیق را مشخص می‌کند، هیات علمی می‌بیند که محقق آن چه را به عنوان مساله ارایه کرده، مساله است یا نیست. در صورتی که هیات علمی مساله بودن تحقیق را تایید کرد، محقق به تحقیق آغاز می‌کند.

متأسفانه در کشور هر امری بنابه انواع مصلحت‌ها و سلیقه‌ها (که این مصلحت‌ها و سلیقه‌ها اساس فساد استند) مورد قبول و تایید قرار می‌گیرد. فساد در تحقیق نیز بنابه مصلحت‌ها و سلیقه‌ها صورت می‌گیرد. از افتضاح «تحقیق؟» اکادمی علوم همه خبر داریم. «اطلس اتنوگرافی اقوام غیرپشتون افغانستان» توسط پژوهش‌گران اکادمی علوم تحقیق و تدوین شد.

این تحقیق یک لک دالر هزینه داشت. این هزینه را چند نفر به اساس سهمیه بندی فیصدی قومی خود تقسیم کردند. بعد از تقسیم هزینه یک

توهین نامه بنام اطلس اتنوگرافی اقوام غیر پشتون افغانستان ارایه دادند که مهم ترین یافته‌ی تحقیقی محققان در آن تحقیق این بود: بند بینی مردم هزاره آن قدر خم و پخش است که توسط یک چشم، چشم دیگر قابل دید است. این کتاب نه مبنای نظری و علمی و نه مبنای روش پژوهشی داشت. «محقق!» اکادمی علوم طبق سلیقه و... خود قوم هزاره را دشنام داده بود. اگر بخواهیم تحقیق و روش تحقیق را از اساس جدی بگیریم باید روش تفکر، تحقیق و علم در نصاب وزارت معارف رعایت شود؛ روش تحقیق علمی در مقاله‌های مجله‌های علمی به صورت جدی اجرا شود؛ نهادهای آموزشی و تحقیقی ماهیت علم، تحقیق و روش تحقیق را طبق دریافت‌ها و روش‌های علمی مدرن معرفی کنند؛ وزارت تحصیلات عالی تدریس مضمون‌های نگارش علمی، روش تحقیق و فلسفه‌ی علم را در رشته‌های تحصیلی الزامی کند؛ پایان‌نامه‌نویسی دوره‌ی لیسانس مورد بررسی و تجدیدنظر قرار بگیرد؛ و در پایان‌نامه‌نویسی ماستری، دکتری و در رساله‌نویسی ترفیع علمی استادان، روش تحقیق و ماهیت علمی تحقیق جدی گرفته شود. با این هماهنگی کلی شاید بتوان وضعیت آفت بار تحقیق را تغییر داد و به‌تر کرد؛ در غیر این تحقیق اهمیت علمی، روش‌مند و مدرن پیدا نخواهد کرد.

بنابراین نیاز است که فهم دانش و علوم مدرن شود؛ آموزش روش تدریس و روش تحقیق جدی گرفته شود و در دوره‌ی مکتب و تحصیلات به صورت جدی و روش‌مند آموزش داده شود؛ مصلحت‌گرایی در علم و روش تحقیق از بین برود؛ و معیارهای روش علمی در تحقیق و در مقاله‌نویسی در مجله‌ها در نظر گرفته شود.

به این نظر استم تنها وزارت تحصیلات عالی نمی‌تواند فرایند تحقیق را طوری که لازم است از نظر ماهیت علمی به‌روز، مدرن و روش‌مند بسازد. درکل رویکرد نظام فرهنگی، آموزشی و علمی باید به تحقیق، علمی و روش‌مند شود که تحقیق از فساد و آفت نجات یابد.

پیش‌نهادهای نسبتاً مشخصی برای جلوگیری از فساد در تحقیق این موارد می‌توانند باشند: وزارت تحصیلات عالی در باره‌ی پایان‌نامه‌های دوره‌ی لیسانس تجدیدنظر کرده، بررسی کند که پایان‌نامه‌ی دوره‌ی لیسانس چه اهمیت علمی‌ای دارد و فایده‌ی علمی آن به دانش‌جو، دانش‌گاه و کشور چیست؟ به جای این‌که استادان درگیر پایان‌نامه‌نویسی دانش‌جویان در دوره‌ی لیسانس شوند، به‌تراست استادان تحقیق و روش تحقیق در دوره‌ی ماستری و دکتری و در رتبه‌های علمی را جدی بگیرند. آثاری که در این دوره‌ها ارایه می‌شوند، تحقیقی و علمی باشند.

کارنامه‌ی تحقیقی محققان اکادمی علوم بررسی شود، دیده شود که در این نهاد تحقیقی ملی تحقیق، روش تحقیق و ماهیت علم چقدر شناخته شده است و چقدر تحقیق و علم استقلال دارد. مهم‌تر از همه در این نهاد تحقیقی چه تحقیق‌هایی ارایه شده‌اند که در عرصه‌ی ملی و منطقه‌ای رفع حل مساله و مشکل کرده‌اند.

ماهیت علم، روش تحقیق و تحقیق جدی گرفته شود. به استقلال دانش‌گاه‌ها و نهادهای پژوهشی از نظر علمی احترام گذاشته شود. بنابه مصلحت‌های قومی و سلیقه‌های مذهبی استقلال علم و تحقیق دچار چالش و فساد نشود. به تحقیق باید دید علمی وجود داشته باشد؛ این‌که تحقیق باید مساله و مشکلی را در یک رشته‌ی علمی حل کند، سبب نوآوری و ترویج علم در یک رشته‌ی علمی شود و از نتایج تحقیق در حل معضلات مناسبات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... استفاده صورت بگیرد.

فصل چهارم (صفحه‌های ابتدایی پایان‌نامه)

مقدمه

پایان‌نامه‌ها غیر از روش تحلیل محتوا و ساختار تحلیلی، شکل ظاهری نیز دارند که شکل ظاهری آنها باید رعایت شود. در این فصل صفحه‌های ابتدایی و چگونگی تنظیم این صفحه‌ها ارایه می‌شود تا دانش‌جو در تنظیم صفحه‌های ابتدایی پایان‌نامه دچار مشکل نشود؛ زیرا برای پذیرش پایان‌نامه از طرف استاد رهنما، دیپارتمنت و دانش‌کده، رعایت این صفحه‌ها مهم است.

اهداف کلی

هدف از ارایه‌ی این فصل:

- ۱- دانش‌جویان به تنظیم صفحه‌های ابتدایی پایان‌نامه آشنا می‌شوند.
- ۲- چگونگی درج اطلاعات را در صفحه‌های ابتدایی می‌دانند.

اهداف رفتاری (عملی)

از دانش‌جویان گرامی انتظار می‌رود با مطالعه‌ی این فصل این موارد را بدانند:

- ۱- صفحه‌های ابتدایی پایان‌نامه کدام‌ها است؟
- ۲- صفحه‌عنوان دربرگیرنده‌ی کدام اطلاعات است؟

- ۳- چکیده دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۴- شیوه‌ی بیان جمله‌های سپاس‌گزاری و پیش‌کش چگونه باید باشد؟
- ۵- در صفحه‌ی فهرست مطالب چه موارد با چه ویژگی‌ها می‌آید؟

معرفی صفحه‌های ابتدایی پایان‌نامه

صفحه‌های ابتدایی پایان‌نامه شامل این صفحه‌ها می‌شود: صفحه‌ی روی جلد، صفحه‌ی یاد نام خداوند، صفحه‌ی چکیده و خلاصه‌ی تحقیق، صفحه‌ی تشکر و سپاس‌گزاری، صفحه‌ی پیش‌کش و اهدا و صفحه‌ی فهرست مطالب.

این صفحه‌ها هر کدام دارای ویژگی‌های مخصوص است که رعایت این ویژگی‌ها الزامی است. البته بعضی از دانش‌گاه‌ها در تنظیم صفحه‌های ابتدایی پایان‌نامه شیوه‌ی رسمی مخصوص به خود را دارد؛ با این‌همه آمدن این صفحه‌ها در پایان‌نامه‌ها عمومی است، اما با این تفاوت که دانش‌گاه‌ها چه اطلاعاتی را با چه ترتیبی، روی این صفحه‌ها درج می‌کنند.

صفحه‌ی روی جلد

صفحه‌ی روی جلد یا صفحه‌ی عنوان نخستین صفحه‌ای است که بعد از پوش آورده می‌شود. صفحه‌ی عنوان دارای این اطلاعات می‌باشد: در بالا، وسط صفحه، آرم دانش‌گاه گذاشته می‌شود؛ زیر آرم، به ترتیب نام دانش‌گاه، نام دانش‌کده و نام دبیرانمنت آورده می‌شود؛ آن‌جا که صفحه به دو نیم برابر تقسیم می‌شود، عنوان پایان‌نامه نوشته می‌شود؛ با فاصله مشخص به سمت راست، نام و مشخصات استاد ره‌نما نوشته می‌شود، سپس نام دانش‌جو؛ و پایین، سمت چپ صفحه، به عدد سال تهیه‌ی پایان‌نامه آورده می‌شود.

ذکر چند نکته: عنوان باید در پیچه‌ای باشد که بیننده را بتواند به موضوع و محتوای تحقیق ره‌نمون شود. بنابراین در تهیه‌ی عنوان باید تامل و دقت کرد

که عنوان دربرگیرنده‌ی محتوا و موضوع پایان‌نامه باشد؛ برای خواننده، انتظاراتی فراتر یا کمتر از آنچه که واقعی است و در پایان‌نامه وجود دارد، ایجاد نکند. در عنوان به‌تراست از واژه‌ها و اصطلاح‌های دقیق استفاده شود؛ ایجاد وزن و آهنگ برای عنوان در نظر گرفته شود؛ روان و بلیغ باشد؛ به‌تراست پرسشی نباشد؛ فشرده و مختصر باشد؛ و هدف‌های تحقیق را به روشنی نشان بدهد.

استاد رهنما، استادی است که به دانش‌جو در شیوه‌ی تحقیق کمک و هم‌کاری می‌کند. تعیین استاد رهنما از دو طریق صورت می‌گیرد: بعضی از دانش‌کده‌ها انتخاب استاد رهنما را به دل‌خواه دانش‌جو می‌گذارد و در بعضی از دانش‌کده‌ها تعیین استاد رهنما و تعیین موضوع تحقیق از طرف دانش‌کده صورت می‌گیرد.

به‌تراست انتخاب استاد رهنما به دل‌خواه دانش‌جو باشد؛ بعد از انتخاب استاد رهنما به دل‌خواه دانش‌جو، دانش‌جو با مشوره و هم‌کاری استاد رهنما و علاقه و انگیزه‌ی خود نسبت به موضوعی، عنوان و موضوع پایان‌نامه‌اش را مشخص کند. این طریق، بهتر است؛ برای این‌که به انگیزه و علاقه‌ی دانش‌جو احترام گذاشته می‌شود. در تحقیق علاقه و اطلاعات فرد مهم است؛ زیرا فرد بنابه اطلاعاتی که در باره‌ی موضوعی دارد، می‌تواند به‌تر تحقیق کند.

صفحه‌ی یاد نام خداوند

این صفحه بعد از صفحه‌ی عنوان قرار دارد. در بالا، وسط صفحه یاد نام خداوند به این صورت‌ها «بنام خداوند»، «بنام خداوند جان و خرد» یا «بسم الله الرحمن الرحیم» ذکر می‌شود. درست آن‌جا که صفحه نیم می‌شود، وسط صفحه، نام عنوان پایان‌نامه و در پایان، سمت راست، نام دانش‌جو می‌آید.

صفحه‌ی چکیده و خلاصه‌ی تحقیق

صفحه‌ی چکیده یا خلاصه‌ی تحقیق پس از صفحه‌ی یاد نام خداوند می‌آید.

اما چکیده و خلاصه‌ی تحقیق پس از تکمیل تحقیق پایان‌نامه نوشته می‌شود؛ زیرا چکیده و خلاصه‌ی تحقیق، عصاره یا نتیجه‌ای بسیار فشرده‌ی تحقیق است که محقق بعد از تکمیل تحقیق می‌تواند به دریافت‌ها و نتایج تحقیق پی‌برد و خلاصه‌ی آن را بنویسد.

ویژگی‌های چکیده تحقیق: نخست مساله، روش، یافته‌ها و نتایج فهرست می‌شوند؛ بعد آنها به سبک گزارش به صورت جمله درمی‌آیند. هر کدام این مطالب نباید بیش از دو یا سه جمله باشد. به‌تراست با تعریف مساله و فرضیه تحقیق آغاز شود و پس از ذکر روش، گزارشی از دست‌آورد و استنباط تحقیق بیاید.

صفحه‌ی تشکر و سپاس‌گزاری

صفحه‌ی تشکر و سپاس‌گزاری پس از صفحه‌ی چکیده می‌آید. دانش‌جویان در جریان تحصیل و در هنگام پایان‌نامه نوشتن در امریادگیری و تحقیق از طرف کسانی کمک و یاری می‌شوند. بنابراین یادکردن از نیکی، تشکر و قدردانی از کسانی که به ما یاری کرده‌اند، کار پسندیده‌ای است.

دانش‌جو در این صفحه از کسانی که به او در جریان تحصیل و ارایه‌ی تحقیق کمک و یاری رسانده‌اند، به ویژه از استاد ره‌نما و استادان اش سپاس‌گزاری و قدردانی می‌کند. به‌تراست شیوه‌ی بیان و ساختار جمله‌های سپاس‌گزاری و قدردانی خلاقانه و ابتکاری باشد نه تکراری و کلیشه‌ای.

صفحه‌ی پیش‌کش و اهدا

این صفحه بعد از صفحه‌ی سپاس‌گزاری می‌آید. هر پایان‌نامه، حاصل تلاش پی‌گیر دانش‌جو است که از جمله‌ی ارج‌مندترین دست‌آورد دوران تحصیل دانش‌جو به شمار می‌رود. بنابراین دانش‌جویان دست‌آورد را به عزیزترین نزدیکان و دوستان خود پیش‌کش و اهدا می‌کنند. با این پیش‌کش، ارادت و احترام

فصل چهارم: صفحه‌های ابتدایی پایان‌نامه | ۱۵۵

خود را نسبت به دوستان و نزدیکان‌اش بیان می‌کند. به‌تراست شیوه‌ی بیان جمله‌های پیش‌کش و اهدا، هنری و ادبی باشد.

فهرست مطالب و چگونگی تهیه‌ی آن

فهرست مطالب دربرگیرنده‌ی چند صفحه است که خواننده را با چارچوب کلی و عنوان‌های کلی پایان‌نامه آشنا می‌سازد. هر فهرست، برداشت کلی‌ای در باره‌ی آن‌چه در پایان‌نامه آمده است، ارایه می‌کند. باید به گونه‌ای تنظیم شود که خواننده به آسانی بتواند عنوان مورد نظرش را در پایان‌نامه پیدا کند. در فهرست مطالب، عنوان فصل‌ها و عنوان‌های اصلی با حروف و عداد بزرگ، عنوان‌های فرعی با حروف و عداد کوچک‌تر نشان داده می‌شود.

فصل پنجم (طرح تحقیق و کلیات)

مقدمه

این فصل به معرفی طرح تحقیق پرداخته است؛ این که هر تحقیق نقشه‌ای دارد، محقق پیش از نوشتن تحقیق باید، حدود و چارچوب تحقیق را طراحی کند. در واقع طرح تحقیق برنامه‌ریزی کلی‌ای از روش تحقیق است که با مشخص کردن مساله، نظریه، فرضیه، هدف، اهمیت و روش در تحقیق ارتباط دارد.

اهداف کلی

هدف از آرایه‌ی این فصل:

- ۱- دانش جویان با اهمیت طرح تحقیق آشنا می‌شوند.
- ۲- دانش جویان با اهمیت مساله، نظریه، فرضیه و روش تحقیق در تحقیق پی می‌برند.
- ۳- تفاوت مقدمه‌ی عمومی را با مقدمه‌ی طرح تحقیق می‌دانند.

اهداف رفتاری (عملی)

از دانش جویان گرامی انتظار می‌رود پس از مطالعه‌ی این فصل این موارد را بدانند:

- ۱- طرح تحقیق در تحقیق چه اهمیت دارد؟

- ۲- تفاوت مقدمه‌ی عمومی تحقیق با مقدمه‌ی طرح تحقیق در چیست؟
- ۳- پیشینه‌ی موضوع در تحقیق چیست و در تحقیق چه اهمیت دارد؟
- ۵- طرح تحقیق را تعریف کنند؟
- ۶- طرح تحقیق شامل کدام موارد است؟
- ۷- هر تحقیق با چه هدفی آغاز می‌شود؟
- ۸- محقق در روش تحقیق چه مواردی را باید در نظر بگیرد؟

طرح تحقیق

نوشتن طرح تحقیق نیازمند مطالعه در باره‌ی موضوع تحقیق و پایان‌نامه است. دانش‌جو در باره‌ی موضوع و مساله‌ی تحقیق مطالعه کرده است و نسبت به موضوع اطلاع پیدا کرده و به نظریه‌ها و فرضیه‌هایی دست یافته است. پس از این مطالعه و آگاهی به موضوع است که دانش‌جو طرح و پیش‌نهاد تحقیق خود را ارائه می‌کند.

طرح تحقیق «عبارت از چارچوب کلی تحقیق است که حیثیت‌ارایه‌ی یک نقشه را برای تحقیق دارد؛ طوری که ساختن یک تعمیر به نقشه نیاز دارد، یک تحقیق نیز به طرح تحقیق نیاز دارد. بنابراین تحقیق بدون طرح به ساختن تعمیر بدون نقشه می‌ماند.»

تهیه و ارائه‌ی طرح تحقیق باعث می‌شود که پژوهش‌گردانند دنبال چیست و حد و اندازه‌ی کارش در چه حدودی است. چارچوب کار برای پژوهش‌گر مشخص می‌شود؛ بنابراین پژوهش‌گرد چارچوب حاشیه‌پردازی و ارائه‌ی اطلاعات برای پُر کردن مطلب نمی‌شود. در ضمن، تهیه‌ی طرح تحقیق به کسانی که تصمیم می‌گیرند موضوع پایان‌نامه و تحقیق را بپذیرند، نیز کمک می‌کند تا ارتباط درستی با ایده‌ی پژوهش‌گر برقرار کنند و موضوع تحقیق و حد و حدودی تحقیق دانش‌جو را بدانند و تصمیم‌شان را نسبت به پذیرش پایان‌نامه اعلام بدارند.

طرح تحقیق بنام‌های پیش‌نهاد تحقیق و پروپوزل نیز یاد می‌شود. تعدادی از

موسسه‌های پژوهشی و علمی و دانش‌گاه‌ها برای ارایه‌ی طرح تحقیق یا پروپوزل، فرم و برگه‌های ویژه‌ای دارند که اطلاعات مربوط به موضوع و چگونگی اجرای طرح پایان‌نامه در آن برگه‌ها آورده می‌شود. این اطلاعات از فرم طرح تحقیق یک دانش‌گاه تا دانش‌گاه دیگر تفاوت می‌کند، اما به صورت اغلب این موارد شامل طرح تحقیق می‌شوند: مقدمه، مساله‌ی تحقیق، نظریه‌ی تحقیق، فرضیه‌ی تحقیق، هدف تحقیق، اهمیت تحقیق، پیشینه‌ی تحقیق و روش تحقیق. این موارد همه در ادامه‌ی مقدمه آورده می‌شود و در تحقیق، فصل اول تحقیق به شمار می‌رود.

مقدمه

به صورت معمول طرح تحقیق با مقدمه آغاز می‌شود. این مقدمه، مقدمه‌ی عمومی کتاب نیست، بلکه مقدمه‌ی طرح تحقیق است که مساله‌ی تحقیق، روش و راه‌کارهای تحقیق را به معرفی می‌گیرد. اما مقدمه‌ی عمومی تحقیق پس از تکمیل و پایان تحقیق نوشته می‌شود و آگاهی از موضوع تحقیق به خواننده ارایه می‌دهد که خواننده نسبت به موضوع آگاهی می‌یابد و تصمیم می‌گیرد که تحقیق را بخواند یا نخواند.

پژوهش‌گران و نویسندگان توانا مقدمه‌ی عمومی را طوری می‌نویسند که برای خواننده مساله یا مجهولی را طرح می‌کنند؛ با این طرح امر مجهول، کنج‌کاوی و شوق خواننده را نسبت به موضوع تحقیق برمی‌انگیزانند تا این‌که خواننده مشتاق یافتن پاسخ امر مجهول می‌شود و تصمیم می‌گیرد تحقیق را بخواند. بنابراین به‌تراست مقدمه‌ی عمومی با اطلاعات جالب توجه و جذاب آغاز شود اما به این امر باید توجه شود که آن چه در مقدمه ارایه می‌شود واقعی و تحقق‌پذیر و مرتبط به مساله‌ی تحقیق باشد.

در یک مقدمه‌ی روش‌مند که به عنوان مقدمه‌ی طرح تحقیق ارایه می‌شود، باید به این هفت مورد (مساله‌ی تحقیق، نظریه‌ی تحقیق، فرضیه‌ی تحقیق، هدف تحقیق، اهمیت تحقیق، پیشینه‌ی تحقیق و روش تحقیق) پرداخت

و این هفت مورد را روشن کرد. تفاوت نمی‌کند که این هفت مورد زیر عنوان «مقدمه» بدون دادن عنوان بیان می‌شود یا زیر عنوان مقدمه با دادن عنوان‌های فرعی بیان می‌شود. در هر صورت این موارد، شامل مقدمه (طرح تحقیق) است، چه به آنها عنوان بدهیم و چه عنوان ندهیم، اما به تراس است برای این موارد، زیر عنوان مقدمه (که همان طرح تحقیق است) عنوان فرعی در نظر بگیریم.

مساله‌ی تحقیق

بارها اشاره شد که هر تحقیق و پژوهش در واقع با هدف پاسخگویی به «پرسش» یا راه‌حلی برای «مساله‌ی اصلی» آغاز می‌شود و برای این‌که انسجام، هدف‌مندی و کاربردی بودن تحقیق حفظ شود باید تحقیق متمرکز بر مساله‌ی اصلی سازمان‌دهی و تنظیم شود.

هر مساله‌ی اصلی‌ای در حوزه‌ی یک مساله‌ی کلی قرار دارد؛ یعنی هر مساله‌ی اصلی‌ای شامل سوال‌های فرعی و حاشیه‌ای نیز می‌شود که برای فهم‌پذیری و ارایه‌ی پاسخ کلی از مساله‌ی اصلی کمک می‌کند. «مساله مانعی است که بر سر راه هدف پدیدار می‌شود.» بنابراین مساله‌ی تحقیق، معرفی همین مانع است.

این مانع باید معرفی شود تا با شناخت مانع بتوانیم مانع را رفع کنیم و به هدف مورد نظر برسیم. پس در مساله‌ی تحقیق باید به این پرسش پاسخ گفت که مانع یا موانع برای رسیدن به هدف چیست. چه مشکلی وجود دارد که یک ایده یا یک پدیده آن چنان‌که باید شناخته شود، شناخته نمی‌شود.

نظریه‌ی تحقیق

در صورتی‌که پژوهش از منظر یک روی‌کرد فکری یا نظریه‌ی مشخصی به مساله پردازد؛ به تراس است نظریه‌ی تحقیق معرفی شود. تحقیق معمولاً از پشت‌وانه‌ی نظری برخوردار است. یعنی هیچ تحقیقی نیست که از نظریه‌های پژوهشی قبل

فصل پنجم: طرح تحقیق و کلیات | ۱۶۱

از خود یا روزگار خود اثر پذیر نباشد. از این رو، پژوهش‌گرا از چارچوب نظری‌ای که استفاده کرده است، چارچوب نظری تحقیق خود را معرفی کند. در تعریف نظریه گفته شد: «نظریه دیدگاهی عمومی است که رابطه‌ی پدیده‌ها و مفاهیم را توضیح می‌دهد.» انسان از مناسبات پدیده‌ها و مناسبات زندگی و جهان بر مبنای نظریه‌ها شناخت ارایه می‌کند که این نظریه‌ها شامل نظریه‌های دینی، فلسفی و علمی می‌شود.

باید تاکید کرد که در رشته‌ی علمی، نظریه‌های مدون و نسبتاً پذیرفته شده که مورد اجماع نظر دانش‌مندان همان رشته است، وجود دارد. پژوهش‌گرانی که تحقیق می‌کنند، معمولاً در چارچوب نظری تحقیق خود به نظریه‌های علمی پذیرفته شده، توجه می‌کنند. پس به تراس است که نظریه‌ی تحقیق خود را معرفی کنند. در واقع طرح تحقیق معرفی نظریه‌ی تحقیق است. زیرا مساله، فرضیه و... شامل نظریه‌ی تحقیق یا فرایند کشف علمی مساله‌ی تحقیق است. در صورتی که پژوهش‌گر، تحقیق را به هدف نظریه‌پردازی انجام می‌دهد، در این صورت چارچوب نظری را می‌سازد و بر مبنای آن چارچوب، فرضیه یا فرضیه‌های را می‌آزماید.

فرضیه‌ی تحقیق

فرضیه در تحقیق، حدس‌ها و گمان‌های خردمندان‌ای است که نسبت به مساله‌ی تحقیق ارایه می‌شود و تحقیق بر اساس همان فرضیه‌ها به پیش می‌رود که در پایان تحقیق یا فرضیه‌ها تایید می‌شوند یا رد.

به طور مثال «مشکل فساد اداری در افغانستان» مساله‌ی تحقیق است، اما برای وجود این مساله چند فرضیه بر مبنای نظریه‌ها ارایه می‌کنیم. یک فرضیه سیاسی - اجتماعی این را می‌گیریم که «سیاست‌مداران افغانستان به افغانستان علاقه و دل‌بستگی ندارند، تابعیت خارجی دارند، این جا برای جمع‌آوری پول می‌آیند و با وسایل و ترفند ممکن، بیت‌المال و سرمایه‌ی ملی

را می‌گیرند و در خارج سرمایه‌گذاری می‌کنند که سبب رواج فساد در افغانستان می‌شود.» در جریان تحقیق با جمع‌آوری اسناد و شواهد، می‌بینیم که این فرضیه ثابت می‌شود یا نه؛ اگر ثابت شد، پاسخ مسأله‌ی ارایه می‌شود، اگر ثابت نشد، عوامل دیگر، باعث فساد شده که در جریان تحقیق به آن متوجه می‌شویم و فرضیه‌ی خود را اصلاح یا از نو طرح می‌کنیم.

هدف تحقیق

تعیین هدف به پژوهش‌گر کمک می‌کند تا از اول بداند، مقصد او چیست و چه انتظاری از اجرای تحقیق دارد. معلوم‌دار است که هدف کلی پژوهش‌گراز تحقیق حل یک مسأله است؛ اما باید برای خود و برای دیگران مشخص کند که این کار در شرایط کنونی برای کدام هدف ویژه اجرا می‌شود.

در یک نگاه کلی هدف تحقیق را می‌توان پاسخ‌یابی و راه‌حل‌سازی برای پرسش یا مسأله‌ی اصلی تحقیق دانست. بعضی از تحقیق‌ها هدف بنیادی دارند که دانش و علم را توسعه می‌دهند؛ بعضی از پژوهش‌ها هدف کاربردی دارند که به بهبود یک روش علمی می‌پردازند؛ و بعضی از تحقیق‌ها هدف توسعه‌ای دارند که می‌خواهند به یک نیاز فوری پاسخ بدهند، یعنی این‌که چگونه آموزش می‌تواند به یادگیری به‌تر زبان بانجامد و...

اهمیت تحقیق

معمولاً اهمیت تحقیق از دو نگاه مهم است: از نگاه نظری و علمی و از نگاه کاربردی و اجرایی. محقق باید بیان کند که از نظر علمی تحقیق او چه جای‌گاهی دارد و با تحقیقات قبلی چه تفاوتی دارد و از نظر علمی چه خلایمی را پُر می‌کند. از نگاه کاربردی و اجرایی چه مشکلی را حل خواهد کرد و در چه عرصه‌هایی مورد استفاده خواهد بود.

به طور مثال دانش جویی در باره‌ی نقض حقوق کودک در خانواده تحقیق

فصل پنجم: طرح تحقیق و کلیات | ۱۶۳

می‌کند. اهمیت علمی تحقیق خود را این گونه بیان می‌کند که تا هنوز کسی در افغانستان به حقوق کودک در خانواده نپرداخته، اصلاً خانواده‌ها نمی‌دانند که کودک برافراد خانواده حقوق دارد. بنابراین این تحقیق در رشته‌ی حقوق می‌تواند خلای علمی‌ای که در باره‌ی حقوق کودک در این رشته وجود دارد، این خلارا پرکند.

از نظر اهمیت کاربردی و اجرایی استادان حقوق می‌توانند از یافته‌های این تحقیق در درس‌های شان استفاده کنند و مضمونی را بنام حقوق کودک در رشته‌ی حقوق اضافه کنند. نهادهای حقوقی و آموزشی نیز می‌توانند براساس یافته‌ها و پیش‌نهادهای این تحقیق که چگونه می‌توانیم در خانواده به حقوق کودک احترام بگذاریم، خانواده‌ها را از حقوق کودک آگاه بسازند.

پیشینه‌ی تحقیق

بیان پیشینه‌ی تحقیق نشان‌دهنده‌ی آگاهی و تسلط محقق بر موضوع تحقیق است. یعنی محقق کار خویش را پس از بررسی و ارزیابی پیشینه‌ی تحقیق آغاز می‌کند؛ با بررسی پیشینه‌ی تحقیق است که محقق لازم می‌بیند تا در باره‌ی موضوعی تحقیق کند، زیرا نسبت به آن موضوع، خلایی را درک می‌کند و با تحقیق خویش آن خلارا پُر می‌کند.

در پیشینه‌ی تحقیق به این موارد باید پرداخته شود: منابع عمومی موجود در موضوع مورد تحقیق معرفی شود؛ مهم‌ترین تحقیقاتی که تا هنوز در باره‌ی موضوع مورد تحقیق صورت گرفته به اساس تاریخ معرفی شود؛ نتیجه و روش کارهای قبلی نسبت به موضوع تحقیق به صورت خلاصه در چند سطر (یک بند نوشت / پاراگراف) بیان شود؛ به تفاوت روش و روی‌کرد تحقیق کنونی با کارهای قبلی، اشاره صورت بگیرد؛ و این نیز مشخص شود که نسبت به کارها و تحقیقات موجود، چه مواردی را تحقیق فعلی اضافه می‌کند، یا چه دیدگاه انتقادی‌ای نسبت به کارهای قبلی دارد که مواردی را در کارهای قبلی رد کند، یا این‌که

کارهای قبلی از نظر اطلاعات جدید نیاز به به‌روزشدن داشته است که اطلاعاتی به آن افزوده شده و به‌روز شده است.

روش تحقیق

در هر رشته‌ی علمی ای روش‌های تحقیق تفاوت می‌کند. در رشته‌های ساینسی برای تحلیل اطلاعات بیش‌تر روش کمی و آماری کاربرد دارد و در رشته‌های علوم اجتماعی و ادبی برای تحلیل اطلاعات بیش‌تر روش کیفی و توصیفی کاربرد دارد. در رشته‌های ساینسی که اطلاعات بیش‌تر کمی و آماری است، اطلاعات به اساس مشاهده و تجربه تجزیه و تحلیل می‌شود. در رشته‌های علوم اجتماعی که اطلاعات بیش‌تر کیفی است، اطلاعات به اساس استدلال و دریافت‌های عقلی تجزیه و تحلیل می‌شود.

از نظر جمع‌آوری اطلاعات در هر رشته علمی ای تفاوت روش وجود دارد که به اساس روش کتاب‌خانه‌ای، میدانی، آزمایش‌گاهی و... صورت می‌گیرد. در رشته‌های مانند حقوق، ادبیات، علوم سیاسی و... در جمع‌آوری اطلاعات از روش کتاب‌خانه‌ای بیش‌تر استفاده می‌شود و در تحلیل اطلاعات، روش کیفی، بیش‌تر کاربرد دارد.

محقق باید در روش تحقیق از چگونگی شناخت پیشینه‌ی تحقیق؛ از چگونگی تفاوت تحقیق‌اش با پیشینه‌ی تحقیق؛ از چگونگی گردآوری مواد (داده) و تبدیل آن به اطلاعات؛ از چگونگی دسته‌بندی مطالب؛ از چگونگی فرایند (مرحله‌ها) اجرایی پژوهش؛ و از چگونگی تحلیل اطلاعات (کیفی، کمی یا کیفی و کمی) معلومات ارایه کند.

تاکید باید کرد دست‌یابی به هدف‌های پژوهش، زمانی حاصل می‌شود که جست‌وجوی شناخت با روش‌شناسی درست انجام پذیرد. روش‌شناسی پژوهش را منظم، منطقی و اصولی کرده و جست‌وجوی علمی را نیز راه‌بری و مدیریت می‌کند.

فصل ششم (بدنه‌ی اصلی تحقیق)

مقدمه

این فصل به معرفی بدنه‌ی اصلی تحقیق و چگونگی دسته‌بندی موضوع و مطالب بدنه‌ی تحقیق می‌پردازد. مرحله‌ی اجرایی تحقیق با بدنه‌ی اصلی تحقیق آغاز می‌شود. در بدنه‌ی تحقیق، مساله و موضوع تحقیق به بحث گرفته می‌شود و اطلاعات برای حل مساله و بیان موضوع مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

بنابراین بدنه‌ی اصلی تحقیق، قسمت اصلی تحقیق است. طراحی و برنامه‌ریزی‌ای که برای تحقیق در نظر گرفته شده است و اطلاعاتی که گردآوری شده است، همه در بدنه‌ی اصلی تحقیق مورد استفاده و کاربرد قرار می‌گیرند و جنبه اجرایی پیدا می‌کنند.

اهداف کلی

هدف از آرایه‌ی این فصل:

- ۱- دانش جویان با بدنه‌ی اصلی تحقیق آشنا می‌شوند.
- ۲- اهمیت و جایگاه بدنه‌ی اصلی را در تحقیق و در بررسی موضوع و مساله‌ی تحقیق می‌دانند.

- ۳- به اهمیت گردآوری اطلاعات برای بحث و بررسی موضوع و مسأله‌ی تحقیق پی می‌برند.
- ۴- اهمیت دسته‌بندی موضوع و مطالب در بدنه‌ی اصلی تحقیق را می‌دانند.

اهداف رفتاری (عملی)

از دانش‌جویان گرامی انتظار می‌رود پس از مطالعه‌ی این فصل این موارد را بدانند:

- ۱- در بدنه‌ی اصلی تحقیق بررسی، بحث و استدلال برای چیست؟
- ۲- موضوع و مطالب را در بدنه‌ی اصلی تحقیق چگونه و با چه ویژگی و شرایطی دسته‌بندی کنیم؟
- ۳- منابع را برای تحقیق چگونه شناسایی کنیم و شناسایی منابع با شناخت و مطالعه‌ی ما از پیشینه‌ی تحقیق چه ارتباطی دارد؟
- ۴- اطلاعات را چگونه و با چه روشی از منابع بیرون‌نویس و گردآوری کنیم؟
- ۵- در تحلیل اطلاعات از چه روش‌های باید کار گرفت؟
- ۶- یافته‌ها، سخنان و ایده‌های دیگران را چگونه مستندسازی کنیم؟

بدنه‌ی اصلی تحقیق (بحث و تحلیل)

چنان‌که از نام «بدنه‌ی اصلی تحقیق» معلوم است، این بخش قسمت اساسی و عملی تحقیق است. یعنی تحقیق با این بخش آغاز می‌شود. فصل اول آرایه‌ی طرح تحقیق است، شامل کلیات می‌شود. در طرح تحقیق حدود و امکان‌های تحقیق معرفی می‌شود. در بخش بدنه‌ی اصلی تحقیق، طرح و نقشه‌ای که برای تحقیق در نظر گرفته شده است، به صورت عملی تطبیق و اجرای آن آغاز می‌شود.

بدنه‌ی اصلی تحقیق بحث، بررسی، تجزیه و تحلیل اطلاعات برای حل مسأله است. جوهر تحقیق و روش تحقیق در این بخش نمودار می‌شود. شیوه‌ی

فصل‌بندی موضوعات، سازگاری روش با تحلیل، نوع استدلال‌ها و نظم منطقی بخش‌ها همگی سبب استحکام و قدرت تاثیر تحقیق می‌شود. هر تحقیقی به اقتضای موضوع، مساله، نوع اطلاعات و روش شکل خاصی از بحث و استدلال را می‌خواهد. بنابراین موفقیت در بخش بحث و استدلال تحقیق مستلزم داشتن آگاهی، دانش و ذهن تحلیل‌گر است. در ضمن داشتن آگاهی و... بحث و استدلال به برنامه‌ریزی و دقت در کاربرد روش‌های پژوهش نیز نیازمند است.

چگونگی موضوع‌بندی (دسته‌بندی بدنه‌ی تحقیق)

بدنه‌ی اصلی تحقیق، بخش اصلی تحقیق است. بنابه حدود موضوع و مساله‌ی تحقیق، مقدار حجم اطلاعات برای تحلیل و ارایه‌ی پاسخ به موضوع و مساله‌ی تحقیق است که معلوم می‌شود، تحقیق شامل چند فصل و دربرگیرنده‌ی چند صفحه باشد.

بنابراین بدنه‌ی اصلی تحقیق را باید به موضوع‌ها در فصل‌ها دسته‌بندی کرد. این دسته‌بندی از نظر منطقی باید روش‌مند باشد. یعنی این‌که کدام موضوع چرا در فصل نخست بیاید و کدام موضوع بعد از آن. دسته‌بندی موضوعات طوری باید باشد که از نظر معنادهی، یک‌دیگر را تقویت کند و طوری تنظیم شود که مرحله به مرحله از نظر روش به حل مساله‌ی تحقیق بپردازد.

یکی از ویژگی‌های علم و روش علمی این است که موضوع‌های مورد نظر را به اجزای دسته‌بندی می‌کند، سپس هر جز را طوری در کنار هم به کار می‌بندد که کلیت را ارایه کند. اگر موضوع را نتوانیم به اجزای مشخص دسته‌بندی کنیم، نمی‌توانیم درست تحقیق کنیم، زیرا اجزای موضوع مشخص نیست، همه‌چه درهم و برهم است. با دسته‌بندی موضوع به اجزای است که کار روش‌مند می‌شود و می‌دانیم کدام اطلاعات را در کدام جز یا بخش موضوع به کار ببندیم.

ارایه‌ی فهرست مطالب از موضوع بیان‌گر دسته‌بندی موضوع تحقیق

است؛ زیرا موضوع را بنابه درکی روش مند از موضوع به فصل‌ها، فصل‌ها را به عنوان‌های اصلی و فرعی دسته‌بندی می‌کند که در هر فصل و عنوان، طبق رابطه‌ی موضوعی و منطقی، اطلاعات جابه‌جا و تحلیل می‌شود تا سبب تقویت کلیت موضوع تحقیق شود.

چگونگی شناسایی و ارزیابی منابع

هر تحقیق به مواد، اطلاعات و اسناد نیاز دارد، این مواد را باید از منابع فراهم کرد. در روش کتاب‌خانه‌ای، مواد و اطلاعات از کتاب‌ها فراهم می‌شود. یعنی منابع بیش‌تر برای تهیه‌ی اسناد و اطلاعات تحقیق کتاب است.

پرسش این‌گونه می‌تواند مطرح شود؛ چگونه منابع شناخته و ارزیابی شود تا از منابع دست اول و دست دوم شناخت صورت بگیرد؟ آیا از هر کتاب و مقاله‌ای که به نوعی به موضوع تحقیق ارتباط می‌گیرد، می‌تواند استفاده شود؟ می‌توان برای شناسایی منابع از اسناد ره‌نما یا از افرادی که صلاحیت علمی در باره‌ی موضوع تحقیق دارند، مشوره گرفت و کمک خواست تا منابع دست اول و دوم را معرفی کند.

باید متوجه بود از هر کتاب و مقاله‌ای که به نوعی به موضوع تحقیق ارتباط می‌گیرد، نمی‌توان استفاده کرد. لازم است بررسی شود که کتاب یا مقاله از چه جای‌گاه علمی‌ای برخوردار است، از کدام آدرس علمی نشر شده است، ارایه‌ی کتاب و مقاله از نظر روش علمی چگونه است، نتایجی را که دریافته تازه و دارای اهمیت است یا نیست؟

چگونگی شناسایی و ارزیابی منابع، این‌که کدام منابع معتبر و قابل استفاده است یا نیست؛ ارتباط می‌گیرد به مطالعه‌ی پژوهش‌گر در باره‌ی پیشینه‌ی موضوع تحقیق. اگر پژوهش‌گر مطالعه‌ی دقیقی از پیشینه‌ی تحقیق داشته باشد، می‌تواند منابع را در باره‌ی موضوع شناسایی کند و بعد منابع معتبر و قابل استفاده را از منابع غیر معتبر، تفکیک کند. در صورتی‌که دقت نشود و در باره‌ی

پیشینه‌ی موضوع تحقیق مطالعه صورت نگیرد؛ خطا و اشتباه پیش می‌آید و منابع دقیق و مورد استفاده در باره‌ی موضوع تحقیق شناسایی نمی‌شود. شناسایی منابع ارتباط مستقیمی با چگونگی مطالعه‌ی پیشینه‌ی موضوع تحقیق دارد. در باره‌ی پیشینه‌ی موضوع تحقیق باید مطالعه‌ی دقیق و جدی صورت بگیرد تا اطلاعات کافی در باره‌ی پیشینه‌ی موضوع تحقیق به دست آید که کار تکراری دو باره تکرار نشود. بعد از این مراحل است که پژوهش‌گر صلاحیت پیدا می‌کند تا در باره‌ی موضوع با استفاده از منابع، اطلاعات گردآوری نماید و این اطلاعات را پس از بررسی در فصل‌ها و عنوان‌ها قرار داده، تجزیه و تحلیل کند.

چگونگی استفاده از منابع (شناخت درست اطلاعات)

پس از شناسایی منابع به این نیاز است که اطلاعات مورد نظر چگونه باید از منابع بیرون نویسد تا از آن استفاده صورت بگیرد. طبعاً این کار به مطالعه‌ی منابع نیاز دارد. با مطالعه‌ی منابع می‌توان نسبتاً به اطلاعات مورد نظر دست پیدا کرد.

مطالعه برای تحقیق، مطالعه‌ی جدی و روش‌مند است. روش‌مند به این معنا که از معلومات و اطلاعات مورد نظر در ورق‌های خاصی که به آنها «فیش» می‌گویند، یادداشت برداری صورت بگیرد. این یادداشت برداری در اوراق، طبق دسته‌بندی موضوع تحقیق باید صورت گیرد. یعنی اوراق باید از نظر موضوعی دسته‌بندی شود و هر موضوع در همان اوراق یادداشت شود.

به‌تراست در پایین هر یادداشت، مشخصات منبع نیز ذکر شود؛ مانند نام خانوادگی نویسنده، نام کتاب و شماره صفحه‌ای که مطلب از آن یادداشت شده، ثبت شود. اگر مطلب به صورت مستقیم گرفته شده باشد، این مستقیم‌گرفتن نقل قول مستقیم است. نقل قول داخل گیومه باید بیاید. اگر ایده و مفهوم مطلب گرفته شده است، لازم نیست داخل گیومه بیاید، اما در هر دو

صورت ذکر ماخذ مهم است.

چیزی که مهم است شناخت معلومات و اطلاعات است. یعنی هر معلومات و اطلاعاتی را نمی‌توان وارد تحقیق کرد و کار را طوری ارایه کرد که تعدادی از تعریف، معلومات و اطلاعات سرهم شده باشد و هیچ تشخیص و شناختی از چگونگی معلومات و اطلاعات صورت نگرفته باشد.

گردآوری مواد، مرحله‌ای از تحقیق است و شناسایی و بررسی این مواد، مرحله‌ای دیگر تحقیق است. هنگامی که مواد گردآوری شد، بعد این مواد و معلومات مورد ارزیابی قرار بگیرد، یعنی سره و ناسره شود، دیده شود که این مواد و معلومات چقدر به موضوع تحقیق ارتباط دارد و تا چه اندازه‌ای می‌تواند به عنوان سند برای حل مسله و پاسخ‌گویی به مساله‌ی تحقیق، اهمیت داشته باشد.

این جاست که مواد پس از بررسی، اهمیت و جنبه‌ی اطلاعی پیدا می‌کند و بخشی از مواد تبدیل به اطلاعات مورد استفاده در تحقیق می‌شود و بخش دیگر مواد جنبه و اهمیت اطلاعی برای تحقیق پیدا نمی‌کند و قابل استفاده در تحقیق نیست.

چگونگی تحلیل، بررسی و ارزیابی اطلاعات و اسناد برای حل مساله‌ی تحقیق

پس از مطالعه‌ی پیشینه‌ی موضوع تحقیق، دسته‌بندی موضوع تحقیق، گردآوری معلومات و اطلاعات و بررسی اطلاعات مفید برای موضوع و مساله‌ی تحقیق، نوبت به استفاده‌ی اطلاعات و نوشتن تحقیق می‌رسد که این مرحله، مرحله‌ی اجرایی تحقیق است.

با وصفی که محقق طرح تحقیق را ارایه کرده، برای اجرایی‌کردن تحقیق برنامه‌ریزی کرده و روش تحقیق را بنابه چگونگی مساله‌ی تحقیق و گردآوری اطلاعات مشخص کرده است؛ با این هم تحلیل، ربط‌دهی و استدلال اطلاعات مرتبط به مساله‌ی تحقیق به دانش و تسلط محقق به موضوع تحقیق ارتباط

می‌گیرد. اگر پژوهش‌گردانش لازم در باره‌ی موضوع نداشته باشد، توانایی تحلیل و استدلال اطلاعات را نداشته باشد و نتواند از اطلاعات برای بررسی مساله و پاسخ‌گویی به مساله استفاده کند، نمی‌تواند تحقیق، مرتب و منظم ارایه شود. از اطلاعات به صورت مناسب نمونه‌گیری کند و از نمونه‌گیری در جای مناسب و به منظور مشخصی استفاده کند. نمونه‌ها را بتواند با تحلیل به هم ربط بدهد تا با تابعیت از روش به هدف برسد. هدف همان حل مساله و پاسخ‌گفتن به مساله است که حل مساله با ارایه‌ی نمونه و تحلیل این نمونه‌ها ممکن است، در غیر آن نمی‌توان راه حل به مساله ارایه کرد.

غیر از این‌که نمونه‌ها را تحلیل باید کرد و به هم ربط باید داد، مهم این است که از نمونه‌ها به عنوان سند، چگونه می‌توان مستندسازی کرد تا اعتبار سند بودن نمونه‌ها ثابت شود. مستندسازی نمونه‌ها از مهارت‌های مهم کار پژوهش به شمار می‌رود که علاوه بر اعتباربخشیدن به پژوهش از سرقت علمی نیز جلوگیری می‌کند. در ارایه‌ی پایان‌نامه و هر نوشته تحقیقی دیگر با سخنان دیگران اهمیت بخشیده می‌شود یا اعتبار علمی تحقیق به یافته‌ها و سخنان دیگران مستند می‌شود.

بنابراین اگر نمونه‌هایی از سخنان دیگران آورده می‌شود یا در استدلال از ایده‌ی دیگران بهره‌برداری صورت می‌گیرد، در صورتی‌که نوشته‌ی دیگران عیناً (نقل مستقیم) در تحقیق بیاید، لازم است، داخل گیومه آورده شود اما اگر از ایده‌ی دیگران مفهوم گرفته شود و عیناً نوشته‌ی دیگران نقل نشود، در آن صورت، نقل غیر مستقیم است و داخل گیومه نمی‌آید، اما در هر صورت، ذکر ماخذ و منبع ضروری و لازم است.

به‌تر است اطلاعات، سرهم و بدون تحلیل آورده نشود، آوردن اطلاعات پی‌هم و سرهم ارزش و اعتبار پژوهشی ندارد؛ هرچه اطلاعات تحلیل شود و از نظر موضوعی و منطقی به هم ربط داده شود و در باره‌ی اطلاعات برای حل مساله و موضوع تحقیق بحث شود به همان اندازه، از اطلاعات استفاده‌ی

درست و پژوهشی صورت می‌گیرد.

در تحلیل اطلاعات است که تحقیق جنبه‌ی اجرایی پیدا می‌کند. اگر اطلاعات درست تحلیل نشود با وصفی که طرح تحقیق به خوبی ارائه شده باشد؛ تحقیق پیاده نمی‌شود و جنبه‌ی اجرایی پیدا نمی‌کند. جنبه‌ی اجرایی تحقیق به چگونگی تحلیل اطلاعات ارتباط می‌گیرد. تحلیل اطلاعات به برخورد روش مند، منطقی بودن، علمی بودن و چگونگی شیوه‌ی نگارش و مهارت و توانایی نگارش محقق ربط دارد.

فصل هفتم (ارایه‌ی نتیجه و نتیجه‌گیری)

مقدمه

هر تحقیق نیازمند ارایه‌ی نتیجه است. این فصل به چگونگی نتیجه‌گیری تحقیق پرداخته و به اهمیت نتیجه در تحقیق توجه کرده است. ویژگی‌های نتیجه‌ی تحقیق خوب بیان شده، در ضمن تاکید شده که از چه مواردی باید در ارایه‌ی نتیجه، خوداری کرد.

به پیش نهاد تحقیق نیز اشاره شده است، این که ارایه‌ی پیش نهاد در تحقیق به ادامه‌ی تحقیق در موضوع چگونه می‌تواند کمک کند.

اهداف کلی

هدف از ارایه‌ی این فصل:

- ۱- دانش جویان اهمیت ارایه‌ی نتیجه را در تحقیق می‌دانند.
- ۲- با ویژگی‌های تحقیق آشنا می‌شوند.
- ۳- تفاوت یافته‌های نتیجه و پیش نهاد تحقیق را درک می‌کنند.

اهداف رفتاری (عملی)

از دانش جویان گرامی انتظار می‌رود پس از مطالعه‌ی این فصل این موارد را بدانند:

- ۱- تحقیق بی‌ارایه‌ی نتیجه چه کاستی خواهد داشت؟
- ۲- نتیجه و یافته‌های تحقیق پاسخ به کدام موارد در تحقیق است؟
- ۳- یافته‌های یک پژوهش به کدام دو بخش تقسیم می‌شود؟
- ۴- در ارایه‌ی نتیجه چه ویژگی‌هایی را در نظر باید گرفت و از ارایه‌ی چه مواردی باید خودداری کرد؟
- ۵- پیش‌نهاد به چه منظوری ارایه می‌شود؟
- ۶- پژوهش‌گر چگونه به پیش‌نهاد دست پیدا می‌کند؟

ارایه‌ی نتیجه‌ی تحقیق

هر پژوهش، تلاش منطقی، سازمان‌یافته و علمی برای دست‌یابی به پاسخ یک پرسش یا راه‌حل برای یک مسأله است. برای رسیدن به «پاسخ‌ها» و «راه‌حل‌ها» که در واقع هدف‌های اصلی یک پژوهش استند باید مسیری را طی کرد. چگونگی طی کردن این مسیر، تابع عوامل گوناگونی است؛ مانند ماهیت مسأله و چگونگی گردآوری روش اطلاعات تحقیق، چگونگی روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و ...

مسیرهای پژوهش در واقع فرایندهای استند، شامل گام‌ها و مرحله‌هایی که باید پژوهش‌گر اقدام‌های گوناگون و متناسب با آنها را به عمل آورد. برای تحقیق برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد، طبق این برنامه‌ریزی مرحله به مرحله تحقیق اجرایی می‌شود:

در باره‌ی موضوع تحقیق مطالعه می‌شود؛ طرح تحقیق ارایه می‌شود؛ از منابع یادداشت‌برداری صورت می‌گیرد؛ بعد با استفاده از طرح تحقیق و گردآوری اطلاعات؛ این اطلاعات تدوین و نوشته می‌شود؛ و با این تدوین و نوشتن است که ایده و فکر نسبت به موضوع و مسأله‌ای، به صورت منطقی، روش‌مند، مستدل و مستند بیان می‌شود.

اما ارایه‌ی این همه دلایل و اسناد که بیان شده‌اند به یک جمع‌بندی نیاز

دارند تا به نتایج و یافته‌هایی که بنابه ارزیابی دلایل، اسناد و اطلاعات به دست آمده، مشخص شود. بنابراین برای تحقیق باید مرحله‌ای نتیجه‌گیری نیز در نظر گرفته شود، اگر از تحقیق نتیجه‌ارایه نشود به این می‌ماند که «از تحقیق هر کس هر چه خواست برداشت کند!» درحالی‌که معنای تحقیق این است که محقق می‌گوید این مشکل وجود داشت، من این مشکل را به مساله تبدیل کردم و مساله را حل کردم؛ نتیجه‌ی حل مساله این است.

ارایه‌ی نتیجه و نتیجه‌گیری نسبتاً دشوار به نظر می‌رسد، زیرا محقق این همه کار کرده و کار را به آخر رسانده است؛ در آخر بی‌حوصله‌گی سراغ انسان می‌رسد، این بی‌حوصله‌گی باعث می‌شود که نسبت به نتیجه‌گیری سرسری و ساده‌انگارانه برخورد شود؛ درحالی‌که نتیجه‌گیری ارزیابی بیان هدف و اهمیت کار است.

آنچه که از یک پژوهش به دست می‌آید شامل دو قسمت است: نتیجه‌ها و پیشنهادها.

۱- نتیجه (یافته‌های) تحقیق: نتیجه و یافته‌های تحقیق همان اثبات یا رد فرضیه‌هایی است که برای راه‌حل یا پاسخ یک مساله در تحقیق در نظر گرفته شده است. در صورتی‌که به مساله راه‌حل و پاسخ ارایه شود، نتیجه به دست می‌آید. یافته‌های یک پژوهش به دو دسته تقسیم می‌شود: یافته‌های اصلی و یافته‌های فرعی. یافته‌های اصلی همان پاسخ‌های مساله و سوال‌های تحقیق است. یافته‌های فرعی، دستاوردهای است که پژوهش‌گر ناخواسته در جریان پژوهش و تحقیق به آنها می‌رسد.

در نتیجه‌گیری تحقیق این موارد را باید در نظر داشت:

- ۱- جمع‌بندی و خلاصه‌ی ایده‌ها و نکته‌های مهم تحقیق: البته نتیجه‌گیری به معنای خلاصه‌کردن تحقیق نیست، بلکه باید هدف‌های اولیه‌ی تحقیق، نتایج حاصل از تحقیق و اهمیت مطالب در نتیجه‌گیری بیان شود.
- ۲- ارزیابی و قضاوت درباره‌ی اهمیت موضوع تحقیق.
- ۳- تاکید بر آمار و نتایج حاصل از آنها.

- ۴- پیش نهاد یک راه کار یا توصیه‌ی انجام یک کار بر مبنای این پژوهش.
 - ۵- بیان چشم انداز آینده‌ی موضوع مبتنی بر ایده‌ی اصلی تحقیق.
 - ۶- پیش نهاد برای پژوهش‌های بعدی یا طرح پرسش‌هایی که خواننده را به اندیشیدن در باره‌ی موضوعی وادارد.
- در نتیجه‌گیری باید از این موارد دوری کرد:
- ۱- در نتیجه‌گیری نباید حاشیه‌پردازی و درازگویی صورت بگیرد. نتیجه‌گیری هرچه واضح، مشخص و فشرده باشد به تر است.
 - ۲- رابطه‌ی نتیجه‌گیری از نظر منطقی نباید با بخش پایانی تحقیق گسسته شود، باید به طور منطقی از آخرین بخش تحقیق وارد نتیجه‌گیری شد.
 - ۳- در نتیجه‌گیری تغییر برداشت ندهید؛ یعنی برداشت و دیدگاه نهایی محقق نباید با دیدگاه‌ها و برداشت‌هایی که در سراسر تحقیق ارایه شده، در تناقض باشد.
 - ۴- دوباره ایده‌ی اصلی تحقیق کلمه به کلمه بازگو نشود، زیرا تکراری و ملال آور می شود.
 - ۵- نتایج را شرح و تفسیر با نتایج دیگران مکنید.
 - ۶- در باره‌ی علت و روش به دست آمدن نتایج بحث لازم نیست، زیرا تمام این مباحث در بخش بدنه‌ی اصلی تحقیق باید صورت گرفته باشد.
 - ۷- در نتیجه‌ی تحقیق از گنجاندن نکته‌ی تازه، مطالب جزئی و فرعی، نقل قول و مطالبی که به تراضی و فرضیات تحقیق مرتبط نیست خودداری شود.
- ۲- **پیش نهادهای تحقیق:** محقق پس از انجام تحقیق ممکن است نسبت به موضوع تحقیق به مساله‌ها و مجهول‌های تازه‌ای دست پیدا کند. دست یافتن به مساله‌ها و مجهول‌های تازه نشان دهنده‌ی این است که تحقیق شما افق‌های تازه‌ای به روی موضوع گشوده است. برای ادامه‌ی پژوهش و جلب توجه پژوهش‌گران به تحقیق، این مجهول‌ها و مسایل زیر عنوان پیش نهادها برای تحقیق‌های بعدی پیش نهاد شود.

فصل هشتم (چگونگی منبع‌نویسی و ماخذدهی)

مقدمه

منبع‌نویسی و ماخذدهی (ارجاع‌دهی) از ویژگی‌ها و اعتبارهای پژوهش و تحقیق است که بیان‌گر اهمیت علمی در تحقیق است. این‌که چگونه بتوان منابع و ماخذ تحقیق را نشان داد، برای نشان دادن منابع و ماخذ، روش‌های متفاوتی وجود دارد. با شیوه‌های متفاوتی ماخذ و منابع، مستندسازی می‌شوند که این مستندسازی‌ها، شیوه سنتی و معاصر دارد.

در این فصل شیوه‌ی ارجاع‌دهی و ماخذدهی درون‌متن و شیوه‌ی منبع‌نویسی به اساس شیوه‌نامه‌ی روان‌شناسان آمریکا که از جمله‌ی شیوه‌های معتبر و معمول در مستندسازی ماخذ و منبع است، معرفی شده است. در روزگار معاصر، منبع‌های متفاوتی از جمله کتاب، مجله، انترنت و... وجود دارد. بنابراین به چگونگی شیوه‌ی ارجاع‌دهی درون‌متن ماخذها از منبع‌های متفاوت و چگونگی منبع‌نویسی این منبع‌های متفاوت اشاره شده است.

اهداف کلی

هدف از آرایه‌ی این فصل:

۱- اهمیت منبع و ماخذ در تحقیق علمی.

- ۲- شیوه‌ی ارجاعی دهی ماخذ در درون متن و شیوه‌ی منبع‌نویسی.
- ۳- شیوه‌ی ارجاع‌دهی درون متن و برون متن از منبع‌های متفاوت مانند کتاب، مقاله و اینترنت.

اهداف رفتاری (عملی)

از دانش‌جویان گرامی انتظار می‌رود پس از مطالعه‌ی این فصل این موارد را بدانند:

- ۱- تفاوت منبع و ماخذ در چیست؟
- ۲- در نوشتن منبع کدام اطلاعات لازم است؟
- ۳- ارجاع‌دهی درون متن را با مثال ارزی کنید؟
- ۴- از پانوشت در چه موقعی باید استفاده کرد؟
- ۶- پانوشت ارجاعی و توضیحی از هم چه تفاوتی دارند؟
- ۷- منبع اینترنتی را چگونه باید بنویسیم؟

معرفی منبع و ماخذ

معرفی منابع و ماخذدهی تحقیق برای اعتبار علمی تحقیق بسیار مهم است. اعتبار علمی یک تحقیق ارتباط به منابعی دارد که محقق در تحقیق از آنها استفاده کرده است. بنابراین هرچه منابع مورد استفاده اصلی‌تر، به‌روزتر، بیش‌تر و مرتبط‌تر باشد، ارزش علمی پژوهش نیز بیش‌تر می‌شود.

منبع یا فهرست منابع به همان بخش تحقیق گفته می‌شود که محقق در پایان تحقیق از کتاب‌ها، مقاله‌ها و... استفاده کرده است و مشخصات آنها را به عنوان منبع معرفی می‌کند.

ماخذ به ارجاع‌دهی درون متن گفته می‌شود. یعنی هر ایده، فکر، سخن، اطلاع و سندی را که از کتابی، مقاله‌ای و... گرفته‌ایم، در ختم آن ایده و فکر، در درون متن به آن ارجاع می‌دهیم.

شیوه‌ی ماخذدهی درون‌متن

شیوه‌ی ماخذدهی درون‌متن که این‌جا معرفی می‌شود به اساس شیوه‌ی منبع‌دهی و مستندسازی انجمن روان‌شناسان آمریکا صورت می‌گیرد. این شیوه‌ی ماخذدهی به نام خانوادگی نویسنده، سال نشر کتاب و صفحه‌ی کتاب که ایده یا اطلاع از آن صفحه گرفته شده است، ارجاع می‌دهد: (فتوحی، ۱۳۹۳: ۶۷). مشخصات بیش‌تر نویسنده و کتاب در فهرست منابع آورده می‌شود.

در صورتی که ایده یا اطلاع از مقاله‌ی اینترنتی، سخن‌رانی (نوار صوتی)، مصاحبه و... گرفته باشیم، صفحه نداشته باشد؛ در این صورت در درون کمانک نام خانوادگی نویسنده و سال نشر مقاله در اینترنت یا سالی که مصاحبه صورت گرفته را می‌گذاریم. به طور مثال، ماخذ ما یک مصاحبه است: (مهدیان، ۱۳۹۵). در پایان صفحه، پانویشت (ارجاع برون‌متن) می‌دهیم: مصاحبه با علی‌رضا مهدیان رییس دانش‌کده‌ی حقوق (۸ جوزا ۱۳۹۵). در منبع این‌گونه می‌نویسم: مهدیان، علی‌رضا. (۱۳۹۵). کابل: مصاحبه‌ی مولف. (۸ جوزا) [نوار موجود است].

شیوه‌ی ماخذدهی برون‌متن

ارجاع‌های برون‌متنی به دو شیوه «پانویشت» و «پی‌نوشت» ارایه می‌شود. به طور سنتی در علوم انسانی و تحقیقات ادبی، تاریخی و هنری رایج است. در شیوه‌ی «ذکر منبع» مشخصات منابع مورد استفاده را در پانویشت (پایین هر صفحه) می‌آورند یا در پی‌نوشت (پایان هر فصل یا در انتهای هر متن) بار دیگر همه‌ی مشخصات را در فهرست کتاب‌شناسی (فهرست مطالب) تکرار می‌کنند.

این روش مشکلات مربوط به منابع گوناگونی را که مبهم‌اند، حل می‌کند. مثلاً ارجاع به نسخه‌های خطی و منابعی که تاریخ نگارش مشخصی ندارند یا نویسنده‌ی آنها ناشناخته استند، در روش ارجاع درون‌متنی دشوار است، اما روش ارجاع برون‌متنی این مشکل را حل می‌کند.

پانویشت‌ها سه‌گونه است: پانویشت ارجاعی، پانویشت توضیحی و پانویشت

ارجاعی-توضیحی. امروزه پانویشت نویسی چندان معمول نیست، اما پانویشت ارجاعی برای منبع‌های از نوع مصاحبه، اینترنتی و... به کار می‌رود. پانویشت توضیحی بیش‌تر برای توضیح بعضی از اصطلاحات، کلمه‌ها و مواردی که نیاز به توضیح داشته باشند در پانویشت، توضیح داده می‌شوند. معمولاً برای مشخص کردن ارجاع پانویشت در درون متن یا شماره می‌دهند یا ستاره می‌گذارند.

شیوه‌ی منبع‌نویسی

چندین شیوه‌ی ارجاع‌نویسی و منبع‌نویسی وجود دارد که این شیوه‌ها عبارت استند از: شیوه‌ی انجمن روان‌شناسان آمریکا، شیوه‌ی انجمن زبان مدرن، شیوه‌ی انجمن پزشکی آمریکا، شیوه‌ی توراییان، شیوه‌ی دانشگاه شیکاگو، شیوه‌ی دانشگاه هاروارد و شیوه‌ی دانشگاه کلمبیا. اگرچه از نظر نام به شیوه‌های متفاوت ارجاع‌نویسی و منبع‌نویسی رو به رو می‌شویم اما واقعیت این است که تفاوت آنها با هم چندان زیاد نیست. به طور کلی همه‌ی شیوه‌نامه‌ها برای مستندسازی و منبع‌نویسی دو شیوه متفاوت را پیش‌نهاد کرده‌اند:

۱- سبک «ذکر منبع». در این سبک، به منبع یا نام کتاب بیش از نویسنده اهمیت داده می‌شود. البته برای ارجاع به آثار تاریخی و برخی دست‌نویس‌های بی‌نام و نشان کهن، این روش به‌تراست.

۲- سبک ارجاع به «نویسنده- تاریخ انتشار». در این روش تکیه بر نام نویسنده و تاریخ انتشار منبع است.

از بین این شیوه‌نامه‌ها شیوه‌ی انجمن روان‌شناسان آمریکا معیار در نظر گرفته شده است و این شیوه معرفی می‌شود. در این شیوه‌ی ارجاع به اساس ارجاع درون‌متن صورت می‌گیرد. ماخذهی درون‌متن به «نام خانوادگی نویسنده، تاریخ انتشار: صفحه کتاب» ارجاع داده می‌شود: (رضی، ۱۳۹۳: ۸۹). در منبع‌نویسی نیز مبنای اساس نام خانوادگی نویسنده و سال انتشار است. در منبع‌نویسی این اطلاعات آورده می‌شود:

فصل هشتم: چگونگی منبع‌نویسی و ماخذدهی | ۱۸۱

۱- پدیدآورنده (گان): نام خانوادگی و نام؛ در صورتی که پدیدآورنده بیش از یک فرد باشد، از فرد نخست به اساس نام خانوادگی، از دیگران به اساس نام یاد می‌شود.

۲- تاریخ انتشار اثر.

۳- نام اثر.

۴- در صورتی که ترجمه باشد، نام مترجم، اگر تصحیح باشد نام مصحح، اگر چاپ چندم باشد نوبت چاپ و... .

۵- مشخصات نشر (محل نشر: ناشر).

در پایان کتاب و تحقیق، منابع به اساس الفبا از نام خانوادگی نویسندگان به ترتیب و پی‌هم نوشته می‌شوند.

نمونه‌ی منبع‌نویسی کتاب: پوپر، کارل ریموند. (۱۳۷۰). منطق اکتشاف علمی. ترجمه‌ی احمد آرام. تهران: انتشارات سروش.

نمونه‌ی منبع‌نویسی مقاله: رضی، احمد. (۱۳۲۹). «لحن تعلیمی در دیوان حافظ». پژوهش‌نامه‌ی ادبیات تعلیمی، شماره ۱۸، صص ۷۰-۸۲.

نمونه‌ی منبع‌نویسی از سایت‌های اینترنتی: منصور، حفیظ. (۱۳۹۴). «پلورالیسم دینی». بازیابی ۲۰ جوزای ۱۳۹۵ از سایت خراسان زمین.

در زیر منبع، آدرس اینترنتی مقاله در سایت، کاپی و پست شود.

قابل یادآوری است که در فهرست منابع، فهرست کتاب‌ها، مقاله‌ها در مجله‌ها و مقاله‌های اینترنتی جدا از هم می‌آیند. نخست فهرست کتاب‌ها، بعد فهرست مقاله‌ها در مجله‌ها و سپس فهرست مقاله‌های اینترنتی ذکر می‌شوند. هر کدام به اساس الفبا اول نام خانوادگی نویسنده، ترتیب می‌شود. در صورتی، کتابی نویسنده نداشته باشد یا از آدرس موسسه و سازمانی نشر شده باشد، به اساس حرف اول نام کتاب در ردیف قرار می‌گیرد:

اطلس تشریح بدن انسان (۱۳۶۵). شرکت جغرافیایی و کارتوگرافی.

باید یادآوری شود که فهرست منابع زبان‌های خارجی در ادامه زبان پارسی

دری قرار می‌گیرد.

بخش سوم
(معرفی مقاله)

فصل نخست (نیاز و ضرورت به مقاله‌نویسی)

مقدمه

این فصل به تعریف مقاله پرداخته و به پیشینه‌ی مقاله‌نویسی در افغانستان اشاره شده است. در ضمن، آسیب‌شناسی‌ای از وضعیت مقاله‌نویسی در کشور ارائه شده است.

مقاله یکی از گونه‌های غالب و شناخته‌شده‌ی نوشته در جهان معاصر است و در جهان معاصر، بیش‌ترین ایده، موضوع و... با این گونه (مقاله) بیان می‌شود. بنابراین مقاله در روزگار کنونی در عرصه‌ی علم و مطبوعات و رسانه، بیش‌ترین مصرف را دارد.

اهداف کلی

هدف از آرایه‌ی این فصل:

- ۱- تعریف مقاله.
- ۲- ضرورت به مقاله در جهان معاصر.
- ۳- وضعیت مقاله‌نویسی در افغانستان.

اهداف رفتاری (عملی)

از دانش‌جویان گرامی انتظار می‌رود پس از مطالعه‌ی این فصل این موارد را بدانند:

- ۱- مقاله را تعریف کنید؟
- ۲- مقاله در جهان معاصر چه اهمیتی دارد؟
- ۳- مقاله در جهان از کدام قرن رواج پیدا کرد؟
- ۴- در کدام عرصه‌ها به مقاله‌نویسی نیاز است؟
- ۵- فعالیت‌های دانش‌گاهی با مقاله چه ارتباطی دارد؟
- ۶- مقاله در افغانستان از چه زمانی آغاز شد؟
- ۷- وضعیت مقاله‌نویسی از نظر معیاری در افغانستان چگونه است؟

مقاله و بررسی وضعیت مقاله‌نویسی در افغانستان

مقاله

«مقاله‌نوشته‌ی نسبتاً کوتاهی است که در باره‌ی موضوع خاصی نوشته شود و اندیشه‌ای را ترویج کند یا به مسأله‌ای پاسخ بدهد.»

نوشتن مقاله در مناسبات علمی، فرهنگی و رسانه‌ای جهان معاصر بسیار اهمیت دارد. مهم‌ترین قالب برای ارایه‌ی ایده‌ها و یافته‌های علمی و پژوهی است. پژوهش‌گران رشته‌های تازه‌ترین دیدگاه‌ها و یافته‌های علمی خود را نخست به صورت مقاله در مجله‌های علمی ارایه می‌کنند.

میزان علمی مقالات نشرشده در مجلات علمی معتبر هر کشور یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی میزان تولید علمی آن کشور و تعیین جای‌گاه علمی آن کشور در جهان به شمار می‌رود. هم‌چنین مقاله یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی فعالیت‌های علمی دانش‌گهیان و استادان است. نوشتن مقاله‌ی علمی برای ارتقای مرتبه‌ی علمی اعضای هیات علمی دانش‌گاه‌ها و نوشتن مقاله برای دانش‌جویان در دانشگاه‌ها به فعالیت دانش‌جویی ضروری

و مهم است.

دانش‌جویان در جریان تحصیل نیاز به مقاله‌نویسی دارند. زیرا استادان برای آنها پروژه‌های کاری می‌دهند که کارهای آنها را باید به صورت مقاله‌ارایه کنند. بنابراین یادگیری مقاله‌نویسی و شناخت انواع مقاله به دانش‌جویان کمک می‌کند تا پروژه‌های کاری خود را به صورت مقاله درآورند. در ضمن، مقاله‌نویسی فرصت و تمرینی برای پایان‌نامه‌نویسی و کتاب‌نوشتن است.

نیاز به مقاله

اگر مقاله را گونه‌ای نوعی از نوشتار در نظر بگیریم، می‌توانیم بگوییم که مقاله، نوع مسلط و غالب نوشتار چه در عرصه‌ی نوشتار علمی-تحقیقاتی و چه در عرصه‌ی نوشتار مطبوعاتی و رسانه‌ای است. از قرن هژده به بعد مقاله، نوع غالب نوشتارهای علمی-پژوهشی و مطبوعاتی است.

در جهان معاصر به خصوص در عرصه‌ی علم و در عرصه‌ی توسعه‌ی علم و ارایه‌ی تحقیقات، مقاله‌های علمی آن‌قدر اهمیت دارد، اگر زیاده‌روی نکرده باشیم می‌توانم بگوییم که کتاب آن‌قدر اهمیت ندارد. در این شکی وجود ندارد که چرخاندن مطبوعات و رسانه‌ها بی‌مقاله ممکن نیست. روزنامه‌ها، مجله‌ها، برنامه‌های تلویزیونی، مجلس‌های علمی و ادبی و... همه با مقاله صورت‌گیری پیدا می‌کنند.

مقاله‌نویسی در روزگار معاصر از نیازهای علمی، اجتماعی، ادبی، هنری و حتا می‌توان گفت از نیازهای تمدنی بشر است. مقاله و مقاله‌نویسی از نخستین و مهم‌ترین شیوه‌ی پژوهش‌های علمی و ترویج و توسعه‌ی علم است. کشورهای بی‌که از لحاظ علمی توسعه یافته‌اند، در این کشورها تعداد مجله‌های علمی و تخصصی، مجله‌های فرهنگی و هفته‌نامه و روزنامه‌ها بیش‌تر است. در روز، هفته و ماه مقاله‌های بسیار نوشته و نشر می‌شوند که در نهایت ایده و موضوع همین مقاله‌ها را نویسندگان مقاله‌ها گسترش می‌دهند،

به کتاب تبدیل می‌کنند یا این‌که مقاله‌هایی با موضوع‌های مرتبط به هم به صورت کتاب چاپ و نشر می‌شوند.

خلاصه این‌که می‌توان گفت مقاله‌نویسی از ویژگی‌های جهان معاصر و کشورها و جامعه‌های توسعه‌یافته، متمدن و پیشرفته است. مقاله از نیازهای مهم علمی، فرهنگی، اجتماعی و... مدنیت و تمدن است. از این‌رو می‌توان توسعه و پیش‌رفت یک جامعه و یک کشور را بنابه حجم و چگونگی مقاله‌نویسی و نشر مقاله، انواع مجله و روزنامه‌های همان جامعه و کشور، سنجید.

پیشینه و وضعیت مقاله‌نویسی

مقاله با ساختار و محتوایی کنونی از گونه‌های مدرن و معاصر نوشتار است که پس از ایجاد صنعت چاپ و رواج مطبوعات به وجود آمد؛ پیش از آن نه تنها در افغان‌ستان بلکه در جهان چنین نوشتاری با چنین محتوا و ساختار وجود نداشته است. مقاله‌نویسی با ساختار و محتواهای فعلی پس از قرن هژده کم کم رواج پیدا می‌کند و در موضوع‌های متفاوت: تاریخ، اجتماع، فلسفه، ادبیات، زیبایی‌شناسی و... نوشته می‌شود. اما چگونگی نگارش مقاله از قرن هژده تا قرن نوزده بیش‌تر جنبه‌ی غیررسمی و خودمانی داشته است. مقاله‌های علمی از قرن بیست به بعد با روی کار آمدن مجله و نشریه‌های تخصصی، ساختار رسمی و نسبتاً مشخصی پیدا کرده است.

در افغان‌ستان نیز پس از وارد شدن ماشین و صنعت چاپ (صد سال پیش) و رواج جریده و نشریه، مقاله‌نویسی آغاز شد. از آن روزگار تا اکنون مقاله‌نویسی ادامه داشته است، اما بنابه تغییرات ناگوار شرایط سیاسی که به صورت عموم زیرساخت‌ها و ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... در این کشور اساس نیافتند و به صورت جدی و اساسی آن مدرن و معاصر نشدند؛ مقاله‌نویسی نیز آن‌چنان که باید از نظر تنوع محتوایی و از نظر ساختار علمی مدرن می‌شد، نشده است. مقاله‌نویسی در افغان‌ستان به صورت سنتی و

بیش‌تر به شکل غیررسمی و خودمانی باقی مانده، وارد محتواهای جدی فکری و ساختار رسمی نشده است.

آفت و فساد مقاله‌نویسی

از آفت و تباهی یک امر یا پدیده، هنگامی می‌توان سخن گفت که در روزگاری آن پدیده به صورت جدی و فعال وجود داشته و از رونق خوبی برخوردار بوده است که بعداً دچار بحران شده است. آیا در افغانستان مقاله‌نویسی علمی به صورت جدی رواج داشته که اکنون دچار بحران و آفت شده است؟ اگر از چشم‌انداز مقاله‌نویسی علمی به مقاله و مقاله‌نویسی در افغانستان نگاه کنیم؛ طوری که امور مدرن فرهنگی، سیاسی و... در افغانستان رواج تقلیدی داشته، مقاله و مقاله‌نویسی نیز رواج تقلیدی داشته است. در صورتی بخواهیم به این که چرا مقاله‌نویسی در افغانستان به صورت جدی و رسمی نهادینه نمی‌شود بپردازیم؛ می‌توان این موارد را از آسیب‌های علم و رسمیت نیافتن مقاله در کشور دانست:

۱- دانش عقلی و فلسفی مدرن آن‌چنان که در اروپا و کشورهای توسعه‌یافته، حتا در کشورهای هم‌سایه شکل گرفته و نهادینه شده در افغانستان به صورت روش‌مند نهادینه نشده است. این نهادینه نشدن دانش عقلی و فلسفی مدرن سبب می‌شود که ما نتوانیم وارد مفاهیم جدی و معاصر در عرصه‌ی علوم بشری شویم و با نوشتن مقاله به این مفاهیم بپردازیم.

۲- دکارت گفته بود: «روش، راهی است که به منظور دستیابی به حقیقت در علوم باید پیمود». در جهان معاصر هر کاری با روش اجرایی می‌شود، یعنی بی‌شناخت و یادگیری روش ممکن نیست کاری را به خوبی انجام داد یا دانشی را به صورت درست آن یاد گرفت. در گذشته به تحقیق علوم از نظر تفاوت موضوع و محتوا پرداخته می‌شد اما اکنون بنابه تفاوت روش به پژوهش علوم پرداخته می‌شود. علوم از نظر موضوع و محتوا نه بلکه از نظر روش دسته‌بندی می‌شود.

مقاله و مقاله نویسی نیز روش دارد. تفاوت انواع مقاله جدا از موضوع‌های مورد بحث مقاله‌ها بنابه تفاوت روش نوشتن آنها در نظر گرفته می‌شود. اگر بخواهیم یک مقاله‌ی خبری، معرفی کتاب یا علمی-پژوهشی بنویسیم، نوشتن هر کدام روش و شکل رسمی مخصوص به خود را دارد که باید رعایت شود. با رعایت روش در نوشتن می‌توان تفکیک کرد که مقاله خبری، معرفی کتاب یا علمی-پژوهشی است.

طوری که فهم علوم و دانش‌های معاصر در این کشور نهادینه نشده است، روش‌های معاصر و یادگیری روش‌های معاصر نیز نهادینه نشده‌اند. بنابراین ما در کل روش تحقیق و روش مقاله‌نویسی را یاد نداریم. یادگیری این روش‌ها در هر علمی نیاز به آموزش دارد که باید به صورت جدی روش‌های تحقیق در دانش‌گاه‌ها تدریس شوند.

۳- سهل انگاری، تنبلی، آسان‌گیری، مصلحت‌گرایی و برخورد سوء استفاده‌گرایانه از موقعیت علمی با تحقیق، روش تحقیق و مقاله‌نویسی از عواملی استند که در دانشگاه‌ها و در نهادهای تحقیقاتی از جمله اکادمی علوم افغانستان صورت می‌گیرد.

۴- مجله‌ها و نشریه‌هایی بنام مجله‌های علمی و تخصصی در دانش‌گاه‌ها و نهادهای تحقیقاتی فعالیت می‌کنند اما بنابه مصلحت‌های فسادآمیز و... یا بنابه کم‌دانشی اعضای هیات علمی این مجله‌ها، معیار و روشی علمی و رسمی مقاله‌نویسی در این مجله‌ها رعایت نمی‌شود یا شناخته شده نیست. بنابراین می‌توان گفت در افغانستان نهادهای واقعی اکادمیک، علمی و پژوهشی نداریم که مجله‌ها یا ژورنال‌های علمی و پژوهشی واقعی داشته باشیم.

۵- در کل وضعیت دانش، روش علمی تدریس و تحقیق و مقاله‌نویسی در افغانستان اندوه‌بار است؛ زیرا هیچ مرجعی خود را نسبت به وضعیت علم و روش تدریس علم و تحقیق مسوول نمی‌داند، نه معاونت‌های علمی دانش‌گاه‌ها، نه اعضای هیات علمی مجله‌های (علمی و تخصصی؟)، نه اکادمی علوم

فصل نخست: نیاز و ضرورت به مقاله‌نویسی | ۱۹۱

افغانستان، نه نهادهای تحقیقاتی، نه وزارت تحصیلات عالی، نه وزارت اطلاعات و فرهنگ و نه وزارت معارف. شورای وزیران و ریاست جمهوری نیز خود را مسوول نمی‌دانند تا مراجعی را که مدیریت دانش و تحقیق را به عهده دارند، مورد بررسی قرار دهند.

بنابراین نیاز است که فهم دانش و علوم مدرن شود؛ آموزش روش تدریس و روش تحقیق جدی گرفته شود و در دوره‌ی مکتب و تحصیلات به صورت جدی و روش‌مند آموزش داده شود؛ مصلحت‌گرایی در علم و روش تحقیق از بین برود؛ و معیارهای روش علمی در تحقیق و در مقاله‌نویسی در مجله‌ها در نظر گرفته شود.

فصل دوم (معرفی انواع مقاله)

مقدمه

مقاله دارای انواع است و هر نوع مقاله، نسبتاً شیوه‌ی نوشتار و آرایه‌ی متفاوت دارد. در این فصل انواع و گونه‌های مقاله معرفی شده و شناختی از هر گونه‌ی آن آرایه شده است.

گونه‌های مقاله در افغانستان چندان شناخته شده نیست، به تراس است برای معرفی و شناخت گونه‌های مقاله و ساختار مقاله، بیش تر کار صورت بگیرد. در این جا شناخت و معرفی گذارا از انواع مقاله صورت گرفته است.

اهداف کلی

هدف از آرایه‌ی این فصل:

- ۱- آشنایی دانش جویان با انواع مقاله.
- ۲- آشنایی با مقاله‌های رسمی و غیر رسمی.

اهداف رفتاری (عملی)

از دانش جویان گرامی انتظار می رود پس از مطالعه‌ی این فصل این موارد را بدانند:

- ۱- مقاله‌های رسمی و غیررسمی از هم چه تفاوتی دارند؟
- ۲- از نظر موضوع، مقاله‌ها شامل چه موضوع‌هایی می‌شوند؟
- ۳- از نظر هدف، مقاله‌ها کدام اهداف را دنبال می‌کنند؟
- ۴- گونه‌های مقاله‌های مطبوعاتی را نام بگیرید؟
- ۵- مقاله‌های دانش‌گاهی از چه ویژگی‌های برخوردار هستند؟
- ۶- مقاله‌های دانش‌گاهی کدام‌ها هستند؟

انواع مقاله

مقاله‌ها به اساس موضوع و هدف و روش به انواع تقسیم می‌شوند. در تقسیم‌بندی نخست، مقاله‌ها را به دو نوع: رسمی و غیررسمی تقسیم می‌کنند.

مقاله رسمی تقریباً غیرشخصی است. نویسنده در مقام یک منبع معتبر یا دارنده‌ی آگاهی، موضوع را به شیوه‌ای منظم و روش‌مند شرح و تفسیر می‌کند. مقاله‌ی غیررسمی، لحن «خودمانی» یا شخصی دارد و محصول تلقی شخصی و مبتنی بر دانش عمومی و دریافت‌های شخصی نویسنده است.

مقاله از نظر موضوع و هدف نیز گونه‌هایی دارد:

۱- از نظر موضوع: مقاله‌ی تاریخی، فلسفی، ادبی، انتقادی، اجتماعی، سیاسی و ...

۲- از نظر هدف: مقاله‌ی آموزشی، ترویجی، توصیفی، توضیحی، تفسیری، روایی و اقناعی.

۱- مقاله‌های مطبوعاتی

مقاله‌های مطبوعاتی دو نوع است:

مقاله‌های خبری: مقاله‌های ساده‌ی خبری در باره‌ی موضوع‌هایی نوشته می‌شوند که با خبری پیوند داشته باشند. این مقاله‌ها در روزنامه‌ها با عنوان‌ها و شکل‌های متفاوت چاپ می‌شوند، مانند سرمقاله که معمولاً سردبیر آن را

فصل دوم: معرفی انواع مقاله | ۱۹۵

می نویسد و بیان‌کننده‌ی باورها و نوع نگاه گردانندگان آن نشریه به روی داده‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... است.

انواع دیگری از مقاله‌های کوتاه و بلند در مطبوعات با ذکر نام نویسندگان آنها نشر می‌شوند که به حساب دیدگاه گردانندگان نشریه گذاشته نمی‌شود. این مقالات بسیار متنوع اند و در حجم‌های متفاوت و با زبانی گاه جدی و گاه طنزآمیز نظر نویسندگان آنها را بازتاب می‌دهند. این مقاله‌ها با اندک تفاوت‌هایی که باهم دارند تحت عنوان‌های گوناگون نشر می‌شوند، مانند: یادداشت، جستار، معرفی، نقد مطبوعاتی، تفسیر و اظهار نظر، تحلیل و تشریح. مقاله‌های علمی-آموزشی: مقاله‌های استند که باید در مجله‌های تخصصی چاپ شوند اما با تغییراتی که فهم آنها را برای مخاطبان عام آسان‌تر می‌کند، در مطبوعات عمومی چاپ می‌شوند؛ مثلاً به زبان ساده نوشته می‌شوند؛ تیترونیسی جدی گرفته می‌شود؛ با مقدمه‌ای جذاب شروع می‌شوند؛ و متن با مثال‌های عامه‌پسند بیان می‌شود.

به‌تراست دانش‌جویان مقاله‌نویسی را با نوشتن مقالات در مطبوعات تمرین کنند. در صورتی که دانش‌جویان بنابه مناسبت‌های تقویمی یا به بهانه‌ی انتشار یک خبر فرهنگی، ادبی، اجتماعی، اقتصادی و... مانند خبرانتشار یک کتاب یا نمایش یک فیلم، مقاله‌ی کوتاهی در باره‌ی آنها برای یکی از نشریات بنویسند، مهارت نویسندگی دانش‌جویان تقویت می‌شود.

علاوه بر نشریه‌های کاغذی، نشریه‌های الکترونیکی فراوانی نیز وجود دارند که مقالات نویسندگان را نشر می‌کنند. در ضمن، وبلاک‌ها نیز فضای خوبی برای انتشار مقاله‌ها هستند و هر فرد می‌تواند مقاله‌های خود را در وبلاک خود نشر کند.

۲- مقاله‌های دانش‌گاهی

مقاله‌های علمی و دانش‌گاهی، رسمی و جدی اند و از نظر روش و هدف با

مقاله‌های عادی متفاوت اند و به اساس روش و نوع دیدگاه و هدفی که دارند شکل و ماهیت جداگانه‌ای پیدا می‌کنند. مقاله‌های علمی که در دانش‌گاه‌ها نوشته می‌شوند؛ شامل این گونه‌ها اند:

مقاله‌ی علمی-پژوهشی: مقاله‌ای که برگرفته از یک پژوهش نظام‌مند و روش‌مند بوده، از دو ویژگی اصالت و ابداع برخوردار باشد.

مخاطبان این گونه مقاله‌ها، متخصصان هر رشته؛ استادان دانش‌گاه، دانش‌جویان دوره‌ی دکترا و کارشناسی ارشد و پژوهش‌گران در نهادهای تحقیقاتی و علمی اند.

مقاله‌ی علمی-مروری: مقاله‌ای که در آن برای پاسخ‌گویی به پرسش تحقیق؛ فعالیت‌های علمی نشرشده در باره‌ی یک موضوع به صورت روش‌مند مرور می‌شود تا سیر تحول مطالعات مربوط به آن فعالیت‌های علمی نشان داده شود و نقاط قوت و ضعف پژوهش‌های پیشین آشکار گردد.

نویسنده برای دست‌یابی به این هدف منابع مرتبط با یک موضوع را از کتاب، مقاله، پایان‌نامه و... مطالعه می‌کند؛ به یکی از شیوه‌ها مثلاً به ترتیب تاریخی گزارش می‌نماید؛ تصویری از فعالیت‌های علمی مربوط به آن ارائه می‌دهد؛ نتایج مطالعات پیشینیان را در باره‌ی آن موضوع تجزیه و تحلیل می‌کند و به ارزیابی آنها می‌پردازد؛ به این ترتیب زوایای مختلف آن موضوع را می‌شناساند؛ و زمینه‌های تحقیقات بیش‌تری را در باره‌ی آن موضوع فراهم می‌کند.

مقاله‌ی علمی-ترویجی: در مقاله علمی-ترویجی، دانش موجود در هر رشته‌ای مجدداً ترکیب و ارائه می‌شود. این گونه مقاله‌ها بیش‌تر جنبه‌ی گردآوری دارند و برپایه‌ی جابه‌جایی، تلفیق و ترکیب دانش موجود نوشته می‌شوند و گاه آمیزه‌ای از تالیف و ترجمه‌اند که نوآوری در آنها می‌تواند به شیوه‌ی عرضه‌ی مطالب برگردد، مثلاً طبقه‌بندی تازه مطالب یا تقسیم‌بندی جدیدی از انواع ارائه شود. هدف این گونه مقاله‌ها آموزش و ترویج دانش و ارتقای سطح آگاهی‌های خواننده‌ها و آشنا ساختن آنان با مفاهیم علمی است.

مقاله‌ی دانش‌نامه‌ای: این گونه مقاله برای چاپ در دانش‌نامه یا اطلاعات عمومی نوشته می‌شود. این نوع مقاله ممکن است بسیار کوتاه یا مفصل باشد، تلاش می‌شود تا اطلاعات جامع و در عین حال فشرده در باره‌ی موضوع ارائه شود و منابع مربوط به آن در پایان مقاله ذکر گردد.

مقاله‌ی دانش‌نامه‌ای در واقع، خلاصه و طبقه‌بندی کردن اطلاعات معتبر موجود در باره‌ی یک موضوع به هدف اطلاع‌رسانی است. از این رو برخی از آنها را می‌توان مقاله‌ی علمی-مروری به شمار آورد. نگارش هر یکی از عنوان‌های دانش‌نامه را که مدخل می‌گویند به کسانی می‌سپارند که در آن زمینه، فعالیت علمی موثری داشته باشند.

مقاله‌ی آموزشی: این گونه مقاله به هدف آموزش موضوع، روش یا نظریه‌ای برای دانش‌جویان نوشته می‌شود. از این رو نباید حاوی ایده، روش و یافته تازه‌ای باشد، زیرا مسایل مطرح در آن موضوعاتی استند که در آن رشته‌ی علمی تثبیت شده و در شمار مشهورات است. این مقاله‌ها فقط کارکرد آموزشی دارند. **مقاله‌ی نقد کتاب:** در این گونه مقاله، آثار علمی، ادبی و فرهنگی نشر شده، به ویژه کتاب مورد نقد و ارزیابی قرار می‌گیرند و توان‌مندی‌ها و کاستی‌های آثار به صورت روش‌مند بیان می‌شوند. منظور از بیان توان‌مندی‌ها برای این است که اهمیت اثر نشان داده شود تا دیگران متوجه اهمیت اثر شوند. منظور از بیان کاستی‌ها این است که به آن چه که اثر می‌توانست بپردازد، نپرداخته است؛ بنابراین اشاره به کاستی از طرفی برای رفع کاستی‌ها است، از سوی دیگر برای اصلاح کاستی‌ها در ویرایش بعدی است و از سویی می‌تواند اشاره به کاستی‌ها جنبه‌ی آموزشی داشته باشند.

اشاره به کاستی‌ها برای قصد تخریب اثر و تاخت و تاز به شخصیت نویسنده اثر نباید صورت بگیرد. اگر اشاره به کاستی‌ها با قصد تخریب اثر یا تاخت و تاز به نویسنده‌ی اثر صورت بگیرد، چنین نقدی به معنای علمی، ادبی و فرهنگی نقد نیست، اعتبار ندارد.

فصل سوم (ساختار مقاله‌ی علمی-پژوهشی و ره‌نمودهای برای به‌ترسازي آن)

مقدمه

ساختار مقاله‌های علمی-پژوهشی مانند ساختار تحقیق پایان‌نامه یا مانند ساختار تحقیق است؛ همان روشی که در تحقیق دنبال می‌شود در نوشتار مقاله‌ی علمی-پژوهشی نیز رعایت می‌شود؛ فقط با این تفاوت که در مقاله، به صورت فشرده و خلاصه در نظر گرفته می‌شود.

به ساختار تحقیق و طرح تحقیق در چگونگی تحقیق پایان‌نامه پرداخته شده است، نیاز نیست تکرار شود. بنابراین فقط به صورت گذرا به ساختار مقاله و به چند ره‌نمود برای به‌ترسازي مقاله اشاره شده است.

اهداف کلی

هدف از آرایه‌ی این فصل:

- ۱- آشنایی با ساختار مقاله‌ی علمی-پژوهشی.
- ۲- آشنایی با ره‌نمودهایی برای به‌ترسازي مقاله.

اهداف رفتاری (عملی)

از دانش جویان انتظار می‌رود پس از مطالعه‌ی این فصل این موارد را بدانند:

- ۱- ساختار مقاله علمی-پژوهشی با ساختار تحقیق پایان‌نامه چه تفاوتی دارد؟
- ۲- ساختار مقاله‌ی علمی-پژوهشی را نام بگیرید؟
- ۳- به نظر تان از جمله‌ی چهارده رهنمود، کدام رهنمودها در به‌ترسازي مقاله می‌تواند خیلی مهم باشد؟

ساختار مقاله‌های علمی-پژوهشی

مقاله‌های علمی-پژوهشی دارای ساختاری است که تحقیق پایان‌نامه یا هر تحقیق دیگری دارد، با این تفاوت که ساختار مقاله، نسبت به پایان‌نامه یا تحقیق‌های گسترده، فشرده‌تر و خلاصه‌تر است.

مقاله‌ی علمی-پژوهشی دارای این ساختار است:

- ۱- صفحه‌عنوان؛ ۲- فهرست مطالب؛ ۳- چکیده؛ ۴- کلیدواژه؛ ۵- مقدمه (شامل طرح تحقیق)؛ ۶- بدنه‌ی اصلی مقاله و نوشتار؛ ۷- نتیجه‌گیری؛ ۸- منابع.

با آن‌که مقاله‌های علمی-پژوهشی چنین ساختاری را دارند اما هنگام چاپ در مجله، صفحه‌عنوان، فهرست مطالب مقاله نشر نمی‌شوند؛ عنوان را در صفحه‌ی چکیده می‌آورند از چکیده به بعد، مقاله نشر می‌شود.

رهنمودهای لازم برای به‌ترسازي مقاله

۱- انسجام در مقاله‌های علمی اهمیت زیاد دارند. لازمه‌ی آن پرداختن به اصل موضوع و دوری از حاشیه‌روی است. پراکنده‌گویی و عدم تمرکز بر موضوع اصلی مقاله، یکی از عوامل آسیب‌رسان به انسجام مقاله است. انسجام محصول ارتباط معنا دار میان قسمت‌های مختلف مقاله است؛ ارتباط منطقی میان محتوای عناوین اصلی و فرعی مقاله و هم‌چنین ارتباط میان پاراگراف‌هایی که

پشت سرهم آورده می‌شوند.

۲- از تکرار مطالب در مقاله خودداری شود. البته به صورت طبیعی بخشی از مطالب مقاله در چکیده و نتیجه‌گیری تکرار خواهد شد که برای بازگویی آنها نیز لازم است از عبارات متفاوتی استفاده شود، اما در متن مقاله نقل دو یا چند باره‌ی یک مطلب درست نیست و با حجم محدود مقاله نیز هم خوانی ندارد.

۳- مطالب مقاله یا باید مستدل باشد یا مستند. از این‌رو طرح هرگونه ادعا یا نتیجه‌گیری بدون زمینه‌سازی منطقی یا ارجاع به منابع معتبر موجب ضعف مقاله می‌شود.

۴- در استفاده از منابع لازم است به این نکات توجه شود: الف) تازه‌ترین منابع مرتبط با موضوع مقاله دیده شود؛ ب) منابع غیر فارسی مرتبط به موضوع نیز مورد توجه قرار گیرد؛ ج) اگر منبعی دو یا چندبار منتشر شده است، از جدیدترین چاپ آن استفاده شود؛ د) به منابع اصیل و دست اول ارجاع داده شود، مگر در مورد استثنایی؛ ه) از ارجاع بیش از اندازه به یک ماخذ خودداری شود.

۵- در مقاله‌های علمی - پژوهشی از آوردن نقل قول‌های زیاد و حجم افزای پرهیز شود؛ هم‌چنین آوردن شواهد و مثال‌های بیش از اندازه نیز پسندیده نیست، به ویژه آن‌که با تحلیل و نتیجه‌گیری منطقی هم‌راه نباشد.

۶- از تخریب افراد و هم‌چنین از تمجید و تحسین مبالغه‌آمیز اشخاص پرهیز شود. نقد باید متوجه مطلب باشد نه نویسنده آن.

۷- در مقاله از رسم الخط یکسان استفاده شود. برای این کار، رعایت استقلال خط پارسی دری مهم است.

۸- نشانه‌گذاری در متن نیز موجب روان‌تر خواندن و صراحت در معنادگی و معنای متن می‌شود و به خواننده کمک می‌کند تا فهم مطلب و موضوع را به‌تر متوجه شود. از این‌رو لازم است از نشانه‌های سجاوندی استفاده‌ی مناسب صورت بگیرد.

۹- به‌تراست از ابزارهایی که به تفهیم و انتقال به‌تر پیام مطلب کمک می‌کند،

مانند جدول و نمودار به میزان کافی و در جای مناسب استفاده شود. جدول‌ها و نمودارها باید به صورت جداگانه شماره‌گذاری شوند و دارای عنوان باشند.

۱۰- نثر مقاله علمی باید گویا، روشن، شفاف و با زبان معیار، معاصر و رسمی هم‌سو باشد؛ به‌تراست از به‌کاربردن واژه‌های کهن، ترکیب‌های مبهم و متکلف و ترکیب‌های ادبی و پردازش‌های ادبی خودداری شود.

۱۱- به‌تراست در مقاله‌ی علمی از صیغه‌ی سوم شخص در گزارش کارهایی که در پیشینه‌ی تحقیق یا مقدمه نوشته می‌شود، استفاده شود.

۱۲- مقاله چندبار از نگاه نگارشی بازخوانی و ویرایش شود. اصلاح غلط‌های تایپی بسیار مهم است. متنی که دارای نثری سنجیده و در عین حال روان و از اشتباه‌های تایپی عاری باشد، دقت نویسنده را می‌رساند و حس مثبت خواننده را نسبت به خواندن مقاله در پی خواهد داشت.

۱۳- پس از پایان نگارش مقاله، به‌تراست نویسنده مدتی از کار فاصله بگیرد و سپس به سراغ آن برود و آن را بازخوانی و ویرایش کند. نگاه نویسنده در این مرحله نسبت به کارش هرچه انتقادی‌تر باشد، به‌ترمی‌تواند کاستی‌های مقاله را تشخیص دهد و آنها را اصلاح کند.

بررسی مجدد مقاله باید از نگاه‌های متفاوت صورت گیرد: الف) از نگاه محتوا؛ ب) از نگاه ساختار؛ ج) از نگاه چگونگی تنظیم مطالب، بیان مستدل و مستندسازی؛ د) از نگاه زبان نوشتار.

۱۴- به‌تراست مقاله قبل از نشر به صاحب‌نظران یا دوستان آشنا با موضوع نشان داده شود.

کتاب‌نامه

- آریان‌پور، ا. ح. (۱۳۵۳). تدارک پژوهش‌نامه. تهران: موسسه‌ی تحقیقات و برنامه‌ریزی.
- احمدی‌گیوی، حسن و دیگران. (۱۳۹۰). زبان و نگارش فارسی. تهران: سمت.
- پک، جان و کوپل، مارتین. (۱۳۸۶). روش مطالعه‌ی ادبیات و نقد نویسی. ترجمه‌ی سرورالسادات جوهریان. چاپ دوم. تهران: مروارید.
- حافظ‌نیا، محمد رضا. (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سمت.
- حرّی، عباس. (۱۳۹۱). آیین نگارش علمی. تهران: نهاد کتاب‌خانه‌های عمومی کشور.
- روویران، یان کلود. (۱۳۸۱). مهارت و روش‌ها در نگارش پایان‌نامه‌های دانش‌گاهی. ترجمه‌ی الله شکر اسداللهی تجرق. تبریز: دانشگاه تبریز.
- زال‌زاده، ابراهیم. (۱۳۹۲). راه‌نمای آماده‌سازی و تنظیم نوشته‌های علمی - تحقیقی. یزد: انتشارات نیکوروش.
- ساده، مهدی. (۱۳۷۵). روش‌های تحقیق با تاکید بر جنبه‌های کاربردی. چاپ اول. تهران: مولف.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۵). روش تحقیق در علوم اجتماعی: اصول و مبانی،

- جلد اول. چاپ سوم. تهران: پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سرانا، گپالا (۱۳۷۳). روش‌شناسی علوم اجتماعی (انسان‌شناسی). ترجمه‌ی رحیم فرخ‌نیا. چاپ اول. گناباد: مرندیز.
- سرایی، حسن (۱۳۷۲). مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق. چاپ اول. تهران: سمت.
- سرفراز، علی‌اکبر. (۱۳۶۶). راه‌نمای پژوهش و نگارش مقالات علمی و رساله‌ی تحصیلی. مشهد: مولف.
- سمیعی گیلانی، احمد. (۱۳۸۰). آیین نگارش. تهران: مرکز دانش‌گاهی.
- سیف، علی‌اکبر. (۱۳۷۵). روش تهیه‌ی پژوهش‌نامه. رودهن: دانش‌گاه آزاد اسلامی.
- ===== (۱۳۹۴). روش‌های یادگیری و مطالعه. ویرایش دوم. تهران: دروان.
- طوسی، بهرام. (۱۳۶۶). مهارت‌های خواندن. چاپ چهارم. مشهد: انتشارات ترانه.
- ===== (۱۳۵۴). هنرنوشتن. چاپ چهارم. تهران: موسسه‌ی تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی مرکز مدارک علمی.
- ===== (۱۳۸۸). راه‌نمای پژوهش و اصول علمی مقاله‌نویسی. چاپ سیزدهم. مشهد: تابران.
- عزتی، مرتضا (۱۳۹۵). روش تحقیق در علوم اجتماعی. ویرایش سوم: چاپ دوازدهم. تهران: نور علم.
- غلامحسین‌زاده، غلامحسین. (۱۳۷۹). ره‌نمای ویرایش. تهران: سمت.
- فلیک، اووه. (۱۳۹۵). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشرنی.
- فتوحی، محمود. (۱۳۸۵). مقاله علمی-پژوهشی. تهران: سخن.
- ===== (۱۳۹۳). فارسی عمومی. ویرایش جدید: چاپ هشتم و

- ششم. تهران: سخن.
- فرهنگ‌ستان زبان و ادب فارسی. (۱۳۸۵). دستور خط فارسی. تهران: دفتر مطالعات و توسعه‌ی رسانه‌ها.
- قاسمی، حمید؛ کشکر، سارا؛ لیلا، ایزدپرست. (۱۳۹۳). آیین نگارش زبان فارسی. تهران: حتمی
- قاسمی، حمید؛ کشکر، سارا. (۱۳۸۹). ره‌نمای پایان‌نامه. تهران: ورزش.
- ماحوزی، مهدی. (۱۳۶۴). گزارش نویسی و آیین نگارش. تهران: اساطیر.
- مارتینیک، ای. پی. (۱۳۹۵). مثل فیلسوف نوشتن (آموزش نگارش مقاله‌ی فلسفی). ترجمه‌ی فاطمه مینایی و لیلا مینایی. تهران: هرمس.
- ماه‌یار، عباس. (۱۳۹۴). مرجع‌شناسی ادب و روش تحقیق. چاپ هفدهم. تهران: صبا.
- محمدی، بیوک. (۱۳۸۵). درآمدی بر روش تحقیق کیفی. تهران: سخن.
- نادری، عزت‌الله؛ سیف‌نراقی، مریم و شاه‌پوریان، فرنگیس. (۱۳۸۷). راهنمای علمی فراهم‌سازی طرح تحقیق. تهران: روان.
- نبوی، بهروز (۱۳۷۴). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی. چاپ پانزدهم. تهران: کتاب‌خانه‌ی فروردین.
- واربرتون، نایجل. (۱۳۹۷). فوت و فن فلسفه. ترجمه‌ی علی‌رضا حسن‌پور. قم: طه.
- هولستی، آل. آر. (۱۳۷۳). تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی. ترجمه‌ی نادر سالارزاده امیری. چاپ اول. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

